۳۵

شیوه‌های نظارتی امر به معروف و نهی از منکر در گفتار و سیره پیامبر اعظم (ص)

احمد غلامعلی



شیوه های نظارتی امر به معروف و نهی از منکر در گفتار و سیره پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : شیوه های نظارتی امر به معروف و نهی از منکر در گفتار و سیره پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم)/ احمد غلامعلی، تهیه شده در مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

مشخصات نشر : قم: کتاب طه، 1388

مشخصات ظاهری : 120ص.

شابک: 6-8-96873-964ISBN: 964-96873-8-6

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت : چاپ اول: 1388.

شماره کتابشناسی ملی : 4541322

ص:1

اشاره

دیباچه

از دیدگاه اسلام، سرنوشت فرد و جامعه از هم جدا نیست و صلاح و فساد هر یک، بر دیگری اثرگذار است. ازاین رو، همگان موظلند هم به وظایف خویش عمل کنند و هم در قبال کارها و سرنوشت دیگران خویش را مسئول بدانند. در واقع، بی توجهی و اهانت کردن مردم به ارزش های الهی، خواه ناخواه پس از مدتی در جامعه تأثیر منفی می گذارد. بنابراین، برای پاک سازی محیط اجتماعی از گناه و انحراف، بر همگان واجب است که در برابر عملکرد نادرست و آشکار دیگران به مسئولیت خویش عمل کنند.

عمل به فریضه امر به معروف و نهی از منکر، بهترین نشانه اهتمام فرد به امور خلق و توجه به مسائل مهم زندگی برادران دینی است. امر به معروف و نهی از منکر، برخاسته از احساس مسئولیت آدمی در برابر ارشاد و یاری دیگران و سکوت نکردن در برابر اشتباه و گرفتاری آنها، بلکه به هدایت و مدد آنان شتافتن است. و لازمه تحقق و نهادینه شدن این فهم، چه در فرد و چه اجتماع، نفی خودخواهی است. در آیات رحمانی درباره انجام و آثار این فریضه مهم آمده است:

و از خدا و سولش اطاعت می کنند. به زودی، خدا بر آنان رحمت خویش را ارزانی می دارد،

همانا خداوند، توانا و حکیم است. (توبه: 71)

امر به معروف، وظیفه ای همگانی و نوعی نظارت اجتماعی است. در متون اسلامی میان امور عبادی و کارهای شایسته که به بشر دستور داده شده، امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان عامل برپایی دین و ضامن پایایی و پویایی شریعت معرفی شده است. امام علی علیه السلام در حکمت نهج البلاغه می فرماید: «تمامی اعمال ارزشمند حتی جهاد در راه خدا، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر، چیزی افزون بر قطره در برابر دریایی عمیق و مواج نیست».

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در سیره عملی و سخنان راهگشای کامل ترین انسان، الگویی مطمئن و شایسته برای تمام مسلمانان به دست می دهد. آنچه در پی می آید، تلاش محققانه و ارزنده پژوهشگر ارجمند جناب آقای احمد غلامعلی است که کوشیده است از جنبه های گوناگون شیوه نظارتی امر به معروف و نهی از منکر را در گفتار و سیره رسول الله صلی الله علیه و آله به تصویر بکشد و در جهت به کار بردن این سیره تکاملی، آن را فراراه برنامه ریزان و برنامه سازان رسانه ملی قرار دهند. امید است که بهره برداری مطلوب از آن صورت گیرد.

انّه ولیّ التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

احمد غلامعلی

پیش گفتار

«کشتی در دریا شناور است و سرنشینان، در طبقه زیرین و بالای کشتی با آسودگی خاطر نشسته اند، ناگهان یکی از مسافران طبقه زیرین، تَبَری به دست می گیرد و می گوید: می خواهم کشتی را سوراخ کنم. اگر مسافران سکوت کنند، بی تردید، همه غرق خواهند شد و اگر با او مسئولانه برخورد کنند و وی را از این کار باز دارند، همه را از هلاکت رهایی بخشیده اند».(1)

آنچه بیان شد، تشبیهی زیبا برگرفته از حدیثی از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است که همه مردم را به نظارت بر مسائل پیرامون خویش فرامی خواند و سلامت جامعه را در گرو فرهنگ «امر به معروف و نهی از منکر» می داند.

تأملی در واژه نظارت و بررسی برتری ها و کاستی های انواع نظارت، ما را با چگونگی به کارگیری نظارت در مواقع گوناگون آشنا می سازد. آنچه از این پژوهش به دست می آید، پایایی و مانایی «نظارت همگانی» یا «فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر» در گسترش نیکی های جامعه انسانی است.

1- محمدبن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، بیروت، دارالفکر، 1401ه . ق، ج 3، ص 164.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله همواره با معرفی «زیبایی ها» و «زشتی ها» مراقب بود «زشتی»، جانشین «نیکی و زیبایی» نشود و از مردم می خواست «نیکی» را همواره پاس دارند و از «زشتی» دوری کنند. تأکید فراوان پیامبر خدا نشان دهنده آن است که اگر روزی «منکر»، «معروف» شود، بنیان جامعه دینی فرو خواهد ریخت. بنابراین، چشمان تیزبین همه مردم باید مراقب تغییر جهت ها باشد.

نخستین فصل این نوشتار، واژه شناسی و کلیاتی درباره نظارت و امر به معروف و نهی از منکر است. مهم ترین قسمت این مجموعه؛ یعنی شیوه های کاربردی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در گسترش فریضه امر به معروف و نهی از منکر، در فصل دوم بررسی خواهد شد. این شیوه ها با نمونه های فراوانی در دو مبحث شیوه های رفتاری و گفتاری بررسی شده است.

در فصل سوم به نظارت های رسمی رسول خدا صلی الله علیه و آله بر کارگزاران و زیردستان پرداخته شده و فصل پایانی درباره رابطه رسانه و امر به معروف است.

با خواندن «شیوه های کاربردی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله »، به هدف تألیف این نوشتار پی می بریم. نویسندگان ارجمند کتاب های امر به معروف و نهی از منکر که از تلاش همه آنان بهره برده ام، بیشتر به مسائل فقهی یا کلامی این فریضه بزرگ همت گمارده اند، در حالی که شیوه پژوهش ما بیشتر کاربردی است.

«همه کتاب در یک نگاه»، نیز چکیده ای از مهم ترین مباحث این نوشتار است که در پایان کتاب گنجانده شده است.

فصل اول: مفاهیم و کلیات

اشاره

فصل اول: مفاهیم و کلیات

زیر فصل ها

1. نظارت

2. امر به معروف و نهی از منکر

1. نظارت

اشاره

1. نظارت

زیر فصل ها

الف) واژه شناسی نظارت

ب) اصطلاح شناسی «نظارت»

ج) ضرورت نظارت

د) اقسام نظارت

ه_) نظارت در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

الف) واژه شناسی نظارت

الف) واژه شناسی نظارت

در عربی، نگاه دقیق و با تأمل را «نظر» گویند(1) و شخص امینی که حاکم جامعه،وی را برای تحقیق درباره رفتار گروهی خاص مأمور می کند، «ناظر» نامند. درفرهنگ فارسی نیز واژه های نظر و ناظر، همان معنای عربی را دارد. دهخدا در لغت نامه خود، در توضیح نظر می نویسد: «نگریستن، نگریستن در چیزی با تأمل، حکومت کردن بین مردم و فیصله

دادن دعاوی ایشان، مدد کردن و کمک کردن.» (2) وی ناظر را نیز چنین معنا کرده است: «نظر کننده، نگاه کننده، اِشعار داشتن، دیده بان، نگهبان و کسی که برای مراقبت اعمال و رفتار دیگری گمارده می شود». (3)

1- اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، ترجمه: احمد بن عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین، 1407ه . ق، چ 4، ج 2، ص 830 .

2- علی اکبر دهخدا، لغت نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، 1373، چ 1، ج 13، ص 19960.

3- علی اکبر دهخدا، لغت نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، 1373، چ 1، ج 13، ص 19610.

با توجه به این تعاریف، «نظارت» به معنای نگرش دقیق و موشکافانه است و ناظر نیز کسی است که رفتار دیگری را با دقت زیرنظر می گیرد. امروزه نظارت فقط یک واژه عربی پرکاربرد در زبان فارسی نیست، بلکه اصطلاحی مدیریتی است که در فرهنگ سیاسی جایگاهی ویژه دارد.

ب) اصطلاح شناسی «نظارت»

ب) اصطلاح شناسی «نظارت»

برخی پژوهشگران دانش مدیریت، معتقدند نمی توان تعریف اصطلاحی یکسانی از نظارت بیان کرد؛ زیرا نظارت فقط به یک رشته علمی و موضوعی خاص محدود نمی شود، بلکه مفهوم آن در هر دانشی متفاوت است و کارکرد ویژه خود را دارد.(1) با این حال، می توان آن را با ویژگی هایش شناخت. مهم ترین ویژگی نظارت را می توان «کنترل فعالیت های برنامه ریزی شده با شیوه های مخصوص، به صورت آگاهانه و عامدانه» دانست.(2)

بنابراین، نگاهی اتفاقی بر تحرک یک مجموعه را نمی توان نظارت نامید. از دیگر سو هنگامی نظارت مطرح است که در حرکت به سوی هدفی معیّن، احتمال خطا و انحراف از مسیر تصور شود. در اینجا ناظر «بایدها» را با «هست ها»، «مطلوب ها» را با «موجودها» و «پیش بینی ها» را با «عملکردها»

1- نک: محمد منصورنژاد، «فلسفه نظارت»، فصل نامه حکومت اسلامی، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، سال نهم، پاییز1383، ش 3، شماره پیاپی 33، ص 22.

2- محمد منصورنژاد، «فلسفه نظارت»، فصل نامه حکومت اسلامی، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، سال نهم، پاییز1383، ش 3، شماره پیاپی 33، ص 23.

مقایسه می کند و تصویر روشنی از اختلاف و تشابه ارائه می دهد.(1)

بنابراین، تعریف ما از نظارت، با توجه به آنچه گفته شد، چنین است: «کنترل عامدانه فعالیت برنامه ریزی شده و تطبیق آن با هدف های برنامه.» برای نمونه، عارف در سیر و سلوک خود با برنامه ای ویژه به سوی حق حرکت می کند و همواره با «محاسبه و مراقبه»، سیر حرکتی خود را کنترل می کند تا از راه راست منحرف نشود. وی از برنامه خود، آگاه است و به عمد به محاسبه خود می پردازد.

ج) ضرورت نظارت

ج) ضرورت نظارت

در آموزه های دینی، انسان موجودی زیان کار،(2) حریص (3) و بی تاب(4) معرفی شده است؛ مگر آنان که نفس خود را تربیت کنند(5) که اگر آن را کنترل نکنند، سرکش می شود.(6) از همین رو، اسلام برای تربیت همه انسان ها برنامه دارد و آنان را به سوی هدفی معیّن ره می نماید. بنابراین، باید همه فعالیت های انسان کنترل شود تا به سرمنزل مقصود برسد. از دیگر سو انسان در جامعه مسئولیت های گوناگونی بر عهده دارد و هرچه تحرک و مسئولیت او بیشتر

1- علی آقاپیروز و دیگران، مدیریت در اسلام، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چ 1، ص 21.
2- نک: عصر: 2.
3- نک: معارج: 19.
4- نک: معارج: 20.
5- نک: عصر: 3؛ معارج: 22.
6- نک: علق: 6 .

شود، نظارت بر رفتارهایش ضروری تر است؛ زیرا احتمال اشتباه او بیشتر می شود.

به عبارت دیگر، کار با برنامه را نمی توان بدون نظارت رها کرد؛ زیرا اشتباه در انسان و ابزار راه دارد و امری پذیرفتنی است. ازاین رو، در همه مراحل باید «فعالیت ها» با «برنامه» تطبیق داده شود. گفتنی است ضرورت نظارت، دلیل بی اعتمادی به مردم نیست، ولی برای پرهیز از هرگونه کاستی، نظارت لازم است و همین نظارت سبب اعتماد بیشتر به مردمی خواهد بود که کمتر خطا می کنند.

د) اقسام نظارت

اشاره

د) اقسام نظارت

در نظام های سیاسی دنیا رفتار مردم و حکومت، با نظارت آشکار و پنهان ارزیابی می شود. در این گونه جوامع، حکومتیان با تشکیل سازمان هایی بر رفتار مجموعه مدیریتی خود به صورت رسمی و آشکار نظارت می کنند و گاه نیز با راهکارهای ویژه، عملکرد مجموعه را به صورت پنهانی زیرنظر می گیرند و از سویی به مردم نیز اجازه می دهند، فعالیت حکومت را کنترل و با دلایل قانونی از حکومت بازخواست کنند. اگرچه در همه کشورها این قوانین یکسان نیست، حکومت های مردم سالار، مدعی چنین سازوکاری هستند، که این نظارت را «نظارت بیرونی» می گویند.

با اندکی تأمل در آموزه های دینی درمی یابیم، نظارت در سیره پیامبر اسلام، بسیار فراتر از نظارتی است که ما از آن سخن گفتیم. دین اسلام نظارت بیرونی را به رسمیت می شناسد، ولی در تقسیم بندی نظارت، از ساختار جدیدی استفاده می کند. ساختار نظارتی اسلام را می توان این گونه ترسیم کرد:

ص:11

مبتنی بر وجدان درونی

مبتنی بر وحی «نظارت الهی»

نظارت

نهادی «خصوصی»: سازمان های دولتی

بیرونی

همگانی «عمومی»: «امر به معروف و نهی از منکر»

اسلام به نظارت درونی و بیرونی معتقد است و نظارت درونی، برخاسته از وحی یا وجدان است. نظارت برخاسته از وحی را «نظارت الهی» و نظارت برخاسته از وجدان را «نظارت وجدانی» می نامیم. اگرچه هر دو نوع این نظارت ها به بیدارباش وجدان انسان باز می گردد، برای تبیین دقیق تر نظارت های زمان پیامبر، از این دو اصطلاح بهره می بریم.

با تأملی در انواع گوناگون نظارت درمی یابیم، همه گونه های نظارتی که درباره آن سخن گفتیم، برای پویایی جامعه ضرورت دارد و نمی توان با تکیه بر نظارت درونی و رشد اخلاق در جامعه، از نظارت بیرونی چشم پوشید؛ زیرا اگرچه خویشتن داری انسان را از گناه دور می کند، مانع اشتباه وی نخواهد شد. نظارت بیرونی، افزون بر آنکه به گناه حساس است، اشتباه های افراد را نیز به آنها گوشزد می کند تا آنان از گناه و خطا دست شویند. برای نمونه، انسان های پرهیزکار از دروغ گویی، تهمت زدن و دیگر گناهان پرهیز می کنند، ولی ممکن است به گونه ای رفتار کنند که در نظر عرف جامعه دینی، ناپسند شمرده شود. نظارت بیرونی، آنان را به زشتی چنین رفتارهایی آگاه می سازد. این کمترین اثر نظارت بیرونی است. در ادامه، چهار گونه نظارت را بررسی می کنیم.

یک _ نظارت الهی

در بسیاری از آیات قرآن تأکید شده که انسان در محضر خداست و خدا و فرشتگان الهی، رفتار و حتی نیت وی را کنترل می کنند. همچنین به انسان یادآور می شود، خداوند ناظر بر همه کارهای اوست، چنان که در آیاتی از قرآن می خوانیم:

«أنَّ اللّهَ بِما تَعْمَلُونَ بَصیرٌ؛ خداوند به آنچه انجام می دهید، بیناست». (بقره: 233)

«... وَ اللّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبیرٌ؛ خداوند به آنچه انجام می دهید، آگاه است». (بقره: 234)

«و اگر آنچه در دل های خود دارید، آشکار یا پنهان کنید، خداوند شما را به آن محاسبه می کند». (بقره: 284)

«خداوند به راز درون سینه ها داناست». (آل عمران: 119)

«خدا همواره بر شما نگهبان است». (نساء: 1)

«خدا همواره بر هر چیزی حساب رس است». (نساء: 86)

پیامبران خدا از طریق وحی، از «نظارت الهی» بهره مند می شدند. خداوند در آیه ای از قرآن درباره اثرگذاری «نظارت الهی» می فرماید:

[کارهای ناروای خود را] از مردم پنهان می دارند و [البته نمی توانند] از خدا پنهان دارند و چون شبانگاه به چاره اندیشی می پردازند و سخنانی می گویند که وی [بدان] خشنود نیست، او با آنان است و خدا به آنچه انجام می دهند، همواره احاطه دارد. (نساء: 108)

برخی توطئه های پنهانی دشمنان علیه پیامبرخدا، از طریق وحی بر ایشان آشکار می شد. برای نمونه، هنگامی که یهودیان بنی نضیر، رسول خدا

صلی الله علیه و آله را

با گروهی از یارانش تنها یافتند، تصمیم به کشتن آن حضرت گرفتند، ولی پیامبر از طریق وحی باخبر شد و به سرعت به مدینه بازگشت.(1)

دشمنان رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در واپسین سال های عمر آن حضرت به «نظارت الهی» معتقد بودند و همین «احساس نظارت» سبب می شد در گفتار و کردار خود بااحتیاط عمل کنند. برای مثال، هنگامی که مکه به دست مسلمانان فتح شد، پیامبر به بلال دستور داد بر بالای کعبه اذان گوید. عتّاب بن اسید گفت: «خدا را سپاس که پدر من درگذشت و امروز را ندید.» حارث بن هشام گفت: «محمد غیر از این کلاغ سیاه، مؤذّن دیگری پیدا نکرد؟!»، ولی ابوسفیان گفت: «من چیزی نمی گویم؛ چون می ترسم پروردگار آسمان، او را باخبر سازد.» در همین هنگام جبرئیل بر پیامبر نازل شد و ایشان را آگاه کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را احضار کرد و از آنچه بر زبان راندند، پرسید و آنان نیز اعتراف کردند.(2) این واقعه نشان می دهد ابوسفیان به «نظارت الهی» معتقد بوده و از آن می ترسیده است، به گونه ای که حتی در جمع یارانش نیز سخنی علیه پیامبر نمی گوید.

«احساس نظارت» سبب رشد جامعه انسانی خواهد شد. انسانی که پروردگار را ناظر بر همه اعمال و رفتارش می داند، رفتارش را سامان می دهد و

1- محمد بن سعد، طبقات الکبری، بیروت، دار صادر، ج 2، ص 57.
2- فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، 1415 ه_ . ق، چ 1، ج 9، ص 225.

در انجام وظایفش کوتاهی نمی کند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، «نظارت الهی» را برانگیزاننده «نظارت درونی» می داند و می فرماید:

فَاسْتَحیُوا الیومَ أَن یَطَّلِعَ اللّهُ علی شَیءٍ مِنْ أمرِکم.(1)

امروز شرم کنید از اینکه خدا از همه کارهای شما آگاه است.

دو _ نظارت وجدانی

دو _ نظارت وجدانی

«نظارت وجدان» یا «خودکنترلی»، مؤثرترین و کارآمدترین نوع نظارت است که از برتری های ادیان الهی شمرده می شود. «نظارت بیرونی» فقط در صورتی مؤثر خواهد بود که انسان از درون نیز خود را کنترل کند، در غیر این صورت، فقط در حضور «ناظر بیرونی» درست کردار است و چنانچه «ناظر بیرونی» غفلت کند، او نیز از وظیفه خود سر باز می زند.

کسانی که بر اعمال خود نظارت نمی کنند، در برابر «نظارت بیرونی» مقاومت می کنند و کارهای ناپسند خویش را پسندیده جلوه می دهند، چنان که در آیه ای از قران می خوانیم:

وَ إذا قیلَ لَهُمْ لاتُفْسِدُوا فی ٱلْأَرْضِ قالُوا إنَّما نَحْنُ مُصْلِحُونَ ألا إنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَ لکِنْ لایَشْعُرُونَ. (بقره: 11 و 12)

و چون به آنان گفته شود در زمین فساد نکنید، می گویند: ما خود اصلاح گریم. بهوش باشید که آنان فسادگرانند، ولی نمی فهمند.

1- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1403ه . ق، چ 2، ج 19، ص 333.

ره آورد نظارت بیرونی برای جوامع انسانی، رفاه و امنیت است. حکومت ها با برنامه ریزی های فراوان، وضعی رفاهی را سامان می دهند و امنیت لازم را برای افراد جامعه فراهم می کنند. سیستم های کنترلی گوناگون دولتی، انسان ها را از دست درازی به اموال عمومی و زیاده خواهی بازمی دارند و از این طریق می کوشند، امنیت در جامعه نهادینه و گسترده شود. در این میان، جوامعی که به رابطه انسان و خدا عقیده دارند، موفق تر هستند و هرچه از این میزان که اعتقاد درونی است کاسته شود، نظارت بیرونی افزایش می یابد و البته این نظارت، بسیار شکننده است.

بیان داستانی کهن، نظارت درونی را برای ما بهتر تبیین می کند. نقل است پادشاهی شیر درنده ای داشت و شخصی را مأمور کرده بود هر روز گوسفندی در برابر شیر بیندازد تا او بخورد. پس از چند روز به او خبر دادند نگهبان، ران گوسفند را برای خود بر می دارد. پس فرد دیگری را ناظر نگهبان کرد. ناظر و نگهبان، هم دست شدند و به این ترتیب، دو ران گوسفند نصیب آن دو می شد و نیمی از گوسفند، از آن شیر. پادشاه از این ماجرا خبردار شد و ناظر دیگری بر آن دو گمارد. از این پس شیر فقط سردست گوسفند را می خورد و دو ران و سردست دیگر نصیب ناظران و نگهبان گوسفند می شد. شاه وقتی از خیانت نگهبان و ناظران باخبر شد، ناظر دیگری تعیین کرد که البته سرانجام، شیر از گرسنگی مرد. حکایت نظارت بیرونی چنین است و تا هنگامی که ناظر درونی برنخیزد، ناظر بیرونی بازدارندگی کامل نخواهد داشت.

سیدجمال الدین اسدآبادی، مصلح معروف جهان اسلام که با نظام های سیاسی شرق و غرب آشنایی داشت، معتقد بود «تنها عامل بازدارنده سوءاستفاده از

قدرت، ایمان به خدا و روز جزاست». (1)

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله پیش از «نظارت بیرونی» بر «نظارت درونی» تأکید می کرد و می فرمود:

خویشتن را محاسبه کنید، پیش از آنکه محاسبه شوید و خود را بسنجید، پیش از آنکه سنجیده شوید. (2)

انسان خداباور که خود را کنترل می کند، هرگز نمی تواند کم کاری کند و می کوشد، کار خود را با دقت و ظرافت به انجام رساند. از دیگر سو به کسی ستم روا نمی دارد و آن گاه که این روحیه در جامعه نهادینه شد، نتیجه طبیعی آن رفاه و امنیت خواهد بود.

همه اهتمام و کوشش پیامبرخدا زنده نگه داشتن وجدان مردم بود. آن حضرت چنان بر یاران خود اثر گذاشت که بسیاری از آنان به ناظر بیرونی نیازمند نبودند و اگر از آنان اشتباهی سر می زد، خود، نزد قاضی می رفتند و به جرم خود اعتراف و تقاضای اجرای حد می کردند. اگرچه همواره گروهی هستند که باید با نظارت های شدید بیرونی کنترل شوند، ولی اگر نظارت درونی نهادینه شود، به مراتب مؤثرتر خواهد بود.

جریر، یکی از یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود که با آن حضرت بیعت کرد تا

1- سیدجواد ورعی، «نظارت و پرسشگری»، فصل نامه حکومت اسلامی، ص 8، به نقل از: مجموعه رسائل و مقالات، ص99.
2- بحارالانوار، ج 67، ص 73، ح 26.

نماز بخواند، زکات بدهد و خیرخواه دیگر مسلمانان باشد.(1) او چنان به پیمان خود استوار ماند که در همه شرایط خیرخواه مسلمانان بود و همواره بهتر از آنچه برای خود می پسندید، برای دیگران می خواست.

روزی جریر به غلام خود دستور داد اسبی برای او بخرد. غلام اسبی به قیمت سیصد درهم معامله کرد و فروشنده را برای دریافت پول نزد جریر آورد. جریر به فروشنده گفت: اسب تو بیش از سیصد درهم می ارزد، به چهارصد درهم می فروشی؟ فروشنده گفت: اختیار با توست. جریر بار دیگر گفت: اسب تو بهتر از این است، آیا به پانصد درهم می فروشی؟ و همین طور قیمت اسب را تا هشتصد درهم بالابرد و سرانجام آن را به هشتصد درهم خرید. کسانی که ناظر این معامله بودند، به جریر خرده گرفتند. وی گفت: من با پیامبر بیعت کردم خیرخواه همه مسلمانان باشم.(2)

به راستی کدام ناظر بیرونی می تواند چنین اثر ماندگاری بر فرد بگذارد، به گونه ای که حتی هنگام خریدن کالا، خیرخواه فروشنده باشد و ارزش حقیقی کالا را بپردازد؟

سه _ نظارت نهادی

سه _ نظارت نهادی

1- صحیح بخاری، ج 1، ص 20.
2- محیی الدین یحیی بن شرف النووی، صحیح مسلم به شرح النووی، بیروت، دار الکتاب العربی، 1407ه . ق، چ 2، ج 2، ص 40.

«نظارت نهادی»، گونه ای نظارت بیرونی است که از طریق سازمان های ویژه ای زیرنظر نهاد حکومت اعمال می شود. در چنین نظارتی، بازرسان چگونگی رفتار دستگاه های گوناگون را با معیارهای خویش می سنجند و از کندی یا پیشرفت کار، آگاه می شوند. نظارت نهادی یا نظارت خصوصی، در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله به گونه ای گسترده نمود ندارد؛ زیرا مدت حکومت پیامبر بسیار کم بود. البته پاره ای از موارد، بیانگر وجود چنین نظارتی است که در فصل چهارم به آن خواهیم پرداخت.

چهار _ نظارت همگانی

چهار _ نظارت همگانی

یکی از افتخارات دین اسلام، «نظارت همگانی» است؛ راهکار زیبایی که همه مردم بدون آنکه به حریم خصوصی یکدیگر وارد شوند، باید نسبت به رفتار هم حساس باشند. در چنین نظارتی افراد جامعه باید خوبی ها را ترویج کنند و هم نوعان را از کارهای ناپسند باز دارند. که در حقیقت، همان اصل «امر به معروف و نهی از منکر» که غبار غفلت بر آن نشسته است. شگفت آور این است که اندیشمندان غربی پژوهش های ماندگاری را درباره این نوع نظارت انجام داده اند، ولی مسلمانان چنان که باید، از این اصل ارزشمند دفاع نکرده و برای گسترش آن نکوشیده اند.

مایکل کوک،(1) خاورشناس انگلیسی که بیش از دوازده سال درباره امربه معروف و نهی از منکر تحقیق کرد، با مراجعه به حدود 1700 کتاب و مقاله،

1- Michael Cook.

اثری زیبا به نام «امر به معروف و نهی از منکر» در اندیشه اسلامی را نگاشت. این کتاب با وجود کاستی هایی(1) که دارد، به خوبی توانسته است جایگاه این فریضه مهم را نزد فرقه های گوناگون اسلامی بیان کند. انگیزه کوک در این پژوهش، وقوع حادثه ای زشت در ایستگاه قطار شهری شیکاگو است؛ حادثه ای که در آن، به زنی در برابر جمعی از مردم تجاوز شد و دختری با ضربه های چاقو در برابر چشم همگان به قتل رسید، در حالی که مردم نسبت به هر دو واقعه بی توجه بودند. او در این باره می نویسد:

آدمی نمی تواند فقط در کناری بایستد و ببیند به زنی در برابر عام تجاوز می شود. ما احساس می کنیم به نوعی وظیفه داریم، افزون بر آنکه خود باید به شایستگی رفتار کنیم، دیگران را نیز از ارتکاب کارهای ناپسند نسبت به هم نوعان خود باز داریم.

کوک پس از باخبر شدن از این حوادث، به تحقیقات خود ادامه می دهد و اذعان می کند در جوامع غربی، وظیفه ای برای یاری رساندن به دیگران وجود دارد، ولی بسیار مهجورتر از آن است که به عنوان فرهنگ از آن یاد شود و سپس می نویسد: «اسلام، نام و آموزه هایی ویژه برای چنین وظیفه اخلاقی گسترده دارد و نام آن، امر به معروف و نهی از منکر است».(2)

1- برای نمونه در فصل امامیّه، هیچ اشاره ای به قیام امام حسین علیه السلام نمی کند .

2- مایکل کوک، امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی، ترجمه: احمد نمایی، بنیاد پژوهش های اسلامی، 1384، چ 1، ج 1، ص 10 .

نظارت همگانی یا امر به معروف و نهی از منکر، در دین اسلام واجب است و همه افراد جامعه اعم از حکومت و مردم را دربرمی گیرد و همگان در قبال یکدیگر مسئولند و باید در برابر هم حساس باشند.

تعریف دقیق امر به معروف و نهی از منکر، اهمیت، جایگاه و شیوه های نظارت عمومی در فصل دوم خواهد آمد.

ه_) نظارت در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

ه_) نظارت در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

پیش تر گفتیم چهارگونه نظارت در اسلام وجود دارد: نظارت الهی؛ نظارت وجدانی؛ نظارت نهادی و نظارت همگانی که نوعی از همان نظارت بیرونی، ولی فراگیر است. حال این پرسش مطرح است که کدام نوع نظارت در زمان پیامبر تحقق یافت؟

نخستین مفهومی که از نظارت به طور مطلق به ذهن می آید، کنترل زیردستان از سوی مقام بالاتر است و این فرصت برای پیامبر، کمتر از چهار سال بود؛ زیرا آن حضرت در مکه حکومت تشکیل نداد و رخ دادن نبردهای گوناگون میان مسلمانان و کفار نیز در سال های آغازین اسلام در مدینه، فرصتی برای اعزام کارگزاران و نظارت رسمی بر رفتار آنان نگذاشت. با این حال، اهتمام رسول خدا صلی الله علیه و آله به کنترل نیروها و سفارش های مهم ایشان، سبب شد تشکیلات اداری «حِسْبه» و فرهنگ نصیحت به سردمداران، به عنوان شیوه های نظارتی حکومت اسلامی شمرده شود و تا سال ها ادامه یابد. نامه های امام علی علیه السلام و عبارت هایی مثل «بَلَغنی؛ مرا رسید» و مانند آن بیانگر استفاده از سیستم نظارت نهادی است که ریشه در آموزه های پیامبر دارد.

برخی روایت های موجود، حساسیت و تأکید رسول خدا صلی الله علیه و آله بر نظارت را نشان می دهد، چنان که دراین باره گفته اند: «یسأَلُ النّاسَ عَمّا فِی النّاسِ؛ [پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله] از مردم درباره آنچه میانشان رخ می داد، می پرسید».(1)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله به رفتار زیردستان بسیار حساس بود. نقل است در یکی از نبردها کاروانی از دوستداران پیامبر سر رسیدند، در حالی که آن حضرت نماز می خواند. کاروانیان از اصحاب پیامبر حال آن حضرت را جویا شدند. سپس گفتند: اگر عجله نداشتیم، منتظر می ماندیم تا نماز پیامبر تمام شود، سلام ما را به حضرت برسانید. آن گاه به راه خود ادامه دادند و رفتند. پیامبر وقتی از رفتن آنها باخبر شد، خشمناک گشت و فرمود: «کاروان می ایستد و از احوال من می پرسد و به من سلام می رساند و شما آنان را به غذا دعوت نمی کنید».(2)

این حادثه بسیار ساده، توجه پیامبر به دیگران را نشان می دهد؛ زیرا یاران حضرت با کاروانیان بدرفتاری نکردند، بلکه فقط در کاری مستحب کوتاهی کردند و همین کوتاهی، ناراحتی پیامبر را سبب شد.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در انتخاب فرماندهان و کارگزاران، افراد شایسته را برمی گزید، ولی مراقبانی بر آنان می گمارد تا رفتار ایشان را گزارش کنند. امام رضا علیه السلام دراین باره فرمود:

هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله لشکری را به سویی می فرستاد و فرماندهی

1- طبقات الکبری، ج 1، ص 326.

2- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1367ه . ق، چ 3، ج 6، ص 275، ح 1.

بر آنان پیشوایی می کرد، یک نفر از افراد مورداعتماد خود را با وی می فرستاد تا رفتار و کردار او را به آن حضرت گزارش دهد.(1)

این سیره پیامبر بعدها یکی از مستندات حکومت اسلامی شد، به گونه ای که حاکمان اسلامی رفتار کارگزاران خود را کنترل، کارها و رفتار مدیران سطوح گوناگون را به کمک افرادی مطمئن و مورداعتماد حساب رسی و آنها را تشویق یا تنبیه می کردند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نه تنها رفتار زیردستان را کنترل می کرد، بلکه از همه افرادی که با ایشان رفت وآمد داشتند، می خواست از نیازهای مردم باخبر شوند و آنها را به حضرت گزارش دهند. آن حضرت در فراخوانی عمومی فرمود: «خواسته های کسانی را که نمی توانند نیازهای خود را مطرح کنند، به من برسانید».(2)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ابلاغیه های حکومتی خود نیز بر نظارت همگانی تأکید می کرد و از کارگزاران خود می خواست امر به معروف و نهی از منکر کنند.(3) شیوه های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در گسترش «نظارت همگانی» را در فصل سوم بررسی می کنیم.

1- عبداللّه بن جعفر حمیری، قرب الاسناد، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، 1413ه . ق، چ 1، ص 342، ح 1249.

2- بحارالانوار، ج 16، ص 151.

3- علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، قم، دارالحدیث، 1419ه . ق، چ 1، ج 2، ص 519.

ص:23

2. امر به معروف و نهی از منکر

اشاره

2. امر به معروف و نهی از منکر

زیر فصل ها

الف) واژه شناسی امر به معروف و نهی از منکر

الف) واژه شناسی امر به معروف و نهی از منکر

واژه شناسان، دو واژه امر و نهی را ضد یکدیگر می دانند و «أمر» را «ضدّالنهی»(1) و «نهی» را «خلاف الأمر»(2) معنا کرده و نوشته اند: «نهی به معنای بازداشتن»(3) است. بنابراین، می توان امر را به معنای دستور دادن و «نهی» را به معنای بازداشتن از کاری دانست. از آن جا که این دو واژه در زبان فارسی پرکاربرد است، از توضیح بیشتر آن خودداری می کنیم.

دو واژه مهم دیگر «معروف» و «منکر» است که آن دو نیز متضاد یکدیگرند(4) و چنانچه معنای یکی از آنها به درستی و روشنی بیان شود، مفهوم دیگری نیز روشن می شود.

«معروف» به معنای شناخته شده، پسندیده و نیک است و سبب آرامش جان می شود،(5) در حالی که «منکر» به معنای ناشناخته، انکار شده، ناپسند و زشت

1- احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغه، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1404ه . ق، ج 1، ص 137؛ الخلیل الفراهیدی، العین، قم، دارالهجره، 1409ه . ق، چ 2، ج 8، ص 297.
2- جمال الدین محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، قم، نشر أدب الحوزه، 1405ه . ق، ج 15، ص 343.
3- الصحاح، ج 6، ص 2517؛ لسان العرب، ج 15، ص 343.
4- نک: الصحاح، ج 4، ص 1400.
5- نک: معجم مقاییس اللغه، ج 4، ص 281.

است و جان آدمی از او کناره گیری می کند.(1)

این دو واژه میان حدیث پژوهان معنایی ویژه یافت. آنان معروف را به معنای اسم جامع هر کاری دانستند که اطاعت خدا، تقرب الهی و نیکی به مردم را در پی دارد.(2) راغب اصفهانی، غریب نگار قرآن، می نویسد:

معروف، آن چیزی است که عقل و شرع، آن را به نیکی و خوبی می شناسد و معرفی می کند و منکر، آن چیزی است که عقل و شرع آن را ناپسند می دارد.(3)

راغب در تعریف خود، معیار شناخت معروف و منکر را عقل و شرع معرفی می کند. در متون روایی شیعه همین معیار به گونه ای رساتر دیده می شود. برای مثال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سخن خود را معروف و مخالفت با آن را منکر می شمارد و همراهی با امام معصوم علیه السلام را شرط صحت معروف می داند.(4)

با توجه به آنچه گذشت، امر به معروف؛ یعنی نهادینه کردن و تشویق به کارهای نیک و پسندیده و نهی از منکر؛ یعنی بازداشتن از کارهای زشت و ناپسند که پیشوایان معصوم علیهم السلام همه این نیکی ها و زشتی ها را در آموزه های خود به ما شناساندند و عقل نیز ما را در شناخت نیکی ها و بدی ها راهنمایی می کند.

1- معجم مقاییس اللغه، ج 4، ص 281 و برای آگاهی بیشتر نک: لسان العرب، ج 9، صص 236_242؛ العین، ج 5، صص 355 و 356؛ الصحاح، ج2، صص 836 و 837.
2- نک: ابن الأثیر، النهایه فی غریب الحدیث، قم، مؤسسه اسماعیلیان، 1364، چ 4، ج 3، ص 216.
3- راغب الاصفهانی، مفردات غریب القرآن، دفتر نشر الکتاب، 1404ه . ق، چ 2، ص 343.
4- نک: میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البیت، 1408ه . ق، چ 1، ج 12، ص 182، ح 13830.

ب) اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر با اهمیت دین یکسان است؛ زیرا همه آموزه های دینی، معروف و همه منکرات، پدیده غیردینی به شمار می روند. ازاین رو، دعوت همه پیامبران خدا امر به معروف است.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، نشانه دین داری را نهی از منکر می دانست و فرمود: «خدا از مؤمن ناتوان بی دین نفرت دارد.» پرسیدند: کدام مؤمن دین ندارد؟ حضرت فرمود: «آن که نهی از منکر نمی کند». (1)

در دین مبین اسلام، مؤمن مقامی برتر از مسلمان دارد و افزون بر بیان شهادتین، به خدا ایمان قلبی دارد، ولی رسول خدا صلی الله علیه و آله مؤمنی را که نهی از منکر را ترک کرده است، دین دار نمی داند. آن حضرت در حدیث دیگری نهی از منکر را نشانه خرد دانسته و فرموده است:

خدا از مؤمن ناتوان بی خرد نفرت دارد و می فرماید: او کسی است که نهی از منکر نمی کند. (2)

بنابراین، نهی از منکر کردن نشانه دین داری و عقل است و آنان که ارزش دین و خرد را دریافته اند، بی تردید اهمیت نظارت همگانی را نیز درمی یابند.

1- اصول کافی، ج 5، ص 59، ح 15.
2- محمدبن علی بن الحسین بابویه، شیخ صدوق، معانی الاخبار، قم، انتشارات اسلامی، 1361، چ 1، ص 344، ح 1.

در قرآن مجید یکی از برتری ها و تفاوت های مؤمنان بر منافقان، این گونه بیان شده است که مؤمنان به کارهای پسندیده فرمان می دهند و منافقان، مردم را به کارهای ناپسند وامی دارند، چنان که در آیه ای می خوانیم:

مردان و زنان دو چهره، همانند یکدیگرند، [همدیگر را] به کار ناپسند وا می دارند و از کار پسندیده باز می دارند و مردان و زنان باایمان، دوستان یکدیگرند که [همدیگر را] به کارهای پسندیده فرا می خوانند و از کارهای ناپسند باز می دارند. (توبه: 71)

زیبایی و ظرافت این گونه آیات، در این است که مردان و زنان منافق را همانند یکدیگر می داند، ولی مردان و زنان باایمان را دوست یکدیگر معرفی می کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان به امر به معروف و نهی از منکر اهمیت می داد که وقتی یکی از یارانش تصمیم گرفت خواب شب را بر خود حرام کند و از مردم کناره گیرد و به عبادت بپردازد، به او فرمود: «اگر با مردم نباشی، آن گاه چگونه آنها را امر به معروف و نهی از منکر می کنی؟»(1) امیرمؤمنان، علی علیه السلام نیز امر به معروف و نهی از منکر را برتر از همه کارهای نیک می دانست و می فرمود:

همه کارهای نیک و جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر، چون دمیدن به دریای پرموج پهناور است.(2)

1- مستدرک الوسائل، ج 12، ص 183، ح 13831.
2- نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، 1372، چ 4، حکمت 374.

ج) امر به معروف، ضامن سلامت جامعه

امر به معروف و نهی از منکر، فراتر از اهمیت، برای جامعه ضرورت دارد و در دین اسلام واجب شمرده شده و در زمره واجبات ده گانه شرعی(1) است و چنانچه امر به معروف و نهی از منکر از جامعه رخت بربندد، جامعه دینی فرو خواهد ریخت. سبب برتری جامعه دینی نیز امر به معروف و نهی از منکر است و اگر این دو فریضه در جامعه مسلمانان ترک شود، افتخار به مردم آنان با عنوان امت بهتر نیز بی معناست، چنان که در قرآن آمده است:

كُنْتُمْ خَيْرَ اُمَّهٍ اُخْرِجَتْ لِلنّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ. (آل عمران: 104)

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید؛ به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند باز می دارید.

امر به نیکی و بازداشتن از گناهان، فقط به سود مسلمانان نیست، بلکه همه افراد جامعه با هر گرایش و آیینی از آن بهره می برند. پس خداوند در قرآن تأکید می کند که شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید.

ترویج زیبایی ها و برخورد با زشتی ها، جامعه ای زیبا و به دور از تنش می سازد. در جوامع انسانی که آموزه های زیبایی چون امر به معروف و نهی از منکر فراموش شده اند، انسان ها به صورت افراد جدا از هم، در اجتماع زندگی می کنند. هر چند در تعاریف جامعه شناختی، کسانی که در یک جامعه زندگی

1- فروع دینی یا واجبات ده گانه عبارتند از: نماز، روزه، حج، خمس، زکات، جهاد، امر به معروف، نهی از منکر، تولی و تبری.

می کنند و با یکدیگر کنش متقابل دارند و از هنجارها و ارزش های مشترک پیروی می کنند، زندگی جمعی دارند، ولی در حقیقت، آنان فقط زندگی کردن در جمع را تجربه می کنند و از زندگی جمعی محرومند.

در فرهنگ دینی ما «بنی آدم اعضای یکدیگرند». ازاین رو، برای سالم ماندن هر عضو، همه می کوشند. انسان مسلمان نمی تواند در برابر غرق شدن انسان دیگر در گرداب گناه و تباهی بی توجه باشد. او به خوبی می داند اگر همسایه اش فاسد شود، خانه او نیز در امان نخواهد ماند و در نتیجه، جامعه نیز رو به فساد و تباهی خواهد رفت. هدف و تلاش مسلمان دردمند، سالم سازی جامعه است؛ جامعه ای که زشتی ها در آن زیبا شمرده نشوند. چنین فردی به زشتی های خصوصی و محدود به خانه افراد اعتراض نمی کند، بلکه از فراگیر شدن زشتی در جامعه جلوگیری می کند.

سرانجام افراد و جوامعی که امر به معروف و نهی از منکر را فراموش می کنند، نابودی است. خداوند در قرآن، ضمن نکوهش بنی اسرائیل به دلیل بی توجهی به زشتی ها، می فرماید:

كانُوا لا يَتَناهَوْنَ عَنْ مُنكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ ما كانُوا يَفْعَلُونَ. (مائده: 79)

یکدیگر را از کار زشتی که مرتکب می شدند، باز نمی داشتند، راستی چه بد بود، آنچه می کردند.

بر اساس آیات قرآن، خداوند کسانی را که در راه او به پاخیزند، نجات می دهد. ازاین رو، هرگاه قومی دچار عذاب الهی می شد، گروهی که ستم کاران

را پند می داد، از عذاب پروردگار نجات می یافت.(1)

چکیده سخن آنکه برای اینکه جامعه اسلامی، اسلامی بماند و آرامش و اطمینان در آن فراگیر شود، باید مردم و حکومت به امر به معروف و نهی از منکر اهتمام ورزند و گروهی به طور ویژه به این مهم بپردازند، چنان که در آیه ای از قرآن آمده است:

وَ لْتَكُنْ مِنْكُمْ اُمَّهٌ يَدْعُونَ إلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. (آل عمران: 104)

و باید از میان شما، گروهی [مردم را] به نیکی دعوت و به کار شایسته تشویق کنند و از زشتی باز دارند و آنان، همان رستگارانند.

وظیفه عمومی مردم، دعوت به نیکی است، ولی حکومت اسلامی نیز وظیفه دارد، خود، به امر به معروف و نهی از منکر بپردازد و زمینه را برای مردم فراهم کند. حکومت دینی باید به گونه ای برنامه ریزی کند که امر به معروف و نهی از منکر در جامعه رواج یابد. خداوند در آیه ای از قرآن در این باره می فرماید:

الَّذينَ إنْ مَكَّنّاهُمْ فى الْأَرْضِ أقامُوا الصَّلاهَ وَ آتَوُا الزَّكاهَ وَ أمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ. (حج: 41)

همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز به پا می دارند و زکات می دهند و [دیگران را] به کارهای پسندیده تشویق می کنند و از کارهای ناپسند باز می دارند.

کسانی که برای گسترش نیکی ها می کوشند، نباید از نکوهش مردم بهراسند

1- نک: اعراف: 164 و 165.

و چنانچه هدف آنها جلب خشنودی خدا باشد، خداوند راه را برای آنان هموار می کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

هر که اطاعت خدا را بر ناخشنودی مردم ایثار کند، خداوند او را از دشمنی هر دشمنی و حسادت هر حسودی و ستم هر ستم کاری بسنده می کند و همواره خداوند عزوجل یاور و پشتیبان اوست.(1)

د) پیشینه امر به معروف و نهی از منکر

اشاره

د) پیشینه امر به معروف و نهی از منکر

پیشینه امر به معروف و نهی از منکر، به آفرینش آدم برمی گردد و از همان روزی که شیطان آدم را فریفت، مبارزه میان معروف و منکر شروع شد. نخستین منکر را ابلیس مرتکب شد و در برابر فرمان پروردگار تکبر ورزید و نخستین نهی از منکر را حضرت حق انجام داد، چنان که در قرآن می خوانیم:

قالَ ما مَنَعَکَ ألاّ تَسْجُدَ إذْ أمَرْتُکَ قالَ أنا خَیْرٌ مِنْهُ. (اعراف: 12)

فرمود: «چون تو را به سجده امر کردم، چه چیز تو را بازداشت از اینکه [بر آدم] سجده کنی؟» گفت: من از او بهترم.

سپس شیطان کار ناشایست خود را با سخن «مرا از آتش آفریدی و او را از گل» توجیه کرد. ازاین رو، پس از ابلیس، همه کسانی که رفتاری ناپسند دارند، برای کردار خود بهانه می آورند. با این مقدمه، می توان همه پیامبران الهی را آمران به معروف و ناهیان از منکر دانست. در آیات قرآن مجید، از چگونگی

1- محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1365، چ 4، ج 6، ص 179، ح 15.

دعوت پیامبران و رفتار ناشایست مخالفان آنان سخن گفته شده است. برای نمونه، چگونگی دعوت حضرت نوح خواندنی است. آن حضرت از مردم خواست از حلال خدا استفاده کنند و از شیطانی که دشمن آشکار آنان است و آنان را به بدی و زشتی فرمان می دهد، پیروی نکنند(1) و از یاران آتش نباشند.(2) حضرت نوح مردم را از عذاب دردناک الهی ترساند(3) و مردم در مقابل، او را دیوانه،(4) ریاست طلب(5) و دروغگو(6) خواندند.

شکیبایی در برابر آزار افراد نادان و امیدواری به اصلاح آنان، از ویژگی های حضرت نوح بود. او 950 سال میان مردم زندگی کرد(7) و با روش های گوناگون تبلیغی،(8) شب و روز،(9) عمومی و خصوصی(10) به اصلاح مردم پرداخت و از هدایت آنها ناامید نشد. مطالعه زندگانی حضرت نوح نشان می دهد، امر به معروف و نهی از منکر بسیار دشوار است و همیشه تاریخ، مردان نیک، بدرفتاری نادانان را دیده اند، ولی آنان که به خدا ایمان دارند، همه سختی ها را

1- نک: بقره: 168 و 169.
2- نک: فاطر: 6.
3- نک: هود: 26.
4- نک: مؤمنون: 25.
5- نک: مؤمنون: 24.
6- نک: هود: 27.
7- نک: عنکبوت: 14.
8- نک: نوح: 13_18.
9- نک: نوح: 5.
10- نک: نوح: 8 و 9.

به عشق رضای حق، به جان می خرند.

تاریخ پیامبران الهی سراسر دعوت به نیکی و باز داشتن از زشتی است و یاران پیامبران(1) نیز کم و بیش وظیفه خود را انجام داده اند، ولی با ظهور پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، امر به معروف و نهی از منکر به صورت جریانی عمومی درآمد، به گونه ای که یاران پیامبر در برابر کج روی های جامعه بسیار حساس بودند و باز داشتن افراد از زشتی ها را وظیفه خود می دانستند و چون رسول خدا صلی الله علیه و آله از جامعه ای اسلامی در آینده خبر داد که در آن جامعه امر به معروف و نهی از منکر فراموش می شود، یاران حضرت شگفت زده شدند.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: روزی پیامبر خدا به اصحاب خود فرمود: «شما چگونه اید، زمانی که زنانتان فاسد و جوانانتان گناهکار می شوند و امر به معروف و نهی از منکر نمی کنید؟» اصحاب گفتند: ای پیامبر خدا، مگر چنین می شود؟! حضرت فرمود: «آری و بدتر از این، زمانی است که امر به منکر و نهی از معروف می کنید!» عرض شد: آیا چنین می شود؟ پیامبر فرمود: «آری و بدتر از این، چگونه هستید زمانی که معروف را منکر و منکر را معروف می پندارید؟»(2)

نکته بسیار مهم در این روایت، نگرانی وپرهیزدادن رسول خدا صلی الله علیه و آله به دگرگونی ارزش هاست؛ یعنی روزگاری که زیبایی، زشت می شود و افراد

1- نک: هود: 116.
2- تهذیب الاحکام، ج 6، ص 177، ح 359.

کارهایی را که عقل و دین ناشایست می دانند، زیبا جلوه می دهند.

_ دایره حِسبه

_ دایره حِسبه

پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، با وجود اینکه ارزشمندترین معروف ها؛ یعنی امامت اهل بیت علیهم السلام نادیده گرفته شد، مردم در برابر انحراف های اخلاقی و اعتقادی واکنش نشان می دادند و حتی گاه افراد، انحراف های خلیفه را نیز به او گوشزد می کردند و این کار را از حقوق مسلّم خود می دانستند. خلفا نیز با تشکیل نهاد نظارتی «حِسبه»، ارزش های دینی را حفظ کردند.

«حِسْبه» به معنای «عمل حساب»(1) است و «مُحْتَسِب» کسی بود که بر رفتار مردم نظارت می کرد و از آنها می خواست در عمل به واجبات کوتاهی نکنند و محرمات را ترک کنند. شاید بتوان نخستین حساب رسی دقیق رسمی را مربوط به زمان پیامبر دانست. آن حضرت پس از فتح مکه، سعید بن عاص را بر بازار مکه گمارد(2) و همین انتصاب، به معنای نظارت وی بر فعالیت های بازرگانی مکه قلمداد شد. پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز خلفا خود، اداره تشکیلات حِسبه را برعهده گرفتند. دایره حسبه در زمان های بعد، چنان گسترده شد که بر همه امور مردم نظارت می کرد.

اِبن اِخْوَه، فقیهِ شافعی قرن هشتم، کتاب مفصلی درباره احکام حِسبه(3)

1- آذرتاش آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران، نشر نی، 1379، چ1، ص 121.
2- علی بن برهان الدین حلبی، السیره الحلبیه فی سیره الامین المأمون، بیروت، دارالمعرفه، 1400ه_ . ق، ج 3، ص 354.
3- محمد بن محمد بن احمد القرشی ابن الاخوه، معالم القربه فی احکام الحسبه، قاهره، مکتبه المتنبی.

نگاشت. وی در این کتاب نظارت بر امور شهری را وظیفه محتسب دانسته و درباره چگونگی نظارت محتسب بر اصناف گوناگون سخن گفته است. برای نمونه، وی به سامان دهی امر نانوایی ها اشاره می کند و می نویسد:

نانواها باید پارچه ای تمیز بر پیشانی ببندند تا هنگامی که عرق می ریزند، خمیر نان آلوده نشود. همچنین موظفند، مگس ها را از اطراف ظرف خمیر برانند.

از دیگر وظایف محتسب، جلوگیری از تجمع جوانان در محل های پررفت وآمد زنان بوده است. ابن اخوه درباره سامان دهی امور واعظان و آموزگاران نیز مطالب خواندنی فراوانی دارد که امروزه نیز همچنان پرکاربرد است.(1)

دایره حسبه که روزگاری خلیفه عباسی نیز جرئت مخالفت با آن را نداشت، کم کم به عامل حکومت تبدیل شد، به گونه ای که فقط بر فرودستان سخت می گرفت و همین تغییر موضع سبب شد جایگاه خود را از دست بدهد و حتی شاعران پارسی گو بارها در آثارشان رفتار غیردینی محتسب را نکوهش کرده اند.(2)

آنچه گذشت، سیر تطور امر به معروف و نهی از منکر در مکتب خلفا بود و اگر گزارشی از مخالفت امامان بزرگوار شیعه با مکتب آنها وجود نداشته باشد، می توانیم همان روش را بپذیریم. با این حال، آنچه مسلّم است همه

1- برای مطالعه بیشتر نک: معالم القربه، صص 293 _ 295، باب 35 و 37.
2- نک: پروین اعتصامی، دیوان کامل، به کوشش: رضا ابوطالب، تهران، انتشارات پیری، 1371، چ 1، ص 271.

امامان شیعه، امر به معروف و نهی از منکر(1) می کردند و در این راه، سیره پیامبر خدا را پیش گرفته بودند. ازاین رو، بر ماست که از سیره آن بزرگواران در این امر پیروی کنیم.

در ایران با پیروزی انقلاب اسلامی، امر به معروف به عنوان یک اصل در قانون اساسی گنجانده شد. در اصل هشتم قانون اساسی آمده است:

در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه ای است همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت.

امام خمینی، بنیان گذار جمهوری اسلامی نیز با اقتدا به روش پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله دراین باره فرمود:

اگر من هم پایم را کج گذاشتم، شما مسئولید، اگر نگویید چرا پایت را کج گذاشتی. باید هجوم کنید، نهی کنید که چرا؟... امت باید نهی از منکر کند، امر به معروف کند.(2)

اکنون که برخی انحراف های اجتماعی اخلاقی در جامعه گسترش یافته اند، با توجه به جایگاه قرآنی امر به معروف و نهی از منکر و اصل هشتم قانون اساسی و تأکید فراوان حضرت امام رحمه الله و مقام معظم رهبری بر این مهم، ضرورت اجرایی شدن این اصل احساس می شود و اگر امروز اجرا شود، به مراتب بهتر از فرداست؛ زیرا ترک و به تأخیر انداختن امر به معروف و نهی از منکر، نتایج ناخوشایند نگران کننده ای دارد.

1- نک: زیارت جامعه کبیره، من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 612؛ تهذیب الاحکام، ج 6، ص 97.

2- روح اللّه موسوی خمینی، صحیفه نور، تهران، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چ 1، ج 8، ص 47.

ه) پی آمدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر

کوتاهی در فریضه امر به معروف و نهی از منکر، پی آمدهای زیان باری در دنیا و آخرت دارد. در کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله، کسی که این فریضه مهم را ترک کند، به خدا و پیامبر و قرآن ایمان نیاورده است(1) و نمی توان او را مؤمن خواند.

خدا قدرت مطلق جهان است و ابرقدرت ها در برابر او ناتوانند. با اندکی درنگ در سرنوشت سرکشان تاریخ، درمی یابیم هر چه هست، از خداست و غیر او محکوم به فناست و اگرچه فرعون فریاد «أناربکم الأعلی» سر داد، حتی نتوانست جان خویش را از عذاب الهی برهاند.

بر این اساس، رسول اکرم صلی الله علیه و آله به کسانی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کرده اند، به شدت هشدار می دهد؛ زیرا آنها با این کار به نبرد با خدا پرداخته اند و باید منتظر عذاب الهی باشند.(2) آن حضرت، خوشی دائمی را در گرو امر به معروف و نهی از منکر و همکاری در نیکی و تقوای الهی می داند و می فرماید:

اگر چنین نکنند، برکت ها از آنان گرفته می شود و بر همدیگر مسلط می شوند و هیچ یاوری در آسمان و زمین برایشان نیست.(3)

1- علاءالدین علی بن حسام الدین متقی هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، بیروت، دارالمعرفه، 1400ه . ق، ج 3، ص 64، ح 5516.
2- اصول کافی، ج 5، ص 59، ح 13.
3- تهذیب الاحکام، ج 6، ص 181، ح 22.

در این روایت، پیامبر خدا مسلمانان را از گرفتاری اقتصادی و سیاسی بیم می دهد؛ گرفتاری یی که هیچ راه حلی برای آن نیست و هر چه بیشتر انسان در این وضع هلاکت بار باقی بماند، زندگی بر وی دشوارتر خواهد بود.

خطر دیگر ترک امر به معروف و نهی از منکر، عذاب عمومی است. در این صورت، حتی خوبان امت نیز عذاب می شوند و گریزگاهی برای آنان نیست. ازاین رو، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به همگان هشدار می دهد اگر منکر آشکار شود، در حالی که توانایی بازدارندگی از آن باشد، همه مردم از نیک و بد عذاب خواهند شد.(1)

گریستن از روی پشیمانی و محشور شدن به شکل خوک و میمون در روز قیامت، از دیگر نتایج ترک امر به معروف و نهی از منکر است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی سوگند یاد کرده است، گروهی از امتش به صورت میمون و خوکاز قبر خارج می شوند؛ زیرا در برابر گناهان سستی و سازش کرده اند و درحالی که می توانستند، نهی از منکر نکرده اند.(2) آن حضرت در سخنی دیگر فرمود:

هیچ دیده ای نیست که زشتی و معصیت خدا را ببیند و اعتراض نکند، مگر آنکه خدا روز قیامت او را به گریه وادارد، هر چند ولیّ خدا باشد.

همچنین پیامبر، مسلمانان بی توجه به گناهان را بدترین مردم معرفی

1- نک: احمد بن حنبل، مسند، بیروت، دار صادر، چ 1، ج 4، ص 192.
2- نک: کنز العمال، ج 3، ص 83، ح 5605.

می کند.(1) یکی دیگر از نتایج نگران کننده ترک امر به معروف و نهی از منکر، مستجاب نشدن دعای نیکان امت است.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

آن گاه که امر به معروف و نهی از منکر نکنند و پیرو خوبان اهل بیتم نباشند، خداوند اشرارشان را بر آنان چیره می سازد. پس خوبان دعا می کنند و دعایشان مستجاب نخواهد شد.(2)

استاد مرتضی مطهری رحمه الله، این حدیث را این گونه ترجمه می کند: «خوبان شما می خوانند و به آنها جوابی داده نمی شود.» و سپس معنای لطیفی را از غزالی نقل می کند که:

وقتی [مردم] امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، آن قدر پست می شوند، آن قدر رعبشان، مهابتشان، عزتشان [و]کرامتشان از بین می رود که وقتی به درگاه همان ظلمه می روند، هر چه ندا می کنند، به آنها اعتنا نمی شود.(3)

بنابراین، پی آمدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر عبارتند از: عذاب الهی؛ به استجابت نرسیدن دعا؛ گریان بودن دیدگان در روز قیامت؛ محشور شدن به شکل میمون و خوک؛ ستیز با خداوند؛ گرفتاری سیاسی و اقتصادی؛ بی ایمانی؛ تنهایی و بی کسی و سلطه اشرار.

1- نک: کنز العمال، ج 3، ص 79، ح 5584.
2- حسن بن علی بن شعبه حرانی، تحف العقول، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چ 2، ص 51.
3- مرتضی مطهری، حماسه حسینی، تهران، صدرا، 1375، چ20، ج 2، ص 45.

و) موانع امر به معروف و نهی از منکر

اشاره

و) موانع امر به معروف و نهی از منکر

اهمیت و ضرورت امر به معروف و نهی از منکر و پی آمدهای زیان بار ترک این فریضه مهم، کافی است تا همگان را به دعوت به نیکی ها و بازداشتن از زشتی ها برانگیزاند، ولی چرا با وجود این، نمی توان در این زمینه کاری کرد؟ برخی در پاسخ به این پرسش معتقدند، امر به معروف و نهی از منکر شرایطی دارد و چون ما این شرایط را نداریم و برخورد ما نیز اثری ندارد، سکوت، موضع برتر است.

امر به معروف و نهی از منکر در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مراتبی دارد و کمترین مرتبه آن ناراحتی باطنی است؛ یعنی قلب انسان از دیدن منکر به شدت ناراحت شود که این مرتبه، به تحقق هیچ شرطی نیاز ندارد، ولی آیا آنان که تغییر ارزش ها را می بینند، از این امر ناراحت می شوند؟

با توجه به آیات قرآن و احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله، برخی از موانع امر به معروف و نهی از منکر را بررسی می کنیم.

یک _ ترس

یک _ ترس

نخستین مانع در راه اجرای امر به معروف و نهی از منکر، ترس از گناهکار یا قدرت حاکم است. انسان های شجاع به راحتی در برابر زشتی ها مقاومت می کنند و انسان های ترسو لب فرو می بندند. پیامبر خدا می فرماید:

مبادا کسی از شما در جایی که پای امری از خدا در میان است و باید سخن بگوید، با سکوت کردن، خود را کوچک کند؛ زیرا [فردای قیامت] نمی تواند بگوید: خدایا ! از مردم

ترسیدم؛ زیرا خداوند پاسخ می دهد: سزاوارتر آن بود که از من بترسی. (1)

در فرهنگ قرآنی، دین باوران هرگز از بسیاری و توانمندی دشمن نمی هراسند و در راه خدا ثابت قدم و استوارند، چنان که در آیه ای از قران می خوانیم:

الَّذِینَ قالَ لَهُمُ النّاسُ إِنَّ النّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَکُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزادَهُمْ إِیماناً وَ قالُوا حَسْبُنَا اللّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ. (آل عمران: 173)

همان کسانی که [برخی] مردم به ایشان گفتند: «مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده اند، پس، از آن بترسید.» و [لی این سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند: «خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است».

دو _ دنیا دوستی

دو _ دنیا دوستی

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله یکی از موانع امر به معروف و نهی از منکر را لذت زندگی ودنیادوستی می داند.(2)

لذت زندگی سبب می شود انسان برای لحظه ای بیشتر ماندن در دنیا بکوشد. او غافل از آن است که عمرش به دست خداست. ازاین رو، چنان عاشق و دل بسته دنیا می شود که حاضر نیست هیچ چیزی را با آن مبادله کند و هر چه انسان، دنیادوست تر شود، احتیاطش بیشتر می شود. انسان دنیادوست پیش از آنکه به دیگران پند دهد، به خود و زندگی اش توجه می کند و چنانچه پند او با زندگی اش در تعارض باشد، بی تردید زندگی را انتخاب می کند و فقط

1- کنز العمال، ج 3، ص 70، ح 5534.
2- کنز العمال، ج 3، ص 66، ح 5519.

در صورتی امر به معروف می کند که برای وی سودمند باشد یا با منافع دنیوی او در تعارض باشد.

یکی از راهکارهای حکومت های فاسد برای خاموش کردن شعله اعتراض ناراضیان، تطمیع معترضان است.

سه _ نادانی

سه _ نادانی

مانع دیگر در راه امر به معروف و نهی از منکر، نادانی است. گاهی انسان چنان گرفتار نادانی می شود که هرگز نمی توان با او سخن گفت و وی را از اشتباهش آگاه کرد. این گونه افراد هیچ چیز نمی دانند و تمایلی به دانستن نیز ندارند، بلکه در گرداب نادانی خود غوطه ورند و از آن لذت می برند. این گروه، اصلی ترین مانع اجرای امر به معروف و نهی از منکرند؛ زیرا با هیچ گفتاری نمی توان ایشان را از اشتباهشان آگاه کرد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله دراین باره می فرماید: «آن گاه که مستی نادانی شما را فرا گیرد، نه امر به معروف می کنید و نه از منکر باز می دارید».(1)

هر چه انسان آگاه تر و هشیارتر و با پی آمدهای سودمند امر به معروف و نهی از منکر آشنا شود، برای نهادینه ساختن آن بیشتر می کوشد.

کم رویی، سست اعتقادی، دانش کم، هم رنگی با جماعت و عوامل بسیار دیگری جزو موانع اجرای امر به معروف به شمار می روند که از محدوده پژوهش ما در بررسی سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله خارج است.

1- کنز العمال، ج 3، ص 66، ح 5519.

اشاره

فصل دوم: روش شناسی نظارت همگانی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

توجه بسیار پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به کج روی های مسلمانان و اشتیاق شدید برایرواج و نهادینه کردن زیبایی ها امری مشهود و پذیرفتنی است، ولی مسئله مهم، چگونگی تحول جامعه آن روز است. پیامبر، میان مردمی برانگیخته شد که ابتدایی ترین جلوه های زیبای زندگی مانند بوسیدن فرزند(1) را زشت می دانستند. آنان به راحتی دختر خود را با شتر تعویض می کردند.

داستان صعصعه، یکی از اصحاب پیامبر، دراین باره شنیدنی است. او درحالی که پیری کهن سال بود، نزد پیامبر آمد و گفت: روزی دو شتر از من گم شده بود. بر شتری سوار شدم و به جست وجوی آنها پرداختم. از دور خیمه ای دیدم و به سوی آن رفتم. از مردی که کنار خیمه نشسته بود، سراغ شترانم را گرفتم. وی گفت: دو شتر یافته ام و اینک نزد من است. در همین حال پیرزنی سالخورده با چهره ناراحت از پشت خیمه بیرون آمد. مرد از پیرزن پرسید: چه

1- نک: محمد بن اسماعیل بخاری، الادب المفرد، بیروت، مؤسسه الکتب الثقافیه، 1409ه . ق، چ3، ص 41، ج 91؛ مسند ابن حنبل، ج 3، ص 96، ح 7653.

زایید؟ و بدون آنکه منتظر پاسخ بماند، ادامه داد: اگر پسر باشد، شریک مال و زندگی و وارث ما خواهد بود و اگر دختر باشد، به خاکش بسپار! پیرزن گفت: دختر است. مرد با خشمی همراه با اندوه گفت: درنگ نکنید، راحتش کنید و به خاک بسپاریدش!

ناگهان با شنیدن این سخن، انقلابی در من پدید آمد. گویی تمام پیکرم دل شد و تمام دلم لبریز عاطفه. بی اختیار به آن جوان گفتم: آیا دخترت را می فروشی؟ گفت: هرگز شنیده ای عرب بچه فروش باشد و این ننگ را تحمل کند؟ گفتم: نفروش، در برابر احسان و بخشش، به من ببخش! گفت: اگر فروختن در کار نباشد، حاضرم آن را با همان دو شتر و شتری که بر آن سواری مبادله کنم. تو این شتران را به من ببخش و من دختر را به تو می بخشم. پذیرفتم، شترها را دادم و دختر را گرفتم و به دایه ای سپردم.(1)

وی تا زمانی که نزد پیامبرآمد و ماجرایش را برای آن حضرت تعریف کرد، 280 دختر را نیز با بهای هر دختر در عوض سه شتر، از مرگ نجات داد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در چنین جامعه ای، فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر را نهادینه و ترویج کرد و با روش های گوناگون در همان مدت کوتاه، ارزش ها را به مردم شناساند و آنها را با بدی ها آشنا کرد. آن حضرت پیش از بعثت نیز در برابر انحراف ها، بی عدالتی، فساد و تبعیض حساس بود. نقل است

1- محمد بن محمد حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالمعرفه، 1406ه . ق، ج 3، ص 610.

وقتی آن حضرت در دوران کودکی نزد حلیمه سعدیه بود، روزی از دایه اش پرسید: برادرانم کجا می روند؟ حلیمه گفت: آنان گوسفندان را برای چرا به بیابان می برند. محمد صلی الله علیه و آله فرمود: «ای مادر! تو با من منصفانه برخورد نکردی. من در سایه ام و برادرانم در آفتاب و گرمای شدید و من از شیر آن گوسفندان می نوشم.» پس خواست با برادرانش همراه شود.(1)

فردای آن روز وقتی حلیمه، محمد صلی الله علیه و آله را آماده کرد تا همراه برادرانش به صحرا برود، برای جلوگیری از چشم زخم، گردن بندی همراه وی کرد. پیامبر دست برد و گردن بند را از گردن خویش باز کرد و فرمود: «مادر جان! کسی با من است که مرا حفظ می کند».(2)

پیامبر خدا با آنکه خود در سایه و مکان راحتی به سر می برد، به مادر اعتراض می کند و می گوید: «با من منصفانه برخورد نکردی.» بر همین اساس، آن گاه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از رسالتش از یارانش می خواهد انصاف داشته باشند، آنها به گوش جان سخنش را می شنوند؛ زیرا کسی که در خردسالی به رعایت انصاف پای بند است، در بزرگسالی نیز چنین خواهد بود. خاطره جوان مردی ها و اخلاق نیکوی رسول اکرم صلی الله علیه و آله کم وبیش در ذهن برخی مردم مکه زنده بود و آن را برای دیگران نیز بازگو می کردند. برای مثال، شهرت آن حضرت به «امین»، ره آورد دوران پیش از بعثت ایشان است.

1- بحارالانوار، ج 15، ص 376.
2- بحارالانوار، ج 15، ص 392.

پیش از بعثت، اهتمام پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بر گسترش نیکی ها بود و آن گاه که به پیامبری برانگیخته شد، فرهنگ زیبای گسترش نیکی ها و مبارزه با زشتی ها را فراگیر کرد و خود، تا پایان عمر در این راه کوشید. پیامبر گرامی اسلام در کنار امر به معروف و نهی از منکر، شیوه نصیحت را نیز به عنوان راهکاری نظارتی برای مردم به کار گرفت و آنان را از توطئه های خارجی آگاه کرد. آن حضرت با نظارت دقیق بر دشمن، فعالیت ها و هدف های شوم دشمن را خنثی می کرد. در حقیقت، این فعالیت ها افزون بر آموزه های پی درپی پیامبر، نشانه توجه آن حضرت بر نظارت الهی و نظارت درونی بود.

در این فصل نخست به بررسی قواعد کلی و روش های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در امر به معروف و نهی از منکر می پردازیم و سپس شیوه های رفتاری و گفتاری آن حضرت را بررسی می کنیم.

1. اصول کلی

اشاره

1. اصول کلی

زیر فصل ها

اصل اول: استفاده از شیوه های درست

اصل اول: استفاده از شیوه های درست

شیوه، در گسترش نیکی ها و بازدارندگی از بدی ها چه جایگاهی دارد؟ آیا می توان برای داشتن جامعه ای نیکو، هر شیوه ای را به کار برد؟ آیا می توان برای ریشه کن کردن دروغ، تهمت، فساد جنسی و گناهان بی شمار دیگر، هر گونه تدبیری اندیشید؟ برخی تنها به هدف می نگرند و در راه هدف، از هر ابزاری بهره می برند، ولی در سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله این نگرش پذیرفتنی نیست. آن حضرت در سخنی محوری، به استفاده از شیوه های مناسب و نیکو در گسترش خوبی ها تأکید می کند و می فرماید:

مَنْ اَمَرَ بِمَعرُوفٍ فَلْيَكُنْ اَمْرُهُ ذلکَ بِمَعْرُوفٍ.(1)

کسی که امر به معروف می کند، باید این کار را با شیوه خوبی انجام دهد.

بر این اساس، برای امر به معروف و نهی از منکر باید راه های شرعی و نیکو را شناخت و فقط از همان روش ها بهره برد. شیوه های ناپسند امر

به معروف و نهی از منکر نه تنها مفید و کارساز نیست، بلکه سبب تشدید انحراف های اجتماعی است.

1- کنز العمال، ج 3، ص 66، ح 5523.

یکی از عوامل اساسی انحراف جوانان در خانواده های مذهبی، روش های نادرست پدر و مادر است. والدینی که به ارزش های دینی حساسند، به هرروشی برای پای بندی فرزندانشان به ارزش ها دست می آویزند و البته در برخی موارد با شکست روبه رو می شوند. برخی مسئولان فرهنگی جامعه نیز ندانسته، با شیوه ای ناپسند، مردم را به ترک زشتی ها مجبور می کنند که خود، نتیجه عکس دارد.

اصل دوم: تبیین قلمروها

اصل دوم: تبیین قلمروها

آگاهی از معیارها، نیاز ضروری آمران به معروف و ناهیان از منکر است. ناظران باید مرزهای حرام و حلال را به خوبی بشناسند و به قلمروهایی که نظارت، حرام است، گام نگذارند. اصل اولیه در دین مبین اسلام، حرمت تجسس است، مگر در موارد ویژه که اسلام برای خنثی کردن توطئه دشمن آن را جایز می داند.

معیار دیگر، پرهیز از گمانه زنی های نارواست و ناظران همواره باید خوش گمان باشند، مگر در برابر گناهان آشکار که تسامح درباره آنها جایز نیست. خداوند در قرآن مجید خطاب به اهل ایمان می فرماید:

یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا کَثیرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لا تَجَسَّسُوا. (حجرات: 12)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از گمان فراوان بپرهیزید؛ زیرا پاره ای از گمان ها در حد گناه است و در کارهای پنهانی یکدیگر جست وجو نکنید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله بارها بر ضرورت پرهیز از تجسس تأکید کرده و فرموده

است: «از گمانه زنی بپرهیزید؛ زیرا دروغ ترین سخن، ظن و گمان(1) است».(2) همچنین از بررسی و کنجکاوی در امور شخصی دیگران باید پرهیز کرد(3) و لغزش های آنها را نباید مدام به خاطر آنها آورد و با این کار آنها را سرزنش کرد. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

ای کسانی که به زبان اسلام آورده، ولی به حقیقت، مسلمان نشده اید! لغزش های مسلمانان را جست وجو نکنید؛ زیرا هرکس عیب های ایشان را جست وجو کند، خداوند عیب هایش را جست وجو می کند و آن را که خدا لغزش هایش را پی گیرد، بی آبرویش می کند، هر چند در میان خانه اش باشد.(4)

قلمرو دیگر، پرهیز از بازگو کردن اشتباه مؤمنان است. ناهیان از منکر وظیفه دارند در برابر کج روی ها بایستند، ولی نمی توانند اشتباه گناهکاران را برای دیگران شرح دهند که به فرموده خداوند در قرآن، چنین افرادی به عذاب دردناک الهی گرفتار می شوند:

إِنَّ الَّذینَ یُحِبُّونَ أَنْ تَشیعَ الْفاحِشَهُ فِی الَّذینَ آمَنُوا لَهُمْ عَذابٌ أَلیمٌ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ. (نور: 19)

کسانی که دوست دارند زشت کاری در میان آنان که ایمان آورده اند، گسترش یابد، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی پردرد خواهد بود.

1- بی تردید منظور، گمان های پی درپی و بدون استناد است که به دروغ نزدیک است و هر گمانی را می توان دروغ پنداشت.
2- احمد بن حسین بیهقی، سنن الکبری، بیروت، دارالفکر، ج 8، ص 333.
3- نک: احمد بن حسین بیهقی، سنن الکبری، بیروت، دارالفکر، ج 8، ص 333.
4- اصول کافی، ج 2، ص 355، ح 2 .

یکی دیگر از قلمروهای نظارت حرام، گوش سپردن پنهانی به سخنان کسانی است که نمی خواهند دیگران، از سخنانشان آگاه شوند. هرگونه نشست و تجمعی محترم است و حق و حقوقی دارد، مگر آنکه موجب ترویج انحراف و فساد در جامعه شود یا با اصول دیگری مانند حکومت اسلامی در تعارض باشد که در آن صورت، ناظران رسمی حکومت با آن برخورد می کنند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در سیره ارزشمند خویش، حفظ آبروی مسلمانان را به عنوان مرز نظارت معیّن کرد. بر این اساس، ناهیان از منکر باید بدانند که احترام آبروی مسلمان، بیانگر حساسیت در برابر انتشار زشتی ها و مانند احترام جان اوست(1) و اگر مسلمانی با ارتکاب گناه آبروی خود را ریخت، فقط در همان محدوده باید با وی مقابله شود و بیش از آن جایز نیست.

آخرین معیار، آشکار شدن گناه است. در دیدگاه پیامبر خدا چنانچه گناهی پنهانی صورت گیرد، فقط گناهکار زیان می بیند، ولی اگر آشکارا گناه کند و کسی به او اعتراض نکند، به جامعه زیان می رساند.(2) بنابراین، باید به آشکار شدن انحراف ها حساس بود و در برابر آنها ایستادگی کرد.

معیارهای نام برده فقط برخی از معیارهای رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و آن حضرت در مواقع گوناگون، خوبی ها و زشتی ها را برای یارانش بیان می کرد تا

1- نک: محمد بن احمد انصاری قرطبی، الجامع لاحکام القرآن تفسیر قرطبی، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، 1405ه . ق، ج 16، ص 332.
2- نک: محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، 1414ه . ق، چ2، ج 16، ص 136، ح 21174.

آنان با رفتارهای خوب و بد آشنا شوند و در رفتار خویش به آن توجه کنند. برای نمونه، وقتی پیامبر یارانش را به نبرد می فرستاد، آنان را به پیروی از راه خدا سفارش می کرد و از آنان می خواست فریب کاری نکنند، کودکان را نکشند، نخلستان ها را آتش نزنند، درختان میوه دار را قطع نکنند و سفارش های دیگری که زشتی های جنگ را می توان به خوبی در آن دید.(1)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای شناسایی قلمروهای امر به معروف و نهی از منکر، دو مرجع مهم در میان مسلمانان به یادگار نهاد تا هنگام سرگردانی به آنان روی آورند. مرجع نخست، کتاب وحی الهی؛ قرآن است که پیامبر خدا فرمود: «سنگ آسیاب اسلام به زودی به چرخش در خواهد آمد، پس شما بر محور قرآن بچرخید.»(2) و مرجع دیگر، اهل بیت علیهم السلام هستند. رسول خدا صلی الله علیه و آله پیروی از امام معصوم علیه السلام را شرط درستی امر به معروف و نهی از منکر می داند.(3) بنابراین، در موارد مشکوک در این زمینه، باید به قرآن و سخنان اهل بیت علیهم السلام مراجعه کرد.

خلاصه سخن

تجسس در امور خصوصی دیگران، گمان ناروا و انتشار گناهان و عیب های

1- نک: اصول کافی، ج 5، ص 29، ح 8.
2- عبدالرحمان بن أبی بکر سیوطی، الدر المنثور، بیروت، دارالفکر، 1414ه . ق، چ 1، ج 3، ص 125.
3- نک: مستدرک الوسائل، ج 12، ص 182، ح 13830.

مردم، از قلمروهای حرام امر به معروف و نهی از منکر هستند. حفظ آبروی مسلمانان و حساسیت در برابر گناهان آشکار، وظیفه هر مسلمانی است و قرآن مجید و سخنان گهربار ائمه معصوم علیهم السلام، محک درستی امر به معروف و نهی از منکر در زمان کنونی هستند.

اصل سوم: وجود ناظران دقیق

اصل سوم: وجود ناظران دقیق

سومین اصل کلی پیامبراعظم صلی الله علیه و آله، دقت در گزینش ناظران است. آن حضرت برای نظارت های رسمی خویش، از افراد مطمئن و مورد اعتماد بهره می برد تا بر اساس گفته آنان، به مسائل رسیدگی کند و به بازرسی دوباره نیازی نباشد؛ زیرا اگر افراد نامطمئن خبررسانی کنند، درباره درستی و نادرستی خبر به بررسی و تأمل نیاز است(1) و به این ترتیب، حرکت اصلاحی جامعه کند می شود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نه تنها برای نظارت بیرونی و رسمی از ناظران معتمد استفاده می کرد، بلکه شرایط ویژه ای را برای ناظران عمومی معیّن کرد تا فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر پایا و ماندگار شود.

دلیل مهجور ماندن فرهنگ زیبای امر به معروف، دو عامل است: نخست ناآگاهی آمرانِ به معروف از شرایط آن، که در برخی موارد سبب دین گریزی می شود و عامل دیگر، بی توجهی مسلمانان به این فرضیه مهم که به بهانه نبودن

1- نک: حجرات: 6 .

شرایط، از این وظیفه واجب چشم می پوشند، در حالی که همه مراتب امر به معروف و نهی از منکر، به شرایط ویژه نیازمند نیست، بلکه انکار قلبی یا رویارویی با چهره ناراحت و ناراضی با گناهکار، در هر شرایطی محقق می شود.

کسانی که با عنوان «ناظران دقیق» از آنها نام می بریم، کسانی هستند که «آگاهی» و «دقت» را به هم می آمیزند و به دیگران تذکرهای بجا و آگاهانه می دهند. برای نمونه، چنانچه پدری نمی تواند فرزندش را از برپایی مجلس عروسی مخالف با شرع باز دارد، می تواند در مجلس او شرکت نکند یا با چهره ای ناراحت، نارضایتی خود را به دیگران نشان دهد، ولی متأسفانه نه تنها چنین نمی کند، بلکه با لبخندی زیبا از رفتار ناشایست فرزند استقبال می کند که این گونه رفتارها زیبنده مسلمانان نیست.

در مکتب پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، آنان که به خوبی ها فرمان می دهند و از زشتی هاباز می دارند، جانشین خدا و پیامبر خدا(1) در زمینند و در قیامت در جایگاهی والا به سر می برند و دیگران به جایگاه آنان حسرت می خورند.(2) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ویژگی این گروه می فرماید:

امر به معروف و نهی از منکر نکند، مگر کسی که سه ویژگی در او باشد: در امر و نهی خود طریق مدارا پیش گیرد، در امر و نهی خود به عدالت رفتار کند و به آنچه امر و نهی می کند، دانا

1- نک: مستدرک الوسائل، ج 12، ص 179، ح 13817.
2- نک: مستدرک الوسائل، ج 12، ص 182، ح 13829.

باشد.(1)

بر این اساس، سه شرط اساسی انتشار خوبی ها و بازداشتن از بدی ها، «دوستی»، «رعایت عدالت» و «آگاهی» است. پیامبر خدا به کسی که از هیبت او می ترسید و نمی توانست سخن خود را به پیامبر بگوید، فرمود: «نترس! من پسر کنیزی هستم و پادشاه نیستم.»(2) رفتار ملایم آن حضرت همه مردم را به دین اسلام و به سوی خود ایشان می کشاند و سابقه «انصاف و عدالت» پیامبر سبب می شد فرمانش را گردن نهند.

ناظران باید قلمروهای گفته شده را به خوبی بشناسند و بدون آگاهی از مرزهای حلال و حرام، امر به معروف و نهی از منکر نکنند. شجاعت و خداترسی نیز برای ناظر اهمیت دارد. آمر به معروف، فقط باید از خدا بترسد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

مبادا کسی از شما در جایی که پای امری از خدا در میان است و باید سخن بگوید، با سکوت کردن، خود را کوچک کند؛ زیرا [فردای قیامت] نمی تواند بگوید: خدایا! از مردم ترسیدم. چون خداوند پاسخ می دهد: «سزاوارتر آن بود که از من بترسی».(3)

شجاعت از ویژگی های مؤمن است. چنین فردی باور دارد همه کاینات در اختیار خداست و تا خدا نخواهد، هیچ کس نمی تواند به او آسیبی برساند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مبادا ترس از مردم مانع از آن شود هرگاه فردی از

1- راوندی، نوادر، قم، دار الحدیث، 1377، چ 1، ص 143، ح 195.
2- حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، قم، منشورات الشریف الرضی، 1392ه_ . ق، چ6، ص 16.
3- نک: کنز العمال، ج 3، ص 70، ح 5534.

شما حقی را می بیند یا می شنود، به زبان بیاورد».(1)

مؤمن می داند که ابهت های ظاهری اثری ندارد و با مقاومت در برابر آنها می توان هیبت های پوشالی شان را فرو ریخت.

ناظر موفق باید علاقه ها و کدورت های شخصی خود را کنار نهد. پیامبر گرامی اسلام به آمر و ناهی فرمان می دهد که در امر و نهی، از مسائل شخصی بگذرند و انحصارطلب نباشند.(2) غزالی در اهمیت این نکته می گوید:

هر کجا طمع آمد، حِسْبت باطل شد. یکی از مشایخ، عادت داشتی که از قصاب، غدد فراستدی برای گربه. یک روز منکری بدید از قصاب باز خانه شد و گربه را بیرون کرد. آن گاه بر قصاب حِسبت کرد. قصاب گفت: مادام که غدد می خواهی، احتساب نتوانی کرد. گفت: «من نخست گربه را بیرون کردم، آن گاه به حسبت آمدم».(3)

یکسانی گفتار و کردار نیز از عوامل موفقیت ناظران است. اگر آمر به معروف پیش از آنکه دیگران را به کاری تشویق کند، خود به آن عمل کند، سخنش به دل می نشیند و تأثیر کلامش دو چندان خواهد شد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

چون آیه «ای کسانی که ایمان آورده اید، خودتان و کسانتان را از آتش نگه دارید!» (تحریم:6) نازل شد، مردی از مسلمانان گریست و گفت: من از نگه داری خودم ناتوانم، اکنون مسئولیت خانواده ام نیز به من سپرده شده است. پیامبر خدا سخنش را شنید و فرمود: «برای تو

1- کنز العمال، ج 3، ص 75، ح 5567.
2- نک: بحارالانوار، ج 97، ص 83، ح 52.
3- سید حسن اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر، قم، نشر خرّم، 1375، چ1، ص 193، به نقل از: کیمیای سعادت، ج 1، ص 518.

همان بس که ایشان را به آنچه خودت را با آن امر و نهی می کنی، فرمان دهی». (1)

پیامبر گرامی اسلام، همواره یارانش را از گفتن آنچه خود به آن عمل نمی کردند، باز می داشت و می فرمود:

روز قیامت مردی را می آورند و در دوزخ می افکنند و روده هایش از شکمش بیرون می ریزد و در دوزخ مانند خرِ آسیاب می چرخد. دوزخیان دور او را می گیرند و می گویند: فلانی! چه شده است؟ مگر امر به معروف و نهی از منکر نمی کردی؟ می گوید: چرا به کارهای خوب فرمان می دادم، ولی خود، به آن عمل نمی کردم و از زشتی نهی می کردم، ولی خودم آن را مرتکب می شدم. (2)

رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب معراج، مردمی را دید که لب هایشان را با قیچی های آتشین می بریدند و آنها را در آتش می انداختند. پس به جبرئیلفرمود: «اینان کیانند؟» جبرئیل گفت: «سخنرانان امت تو هستند که مردم را به نیکی فرمان می دهند و خودشان را فراموش می کنند، در حالی که قرآن می خوانند، آیا نمی اندیشند؟ !». (3)

پیامبر خدا به عبداللّه بن مسعود فرمود:

از آنان مباش که بر مردم سخت می گیرند و بر خود آسان که خدای تعالی می فرماید: «چرا چیزی را می گویید که خود، به آن عمل نمی کنید». (صف: 2) (4)

تأکید و سفارش فراوان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بر همراهی و هم خوانی رفتار

1- تهذیب الاحکام، ج 6، ص 179، ح 13.
2- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، 1377، چ1،ج 8، ص 3719، ح 13775.
3- وسائل الشیعه، ج 16، ص 152، ح 21218.
4- مستدرک الوسائل، ج 12، ص 202، ح 13885.

با گفتار، سبب شد گروهی از مسلمانان فقط به کار خویش بپردازند و از پند دادن به دیگران بپرهیزند. پیامبر این بهانه را نپذیرفت و فرمود: «به خوبی فرمان دهید، گرچه خود بدان عمل نکنید و از زشت کاری ها باز دارید، هر چند خودتان از آنها دوری نکنید».(1)

همچنین نقل است، عده ای نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: ما فقط دیگران را به چیزهایی امر و نهی می کنیم که خودمان آنها را رعایت می کنیم. حضرت فرمود: نه، بلکه به خوبی ها فرمان دهید، هر چند خودتان به همه آنها عمل نکنید و از زشتی ها باز دارید، گرچه خود از همه آنها خودداری نورزید».(2)

از مجموعه احادیث پیشین بر می آید انسان نمی تواند امر به معروف را تا رسیدن خود به قله کمال وانهد، بلکه باید جهت گیری او درست و مناسب باشد. به دیگر سخن، انسان باید دیگران را به خوبی فراخواند و خود نیز در همان مسیر گام بردارد، هر چند دیگران از او پیشی گیرند. در حقیقت، آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی کرده است، رو کردن انسان به زشتی ها و وادار کردن دیگران به خوبی هاست که چنین رفتاری پذیرفتنی نیست. البته باید توجه داشت نمی توان به بهانه ناهمگونی گفتار و کردار، از عمل کردن به آموزه های نیک سر باز زد؛ زیرا جامعه اسلامی باید از هرگونه سخن نیکو که براساس معیارهای دینی باشد، استقبال کند و البته در این میان، آمر به معروفی که اهل

1- میزان الحکمه، ج 8، ص 3720، ح 12776.
2- وسائل الشیعه، ج 16، ص 151، ح 21217.

عمل نیست، بیشترین زیان را خواهد دید. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

مَثَل کسی که خوبی را به مردم می آموزد و خود به آن عمل نمی کند، مانند چراغی است که خود را می سوزاند و دیگری را روشنی می بخشد. (1)

این سخن زیبای پیامبر بیانگر آن است که آمر به معروف به هر حال روشنگر است، اگرچه خود بهره ای نبرد.

اصل چهارم: منکرستیزی

اصل چهارم: منکرستیزی

یکی از اصول کلی در سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله تشویق به «منکرستیزی» است. به عقیده آن حضرت، مؤمن باید در همه حال با منکر مبارزه کند. پیامبر خدا برای مبارزه با منکر، سه مرحله را پیشنهاد می کند و این گونه همه بهانه ها را خنثی می سازد. ایشان می فرماید:

هر یک از شما منکری را دید، باید با دست خود آن را تغییر دهد. اگر نتوانست، با زبانش تغییر دهد (اعتراض کند) و باز اگر نتوانست، در قلبش آن را انکار کند و این ضعیف ترین مرحله ایمان است.(2)

در روایت های بسیاری از شیعه و سنی، بر سه مرحله ای بودن نهی از منکر تأکید شده است.(3)

1- مستدرک الوسائل، ج 12، ص 205، ح 13890.
2- میزان الحکمه، ج 8، ص 3720، ح 12779.
3- وسائل الشیعه، ج 16، ص 138؛ نک: بحارالانوار، ج 100، صص 68_99؛ مستدرک الوسائل، ج 12، ص 192، ح 3؛ کنزالعمال، ج 3، صص 64، 680 و 691.

فرمان دیگر پیامبر خدا، روبه رو شدن با گناهکاران، با چهره ای در هم کشیده است.(1) مسئولان امور دینی و مصلحان جامعه باید به گونه ای در امور تربیتی برنامه ریزی کنند که مردم با شنیدن نابکاری ها، آن را زشت شمارند و از چنین رفتارهایی بیزاری جویند. بنابر فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله :

آن که شاهد کاری است، ولی آن را ناخوش می دارد، مانند کسی است که شاهد آن کار نبوده است و کسی که شاهد کاری نباشد، ولی به انجام آن راضی باشد، مانند کسی است که شاهد آن بوده است.(2)

بنابراین، نفرت باطنی، سرآغازی برای اصلاح جامعه است و برای اجرای چنین مرحله ای به هیچ شرطی نیاز نیست. اگر مسلمان نمی تواند دیگران را از دروغ، تهمت، غیبت، بی حجابی و گناهانی مانند آن بازدارد، دست کم باید در قلب خود از چنین رفتارهایی نفرت داشته باشد و کسی که از رفتاری بیزار است، هرگز نمی تواند با چهره ای گشاده با آن روبه رو شود.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نخستین عیب قوم بنی اسرائیل را سازش آنان با گنه کاران دانسته و فرموده است:

نخستین عیب و نقصی که بر بنی اسرائیل وارد شد، این بود که هرگاه مردی با مردی [خلاف کار] روبه رو می شد، به او می گفت: ای مرد! ازخدا بترس و گناه نکن که این کارها بر تو روا نیست، ولی فردای آن روزوی را با همان وضع [خلاف کاری و گناه]می دید، ولی برای اینکه هم پیاله و هم نشین او باشد، او را از گناه باز نمی داشت. چون این رفتار را پیش گرفتند، خداوند

1- اصول کافی، ج 5، ص 59، ح 10.
2- کنز العمال، ج 3، ص 70، ح 5537.

دل های آنها را به جان یکدیگر انداخت و آن گاه فرمود: «کسانی از بنی اسرائیل که کافر گشتند، لعنت شدند...».(مائده:78)(1)

بر اساس این سخن پیامبر، منکرستیزی سبب اتحاد جامعه خواهد شد و درگیری های سیاسی، اجتماعی و عذاب الهی از آن کسانی است که به ترویج منکر در جامعه بی توجه هستند. مسلمان برای اصلاح گناهکاران دل سوزی می کند، ولی خلاف کاران را دوست ندارد. البته خلاف کاران، گناهکارانی هستند که به گناه شهرت یافته اند، نه کسانی که درست کار بوده و از روی نادانی گناهی مرتکب شده اند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در روایتی می فرماید:

جبرئیل، مأمور عذاب مردمی کافر و بدکار شد و به او وحی شد عابد و زاهد آن شهر را بیشتر عذاب کند. وقتی جبرئیل دلیل این دستور را از خدا پرسید، خداوند به او فرمود: «زیرا با اینکه قدرت و امکانات در اختیارشان گذاشتم، امر به معروف و نهی از منکر نکردند و گنه کاران را با اینکه مورد خشم و غضب من هستند، بسیار دوست دارند».(2)

فرهنگ دوست داشتن همه، فرهنگی قرآنی نیست؛ زیرا در آیات فراوانی می خوانیم خداوند عده ای را دوست ندارد.(3)

نکته

فقیهان از روایت های مربوط به مراحل نهی از منکر دریافته اند، که نهی از منکر، از پایین ترین مرحله شروع می شود و چنانچه این مرحله مؤثر نبود، باید

1- میزان الحکمه، ج 8، ص 3710، ح 12737.
2- بحارالانوار، ج 100، ص 85، ح 57.
3- نک: بقره: 190 و 276؛ آل عمران: 32، 57 و 140؛ نساء: 36 و 107؛ مائده: 64 و 87 .

از مرحله ای بالاتر استفاده کرد. امام خمینی رحمه الله در کتاب فقهی تحریرالوسیله می نویسد:

اگر با اشاره، خلاف کار دست از خلاف برمی دارد، برخورد شدید و بیش از اشاره که توهین به او باشد، جایز نیست.(1)

خلاصه سخن

شناسایی بهترین روش، انتخاب ناظران مطمئن، آگاهی از قلمروهای نظارت و منکرستیزی، مبنای شیوه های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در امر به معروف و نهی از منکر است و شیوه های کاربردی باید بر این قواعد مهم استوار شود.

2. شیوه های رفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

اشاره

2. شیوه های رفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تنها برای ساختن جامعه ای عاری از گناه نمی کوشید، بلکه هدف آن حضرت تربیت و تشکیل جامعه ای سرشار از خوبی ها بود. ازاین رو، رفتار برخی نزدیکانش را اگرچه گناه نبود، نمی پسندید و آنان را به رفتاری زیباتر فرامی خواند. در اینجا درباره شیوه های کاربردی رسول خدا صلی الله علیه و آله برای بهسازی جامعه و بازداشتن مردم از رفتارهای ناشایست سخن می گوییم. بنابراین، مقصود ما از معروف و منکر، هرگونه خوبی و زشتی است. بدین ترتیب، برخی روش های پیامبر خدا را در انتشار نیکی ها و بازداشتن از

1- روح اللّه موسوی خمینی، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه نشر الاسلامی، 1363، ج 1، ص 439.

بدی ها ضمن روایت ائمه معصومین علیهم السلام بازگو می کنیم:

الف) چشم پوشی در مسائل شخصی

الف) چشم پوشی در مسائل شخصی

خشم کسی که همواره در مسائل و برخوردها چشم پوشی می کند، بسیار پرمعناست و کسی که برای کوچک ترین امور عصبانی می شود، نمی تواند دیگران را از زشتی باز دارد. انس بن مالک می گوید: «نه سال خدمتگزار رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم. هرگز یاد ندارم به من گفته باشد، چرا چنین و چنان نکردی؟ و هرگز برای چیزی بر من خرده نگرفت.»(1) وی می گوید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز به من دشنام نداد و مرا نزد و چهره اش برای من عبوس نشد و مرا برای سستی در کارهایم سرزنش نکرد».(2)

نقل است روزی پیامبر یکی از کنیزانش را صدا کرد و او با تأخیر خدمت آن حضرت رسید. پیامبر به او فرمود: «اگر ترس از قصاص روز قیامت نبود، تو را با این مسواک می زدم».(3)

پیام آور رحمت و مهربانی، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، هرگز برای خویش خشمگین نشد و تا آنجا که مربوط به امور شخصی ایشان بود، اشتباه دیگران چشم می پوشید. امام علی علیه السلام در توصیف آن حضرت می فرماید:

برای ستمی که بر ایشان می رفت، انتقام نمی گرفت، مگر آن گاه که حرمت های خداوند هتک

1- بحارالانوار، ج 64، ص 230.
2- تقی الدین احمد بن علی المقریزی، امتاع الاسماع، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1420ه . ق، چ1، ج 2، ص 235.
3- ادب المفرد، ص 49، ح 184.

می شد. در این هنگام، برای خدای تبارک و تعالی خشم می گرفت.(1)

معیار چشم پوشی و خشم رسول خدا صلی الله علیه و آله را همه اطرافیان و یاران آن حضرت می دانستند. عایشه نیز مانند امام علی علیه السلام نخست از نرمی ایشان سخن می گوید و سپس می افزاید: «پس چون هتک حرمت خدا می شد، از همه سخت گیرتر بود».(2)

هندبن أبی هاله، فرزند حضرت خدیجه علیهاالسلام، پیامبر خدا را برای امام حسن علیه السلام چنین وصف می کند:

دنیا و امور مربوط به آن، او را به خشم نمی آورد و هرگاه حق مورد بی حرمتی قرار می گرفت، ملاحظه هیچ کس را نمی کرد و هیچ چیز جلوی خشم او را نمی گرفت تا اینکه انتقام حق را می گرفت. هرگز به خاطر خودش خشمگین نمی شد و از کسی انتقام نمی گرفت.(3)

چنین روایت هایی نشان می دهد همگان به خشم پیامبر حساس بودند و خشم ایشان بسیار مؤثر بوده است، به گونه ای که وقتی اطرافیان خشم آن حضرت را می دیدند، از کرده خود پشیمان می شدند و به استفاده از دیگر مراحل امر به معروف و نهی از منکر نیازی نبود. برای نمونه، روزی عایشه نزد پیامبر به حضرت خدیجه علیهاالسلام حسادت کرد. پیامبر به شدت خشمگین شد. عایشه از گفته خود پشیمان شد و گفت: «خدایا ! اگر خشم رسولت را برطرفسازی، دیگر تا زنده هستم، از خدیجه به بدی یاد نخواهم کرد.» پس از

1- بحارالانوار، ج 64، ص 236.
2- میزان الحکمه، ج 7، ص 3378، ح11454.
3- طبقات الکبری، ج 1، ص 423.

آن پیامبر به او تذکر داد و عایشه تا یک ماه، شب و روز از خدیجه تعریف کرد.(1)

ب) توجه به زمینه ها

ب) توجه به زمینه ها

برای بروز زیبایی ها به بستری مناسب نیاز است. پس اگر زمینه های نیکی فراهم باشد، ترویج خوبی ها نیز آسان خواهد بود و از سویی برخی زمینه ها، گسترش «بدی»ها را در پی دارد. برای نمونه، وجود جمعی آشنا، زمینه غیبت را فراهم می کند و انسان در جمعی که غریبه است، با احتیاط بیشتری سخن می گوید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره در جمع یارانش به گونه ای رفتار می کرد که کسی جرئت گناه را پیدا نکند و می فرمود:

هیچ یک از شما یارانم نزد من از دیگری بدگویی نکند؛ زیرا من دوست دارم با دلی صاف و پاک نزد شما بیایم [و از کسی دلگیر نباشم].(2)

رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان به این گفته خویش پای بند بود که وقتی یکی از یارانش نزد ایشان آمد و گفت: شما چنین گفتید، ولی من فلانی و فلانی را دیدم که پشت سر شما غیبت می کرد، فرمود: «رهایم کن! بیش از این درباره حضرت موسی علیه السلام گفتند و وی صبر کرد». (3)

پیامبر خدا بسیار مراقب رفتارهای یاران خود بود تا ریشه افکار و رفتارهای

1- بحارالانوار، ج 16، ص 12، ح 12.
2- بحارالانوار، ج 16، ص 230.
3- نک: سنن الکبری، ج 8، ص 167.

انحرافی و فساد در جامعه خشکانده شود و دین خدا چنان که خدا می خواهد، باقی بماند و بدعتی در دین وارد نشود. نقل است روزی پیامبر گرامی اسلام وضو گرفت، غذا خورد و آن گاه برای خواندن نمازبه پا خاست. شخصی برای پیامبر آب آورد تا آن حضرت برای نمازش وضو بگیرد، ولی رسول خدا صلی الله علیه و آله نپذیرفت و فرمود: «اگر من این کار را کنم، مردم پس از من نیز چنین می کنند.»(1)آری، با آنکه وضو گرفتن ثواب بسیاری دارد، ولی پیامبر برای آنکه وضوی دوباره او سبب بدعت در دین نشود، از تجدید وضو خودداری کرد و با همان وضوی پیش از غذا نماز خواند تا همگان بدانند خوردن غذا وضو را باطل نمی کند.

رسول گرامی اسلام، خواندن نماز مستحبی به صورت جماعت را بدعت می دانست و برای آنکه حُرمت آن را اعلام کند، در نخستین شب ماه مبارک رمضان، پس از خواندن نماز عشا به منزل رفت و برای خواندن نمازهای مستحبی، دوباره به مسجد بازگشت. مردم با دیدن پیامبر پشت سر آن حضرت به صف ایستادند، ولی پیامبر از آنان گریخت و به خانه اش رفت. این رفتار پیامبر سه شب تکرار شد و هر شب که مردم برای خواندن نماز مستحبی به پیامبر اقتدا می کردند و پشت سر ایشان می ایستادند، آن حضرت آنان را ترک می کرد و به خانه باز می گشت. سرانجام در شب چهارم به منبر رفت و اعلام کرد: «خواندن نماز شب مستحبی ماه رمضان به صورت جماعت، بدعت

1- ابن ابی شیبه کوفی، المصنف، دارالفکر، بیروت، 1409ه . ق، چ 1، ج 1، ص 66.

است».(1)

رسول خدا صلی الله علیه و آله می توانست همان شب نخست، بدعت بودن مسئله را به مردم گوشزد کند، ولی با رفتار خود، زمینه بدعت را خشکاند. اگرچه پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله برخی خلفا این بدعت را ایجاد کردند، ولی در روزگار زندگی پیامبر، کسی نماز مستحبی را به جماعت نخواند.

ج) تشویق و تنبیه

ج) تشویق و تنبیه

تشویق کردن، کنشی است که دیگران را برای انجام دادن کار نیک به شوق می آورد و تشویق رفتارهای پسندیده، همگان را به سمت نیکوکاری برمی انگیزاند. تنبیه، به معنای آگاه کردن و بیدارباش است و تنبیهی برای خطاکار مناسب است که زشتی اشتباهش را به او بفهماند. امام علی علیه السلام درباره رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کار نیکی را تحسین و تقویت و هر کار زشتی را ناپسند می خواند و خوار می شمرد».(2)

مسئولان جامعه اسلامی نمی توانند همه افراد جامعه را از زشتی باز دارند، ولی باید به گونه ای رفتار کنند که نیکوکار در جامعه احساس سرافرازی کند و گناهکار، شرمنده آشکار شدن خطاهایش باشد. شیوه رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای گسترش خوبی ها، تقویت کار نیک و خوار شمردن کار زشت بود. بر این اساس، مسئولان جامعه باید نیکوکاران کم توان را یاری کنند و موانع نیکوکاری

1- تهذیب الاحکام، ج 3، ص 69، ح 226.

2- معانی الاخبار، ص 82، ح 1.

را از جامعه بزدایند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در سخنان خویش، ارزش ترک گناه را به گونه ای بیان می کرد که هر خداباوری، گناه را بی درنگ ترک می کرد. برای نمونه، آن حضرت می فرمود: «غیبت نکردن، نزد خدای عزوجل محبوب تر از ده هزار رکعت نماز مستحبی است.»(1) با توجه به این حدیث، لحظه ای کنترل زبان و پشت سر دیگری سخن نگفتن، از ده هزار رکعت نماز مستحبی ارزشمندتر است. به راستی کدام انسان دانایی می تواند از این معامله سودآور چشم بپوشد؟

پیامبر خدا با همه یارانش مهربان بود، ولی به کسانی که اهل فضل بودند، توجه ویژه ای داشت و هر کس را به مقدار فضیلتی که در دین داشت، احترام می کرد.(2) در این میان، برخی تشویق های رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر اساس میزان اصلاح عملکرد افراد بود. برای مثال، تازه مسلمانان را به گونه ای می نواخت تا در دیگران نیز رغبت گرایش به اسلام ایجاد شود.

ابوسفیان، دشمن سرسخت رسول خدا صلی الله علیه و آله که سبب هجرت آن حضرت از مکه به مدینه شد و سال ها با پیامبر جنگید، پس از دو دهه نبرد با اسلام و پیامبر، در آستانه ورود پیروزمندانه رسول خدا صلی الله علیه و آله به مکه، مسلمان شد. عباس، عموی پیامبر، به ایشان عرض کرد: ای پیامبر خدا! ابوسفیان بزرگی و افتخار را دوست دارد، کاش برای او چیزی قرار می دادی! پیامبر فرمود: «هر

1- بحارالانوار، ج 75، ص 261، ح 66.

2- معانی الاخبار، ص 82، ح 1.

کس وارد خانه ابوسفیان شود، در امان خواهد بود.»(1) در نتیجه، خانه ابوسفیان، یکی از محل های امن در روز فتح مکه شد. اگرچه نفاق ابوسفیان بیش از آن بود که ارزش عنایت پیامبر خدا را دریابد، ولی شیوه تشویقی آن حضرت به خوبی مشهود بود و راهی برای بهانه های ابوسفیان باقی نگذاشت.

د) نکوداشت ارزش ها

د) نکوداشت ارزش ها

ارزش ها نزد پیامبر گرامی اسلام جایگاهی ویژه داشت، به گونه ای که آن حضرت کارهای نیک دشمن و کافر را ارج می نهاد و با نیکوکاران دشمن، رفتاری کریمانه داشت. امام صادق علیه السلام می فرماید:

در یکی از جنگ ها اسیرانی را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آوردند و آن حضرت دستور مجازات همه آنان به جز یک نفر را صادر کرد. آن مرد گفت: چرا فقط مرا آزاد کردی؟ پیامبر فرمود: «جبرئیل از جانب خداوند متعال به من خبر داد پنج ویژگی در وجود توست که خدا و رسول، آنها را دوست دارند: نخست غیرت بسیار درباره خانواده و محارم؛ دوم سخاوت و بخشندگی؛ سوم حسن خلق؛ چهارم راست گویی و پنجم شجاعت».(2)

همچنین نقل است وقتی اسیران قبیله «طی» را آوردند، دختر حاتم طایی که در میان اسیران بود، ویژگی های نیکوی پدرش را برشمرد و از وفاداری او به عهد و پیمان و رسیدگی اش به گرسنگان و اسیران و سلام کردن آشکارش سخن گفت. پیامبر با شنیدن این سخنان فرمود: «این ویژگی هایی که گفتی، از نشانه های مؤمنان حقیقی است. اگر پدر تو مسلمان بود، بر او رحمت

1- سلیمان بن اشعث ابوداود، سنن ابی داوود، بیروت، دارالفکر،1410ه . ق، چ1، ج 2، ص 38، ح 3021.
2- بحارالانوار، ج 18، ص 108.

می فرستادم.» سپس افزود: «او را رها کنید و کسی مزاحمش نشود؛ زیرا پدرش کسی بود که مکارم اخلاق را دوست داشت و خدا مکارم اخلاق را دوست دارد».(1)

رفتارهای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به روشنی نشان می دهد هدف اسلام، گسترش نیکی ها و بازداشتن از بدی هاست و کسی که به ارزش ها وفادار باشد، راه نجات را بهتر می یابد. پیامبر خدا با برجسته کردن خوبی های شخص خطاکار، او را به کاستن اشتباه هایش تشویق می کند. نقل است روزی شخصی به نام خریم نزد پیامبر آمد. پیامبر به او فرمود: «خریم! اگر دو ویژگی در تو نبود، تو مردی [نیکو] بودی. خریم گفت: پدرم فدایت! آن دو ویژگی چیست؟ پیامبر فرمود: «ژولیدگی موهایت و بلندی جامه ات.»(2) خریم به سرعت رفت و موی خود را اصلاح و جامه اش را کوتاه کرد.(3)

در حقیقت، پیامبر با این روش و با سخن نرم خود، خریم را تشویق کرد تا در پی اصلاح خویش برآید و نیز به وی فهماند وجودش سرشار از خوبی هاست و زدودن آن دو ویژگی برایش دشوار نیست و او نیز به سرعت، به سخن پیامبر عمل کرد تا در زمره نیکومردان قرار گیرد.

1- محمد بن مرتضی فیض کاشانی، المحجه البیضاء، قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1415ه . ق، چ 2، ج 4، ص 122.
2- البته احتمال دارد، بلندی جامه کنایه از تکبر باشد.
3- مستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 622.

ه) آسان گیری

«بیاموزید و آسان گیرید، بیاموزید و آسان گیرید، بیاموزید و آسان گیرید.» (1) پیامبر خدا سه بار بر آسان گیری تأکید کرد تا همگان بدانند یکی از اصول اساسی اسلام، آسان گیری است و این دین فقط در مواردی محدود برای اصلاح فرد و جامعه، سخت گیری را جایز می داند. آن حضرت در سخنی دیگر می فرماید:

إنَّ اللّهَ لَم یَبْعَثنی مُعَنِّتا وَ لا مُتَعَنِّتا، وَلکِن بَعَثَنی مُعَلِّما مُیَسِّرا. (2)

خدا مرا سخت گیر و آزاردهنده برنینگیخت، بلکه مرا آموزگاری آسان گیر برانگیخت.

پیامبر برای گسترش نیکی ها، از روش آسان گیری بسیار بهره برد و حتی یارانش را توبیخ می کرد که چرا با سخت گیری ها مردم را از دین فراری می دهند و از اسلام بیزارشان می کنند. (3) آن حضرت وقتی شنید برخی یارانش تمام شب را عبادت می کنند و نمی خوابند، فرمود: «بس کنید و به اندازه توانتان عبادت کنید!» (4)

پیامبر خدا در باز داشتن افراد از زشتی ها نیز از روش آسان گیری استفاده می کرد. نقل است روزی بادیه نشینی مسجد را نجس کرد. مردم او را گرفتند. پیامبر فرمود: «رهایش کنید و چند ظرف آب روی نجاست بریزید. همانا شما

1- ادب المفرد، ص 381، ح 1320.
2- مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر، ج 4، ص 188.
3- مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر، ج 2، ص 42.
4- صحیح بخاری، ج 1، ص 16.

آسان گیر برانگیخته شدید و نه سخت گیر.»(1) نکته جالب آن است که این مرد در همان حال به پیامبر خدا گفت: ای رسول خدا! فردی [این] قوم را دوست دارد، ولی مانند آنان رفتار نمی کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آدمی با کسی است که دوستش دارد.»(2) این سخن پیامبر بسیار پرمعناست؛ زیرا وقتی آدمی با کسی هم نشین باشد که او را دوست می دارد، دست از کارهای ناشایست برمی دارد و خود را مانند او می کند.

همچنین نقل شده است فردی در ماه مبارک رمضان، هراسان و پریشان خدمت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله آمد و گفت: نفرین شده، هلاک شد. پیامبر فرمود چه شده است؟! مرد گفت: در حالی که روزه بودم نزد همسرم رفتم و روزه ام را باطل کردم. پیامبر به او فرمود: می توانی بنده ای را آزاد کنی؟ گفت: خیر. پیامبر فرمود: آیا می توانی شتری را قربانی کنی؟ مرد پاسخ منفی داد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بنشین! سپس مقداری شیره خرما آورد و به او فرمود: «این را بگیر و صدقه بده!» مرد گفت: نیازمندتر از خودم نمی یابم. حضرت به او فرمود: «پس خودت آن را بخور و به جای آن روز، یک روز روزه بگیر».(3)

البته اگر در زمان حاضر روزه کسی باطل شود، باید به رساله مرجع تقلیدش مراجعه کند و براساس فتوای او کفاره بپردازد و با استناد به این

1- صحیح بخاری، ج 1، ص 61.
2- علی بن عمر الدارقطنی، سنن الدارقطنی، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1417ه . ق، چ1، ج 1، صص 139 و140،ح 471.
3- سنن الکبری، ج 4، ص 227.

روایت، نمی تواند خودش حکم کند و آنچه از این روایت به دست می آید، آسان گیری پیامبر اسلام است. در حقیقت، پیامبر با این روش، وی را متوجه اشتباهش می کند و برای اینکه آن مرد اشتباه خود را جبران کند، راه های گوناگونی را پیش پای او می گذارد و در پایان نیز او را موظف می کند یک روز روزه بگیرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله نخست به آن مرد می فهماند باطل کردن روزه ماه رمضان مجازات سنگینی دارد، ولی چون وی پشیمان شده و زشتی گناهش را دریافته است و توانایی مالی ندارد تا کفاره آن را بپردازد، فقط باید روزه اش را دوباره بگیرید.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برای گسترش نیکی ها راه های گوناگون پیشنهاد می کرد. برای مثال، روزی شخصی راه ورود به بهشت را از پیامبر پرسید. آن حضرت از کارهایی مانند عدالت، غذا دادن و آشکارا سلام کردن، به عنوان راه ورود به بهشت یاد کرد. مرد به پیامبر گفت: اگر از عهده این کارها برنیامدم چه؟ آن حضرت رفتار نیکوی دیگری را پیش پای وی گذاشت و سرانجام به او فرمود: «با شترت به خانواده ای که آب گوارا نمی نوشند، آب رسانی کن تا بهشت بر تو واجب شود».(1)

گفتنی است در همه موارد بیان شده، توجه به شرایط زمان و مکان الزامی است و از واقعه های تاریخی و برخی احادیث و روایت ها نمی توان حکم فقهی استنباط کرد، بلکه هنر فقیهان آن است که همه احادیث درباره یک موضوع را

1- نک: سنن الکبری، ج 1، صص 158 و 159.

گرد می آورند و با سنجش قرائن و احادیث دیگر، به نتیجه ای فقهی دست می یابند. آنچه در این نوشتار آورده شده، تنها نمونه هایی است که باید در کنار احادیث دیگر قرار گیرد و به تنهایی نمی توان از آنها حکمی استنباط کرد.

و) دل سوزی و رفاقت

و) دل سوزی و رفاقت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بسیار مهربان و دل سوز مردم بود، به گونه ای که در آیه ای از قرآن می خوانیم:

به یقین، برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید. به [هدایت] شما حریص و با مؤمنان، دل سوز و مهربان است. (توبه: 128)

خداوند در آیات قرآن، اشتیاق پیامبر به هدایت مردم و دل سوزی ایشان را ستوده است. پیامبر خدا نیز یکی از ویژگی های آمران به معروف را رفاقت و مدارا می داند و می فرماید: «رفیقٌ بما یَأمُر به رفیقٌ بِما ینهی عنه؛ در آنچه امر و نهی می کنید، طریق مدارا پیش گیرید.»(1) خود آن حضرت همواره در هدایت مردم به این اصل توجه ویژه ای داشت. نقل است روزی پیامبر گرامی اسلام در حال سخنرانی بود. غریبه ای وارد مسجد شد و گفت: ای رسول خدا! مردی غریب آمده است و از دینش می پرسد. او دین خود را نمی شناسد. حضرت سخنرانی را نیمه کاره رها کرد و به سوی مرد آمد. سپس در کنارش نشست و آنچه را خدا به وی وحی کرده بود به مرد یاد داد. سپس برخاست، سخنرانی اش را

1- نوادر، ص 143، ح 195.

ادامه داد و خطبه را به پایان رساند.(1)

در این ماجرا می بینیم رسول خدا صلی الله علیه و آله برای آموزش دین که بزرگ ترین معروف است، لحظه ای درنگ نکرد و با رفتار شایسته خود، ارزش شناخت دین را به همگان نمایاند.

رسول خدا، کاستی های زندگی مسلمانان را با دل سوزی و مهربانی رفع می کرد و چون پدری مهربان، برای یارانش دل سوزی می کرد.

نمونه ای از شیوه مهربانانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در برخورد با اشتباه یارانش را می توان در روایت زیر دید.

معاویه پسر حَکَمِ سُلمی می گوید:

روزی با پیامبر نماز می خواندم. ناگهان مردی از میان نمازگزاران عطسه کرد. گفتم: خداوند تو را رحمت کند. همه اصحاب با نگاهشان مرا نشانه گرفتند. من گفتم: مادرم به عزایم بنشیند! شما را چه شده است که به من چشم دوخته اید؟ آن گاه اصحاب شروع به زدن دست هایشان بر روی ران هایشان کردند و چون دیدم مرا به خاموشی می خوانند، ساکت شدم. در حالی که پیامبر خدا که نه پیش از او و نه پس از او آموزگاری را نیکوتر از ایشان در یاد دادن دیدم، نمازش را به پایان برد، نه به من خشمگین شد، نه مرا کتک زد و نه به من دشنام داد، بلکه [فقط] فرمود: «در نماز، گفتن هیچ سخنی از سخنان آدمیان سزاوار نیست. آن تنها تسبیح و قرآن خواندن است».(2)

دل سوزی و محبت پیامبر تنها شامل حال یارانش نمی شد، بلکه آن حضرت در حق بسیاری از اسیران دشمن نیز مدارا و مهربانی می کرد(3) و همین رفتار

1- سنن الکبری، ج 5، ص 510؛ الادب المفرد، ص 249، ح 1198.
2- صحیح مسلم، ج 2، ص 70 .
3- نک: عمر بن شبه نمیری، تاریخ مدینه، قم، دارالفکر، ج 2، صص 437 و 438.

رسول خدا صلی الله علیه و آله سبب شد دشمنان دین، دسته دسته به دین خدا درآیند.

امام خمینی رحمه الله، دل سوزی را لازمه امر به معروف می داند و می نویسد:

سزاوار است که آمر به معروف و ناهی از منکر، در امر و نهی خود و مراتب انکارش، چون طبیبی دل سوز و پدری مهربان که مصلحت مرتکب [منکر] را رعایت می کند، باشد و انکارش بر او خصوصا و بر امت عموما، لطف و رحمت باشد... و خود را پیراسته و برای خود نسبت به مرتکب [منکر]، برتری و رفعتی نپندارد.(1)

ز) کناره گیری

ز) کناره گیری

خداوند در قرآن درباره اصل کناره گیری از فریضه امر به معروف و نهی از منکر می فرماید:

و چون بینی کسانی [به قصد انکار] در آیات ما فرومی روند، از ایشان روی برتاب تا در سخنی غیر از آن درآیند و اگر شیطان تو را [در این باره] به فراموشی انداخت، پس از توجه، [دیگر] با قوم ستم کار منشین. (انعام: 68)

روی برتافتن از کسانی که آیات الهی را انکار می کنند، دستور روشن قرآن کریم است. بنابراین، هم نشینی با ستم کاران فقط در صورتی جایز است که انسان بتواند آنان را از زشتی ها باز دارد و به خوبی ها فراخواند. بزرگ ترین ستم، نادیده گرفتن خدای یکتاست و کسی که قدرت، ثروت و شهرت را در کنار خدا می پرستد، مشرک است و باید از هم نشینی با چنین فردی پرهیز کرد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله قوم بنی اسرائیل را نفرین شده می دانست؛ زیرا ایشان با آنکه

1- تحریر الوسیله، ج 1، ص 442.

نهی از منکر زبانی می کردند، هم نشین و همراه خلاف کاران بودند.(1)

پیامبر خدا فقط از گروه ستم کاران کناره نگرفت، بلکه در برابر برخی مسلمانان خطاکار نیز از این روش استفاده کرد تا اشتباهشان را به آنان گوشزد کند. نقل است روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به خانه همسرش عایشه وارد شد. خواهر عایشه به دیدن وی آمده بود و لباسی از نوع لباس زنان شام با آستین های گشاد پوشیده بود. چون نگاه پیامبر به او افتاد، برخاست و از خانه بیرون رفت. عایشه به خواهرش گفت: از اینجا برو؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی دید که ناراحت شد. وقتی خواهر عایشه بیرون رفت، عایشه نزد پیامبر آمد و پرسید: چرا بیرون رفتید و ناراحت شدید؟ حضرت فرمود: «آیا وضع خواهرت را ندیدی؟ برای زن مسلمان جایز نیست غیر صورت و دست هایش دیده شود».(2)

در روایتی دیگر آمده است اسماء، دختر ابوبکر در حالی که لباسی نازک پوشیده بود، وارد خانه پیامبر شد. حضرت روی خود را برگرداند و به وی فرمود: «ای اسماء! وقتی زن بالغ شد، شایسته نیست جز صورت و دست هایش دیده شود».(3)

1- زکی الدین عبدالعظیم بن عبدالقوی المنذری، الترغیب و الترهیب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1388ه . ق، چ 3، ج 3، ص 228، ح 17.
2- محمود مدنی بجستانی، امر به معروف و نهی از منکر، دو فریضه برتر در سیره معصومین علیهم السلام، قم، نشر معروف، 1376، چ 2، ص 87 .
3- نک: سنن أبی داوود، ج 4، ص 62، ح 4104.

کناره گیری رسول اکرم صلی الله علیه و آله از خطاکاران، فقط به اعضای خانواده محدود نمی شد، بلکه آن حضرت این شیوه را برای عموم جامعه کارساز می دانست. برای نمونه، مردم علاقه داشتند پیامبر بر جنازه مردگانشان نماز گزارد. بنابراین، آن حضرت از این فرصت برای بیدارسازی دیگران سود می جست و با خودداری از نماز خواندن بر کسانی که در پرداختِ دیون خویش کوتاهی کرده بودند، اهمیت پرداخت دِین را به همگان گوشزد می کرد. هرگاه جنازه ای نزد پیامبر می آوردند، از کار او نمی پرسید، بلکه از بدهکاری اش می پرسید. اگر می گفتند بدهکار است، حضرت بر پیکرش نماز نمی خواند و اگر بدهکار نبود، بر وی نماز می خواند.(1) در حقیقت، رسول خدا صلی الله علیه و آله با این شیوه، بدهکاران را به گرفتاری های روز واپسین هشدار می داد و از آنان می خواست برای پرداخت بدهی خود بکوشند.

نقل است روزی جنازه ای را نزد پیامبر آوردند. آن حضرت پیش از آنکه آماده نماز خواندن شود، پرسید: «آیا بدهکار است؟» گفتند: دو دینار. پیامبر از خواندن نماز بر او خودداری کرد. امام علی علیه السلام عرض کرد: «ای رسول خدا! بدهی اش را من برعهده می گیرم و بر او دِینی نیست.» آن گاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر جنازه نماز خواند و سپس امام علی علیه السلام را دعا کرد.(2)

1- نوراللّه بن شریف الدین شوشتری، احقاق الحق، قم، مکتبه آیت اللّه مرعشی نجفی، ج 31، ص 64.
2- نوراللّه بن شریف الدین شوشتری، احقاق الحق، قم، مکتبه آیت اللّه مرعشی نجفی، ج 31، ص 64.

پافشاری پیامبر گرامی اسلام بر این مسائل ظریف، پی آمدهای ارزشمندی را به همراه دارد؛ زیرا امنیت پول و سرمایه افراد تأمین می شود و طلب کار اطمینان می یابد و پیش از به خاک سپردن بدهکار، وضع طلب او روشن خواهد شد و مردم نیز تشویق می شوند به خانواده متوفی یاری رسانند تا زودتر دینش پرداخت شود و از گرفتاری نجات یابد.

ح) بی اعتنایی

ح) بی اعتنایی

سامان دادن افراد نادان و متکبر، کاری بسیار دشوار است. هم چنان که گذشت، نادانی، از موانع اصلی گسترش امر به معروف و نهی از منکر است و متکبر نیز همچون نادان، خود را از دانستن بی نیاز می داند. بنابراین، امیدی به اصلاح او نیست. در حقیقت، پافشاری بر اصلاح این دو گروه، آب در هاون کوبیدن است و ره آوردی جز خستگی و ناراحتی برای آمران به معروف و ناهیان از منکر در پی ندارد. بهترین شیوه در برخورد با این افراد، بی توجهی به آنان است. با این روش، این گونه افراد خود را خوار و بی ارزش می بینند و در پی اصلاح خود برمی آیند. امام صادق علیه السلام فرمود:

روزی پیامبر خدا از یکی از کوچه های مدینه عبور می کرد. به زن سیاهی برخورد که سرگین جمع می کرد. حاضران به او گفتند: از جلوی راه پیامبرکنار برو! زن گفت: راه گشاد است. برخی اصحاب به سویش رفتند تا او را بگیرند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «رهایش کنید که او زن متکبری است».(1)

ط) صبوری

ط) صبوری

فطرت انسان به خوبی ها گرایش دارد، ولی وسوسه های شیطان و شرایط زندگی اجتماعی، او را از فطرت خویش دور می کند و تمایل به مادیات و امور دنیوی، زمینه اشتباه و گناه را برای وی فراهم می سازد. انسان در برابر نخستین گناه از خود مقاومت نشان می دهد، ولی اگر هوای نفس، او را شکست دهد و لذت نخستین گناه به مذاقش شیرین آید، روی آوردن به معنویت برایش دشوار خواهد بود. در حقیقت، هرچه اشتباه بیشتر شود، راه بازگشت نیز دشوارتر خواهد شد؛ زیرا لذت ترک گناه، لذتی معنوی است که به آسانی به دست نمی آید. البته اگر چنین لذتی حاصل شود، بسیار پایا و ماندگار است.

بنابراین، برای مبارزه با منکر، به شناسایی عوامل و زمینه های پیدایش منکر نیازمند است و برای این کار نمی توان به سرعت، انتظار رسیدن به نتیجه را داشت، بلکه باید صبور بود و به تدریج، زمینه های گناه را زدود و شیرینی معروف را جای گزین آن کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله برای گسترش نیکی در جامعه، از کودکی تا واپسین لحظه زندگی، پایدار و صبور ماند و با این روش مردم را از زشتی ها باز داشت.(2) آن حضرت در برابر تازه مسلمان ها بسیار صبور بود و به آنان اجازه

1- بحارالانوار، ج 64، ص 272، ح 94.
2- نک: محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ج 3، صص 189 و 190.

می داد در فرآیندی تدریجی، واجبات شرعی را به جا آورند.

نقل است گروهی از قبیله «ثقیف» خدمت پیامبر گرامی اسلام آمدند و در مسجد پیامبر اقامت کردند. عمر گفت: ای رسول خدا! آنها نماز نمی خوانند. پیامبر خدا فرمود: «رهایشان کن! آنان به زودی از اینکه نماز نمی خوانند، شرمنده می شوند.» یک روز و نیم از این ماجرا گذشت و هیچ یک نماز نخواندند تا اینکه عصر روز بعد، نماز عصر را بدون وضو خواندند. عمر دوباره نزد پیامبر آمد و گفت: ای رسول خدا! آنها بدون وضو نماز خواندند. پیامبر فرمود: «رهایشان کنید! به زودی وضو می گیرند.» روز سوم وضویی ناقص گرفتند و بار دیگر عمر گزارش کار را به رسول خدا رساند. پنج روز گذشت و عمر هر روز به کار آنان خرده می گرفت و پیامبر می فرمود: «رهایشان کن و کاری به ایشان نداشته باش».(1)

پیام آور مهربانی با این کار به همه کسانی که می خواهند امر به معروف و نهی از منکر کنند، سفارش کرد تا صبر را پیشه خود سازند.(2) روش رسول اکرم صلی الله علیه و آله مستند به آیات قرآن کریم است، چنان که در قرآن می خوانیم:

وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ اصْبِرْ عَلی ما أصابَکَ إنَّ ذلِکَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ. (لقمان: 17)

به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند بازدار و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است، شکیبا

1- تاریخ المدینه، ج 2، ص 499.
2- نک: «إذا اراد احدکم ان یامر بالمعروف أو نهی عن المنکر فلیوطن نفسه علی الصبر»، مجمع الزوائد، ج 7، ص 266.

باش. این [حاکی] از عزم [و اراده تو در] امور است.

پیام همه مصلحان تاریخ آن است که برپایی جامعه ای سرشار از نیکی ها، بدون شکیبایی، پنداری بیش نیست. پیامبران و امامان بزرگوار در راه گسترش نیکی ها، مصیبت های بسیاری را تحمل کردند تا همگان بدانند حتی محبوب ترین بندگان خدا، از پیروی از قانون الهی صبر و شکیبایی، مستثنی نیستند.

پیامبر گرامی اسلام پس از تحمل سیزده سال آزار مشرکان، به مدینه هجرت و در جمع مسلمانانی زندگی کرد که از ابتدایی ترین آداب معاشرت نیز بیگانه بودند. آن حضرت به تدریج، با صبر و مهربانی، مردم را به سوی زندگی زیبا و اخلاق پسندیده فراخواند. انس بن مالک، خدمتگزار پیامبر، می گوید:

من با پیامبر خدا راه می رفتم و ایشان بُردی نجرانی، با حاشیه ای زبر و درشت بر تن داشت. ناگهان بادیه نشینی از راه رسید و ردای ایشان را محکم کشید. من به گردن پیامبر نگاه کردم و دیدم حاشیه ردا، از شدت کشیدن، روی گردن ایشان رد انداخته است. سپس آن بادیه نشین گفت: ای محمد! دستور بده از مال خدا که نزد توست، به من بدهند. رسول خدا صلی الله علیه و آله به طرف او برگشت، خندید و سپس دستور داد به او چیزی عطا کنند.(1)

چگونگی سخن گفتن بادیه نشین با پیامبر، نشان دهنده نادانی بیش از حد اوست. اگر وی با هر کس دیگری جز پیامبر این گونه برخورد می کرد، خشم و واکنش شدید طرف مقابل را برمی انگیخت، ولی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نه تنها خشمگین نشد، بلکه خندید و هدیه ای نیز به او داد. آری رسول خدا صلی الله علیه و آله

1- صحیح بخاری، ج 3، ص 1148، ح 2980.

برای اصلاح جامعه و هدایت مردم، ناملایمات را با صبر و گذشت به جان خرید.

من که ملول گشتمی از نفس فرشتگان

قیل و مقال عالمی می کشم از برای تو

حافظ

برای پاک سازی جامعه از زشتی ها باید گام به گام حرکت کرد و زشتی های فراوانی را که سالیان سال به صورت فرهنگ درآمده است، به تدریج و با بردباری و فرهنگ سازی مثبت، از جامعه ریشه کن ساخت.

سعدی به روزگاران مهری نشسته بر دل

بیرون نمی توان کرد الا به روزگاران

ی) روی برتافتن

اشاره

ی) روی برتافتن

وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجاهِلِينَ . (اعراف: 199)

به کار پسندیده فرمان ده و از نادانان رخ برتاب.

برای افراد بینا، چهره، زبان مشترکی است که نیازمند مترجم نیست. در نخستین رویارویی و پیش از سخن گفتن، خوشی و ناراحتی در چهره نمایان می شود و رنگ رخساره از سرّ درون خبر می دهد. لبخند زدن به کسی که همواره در گناه غوطه ور است، تأیید حرکات ناشایست اوست. پیامبر اعظم

صلی الله علیه و آله همواره با چهره خود، شادی و ناراحتی خویش را به یارانش نشان می داد. ازاین رو، یاران حضرت به تغییر چهره ایشان بسیار حساس بودند. ابوسعید خدری می گوید: «هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی را می دید که از آن خوشش نمی آمد، از چهره او می فهمیدیم».(1)

پیامبر خدا با چهره خود معروف ها را گسترش می داد و در برابر زشتی ها می ایستاد. امام مجتبی علیه السلام به نقل از دایی اش، درباره شیوه پیامبر در برابر ناحقی ها چنین می فرماید: «چون خشم می گرفت، روی خود را برمی گرداند و چشم را فرو می خواند.»(2) مقداد، نیکویار پیامبر نیز می گوید: «هرگاه پیامبر خشم می گرفت، چهره اش سرخ می شد».

نمونه دیگری از تأثیر چهره پیامبر در رفتار یارانش را در سخن جریر بن عبداللّه می بینیم. او می گوید:

گروهی از اعراب بادیه نشین پشمینه پوش نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند. پیامبر نیازمندی و پریشان حالی آنان را دید و مردم را به کمک به ایشان فراخواند. مردم سستی کردند. ازاین رو، آثار ناراحتی در چهره پیامبر نمایان شد. مردی از انصار که ناراحتی پیامبر را دید، کیسه ای پول آورد و پس از او، یکایک یاران پیامبر هدایای خود را آوردند و به نیازمندان هدیه کردند و به این ترتیب، شادمانی در چهره پیامبر آشکار شد.(3)

روی برتافتن از منکر، اهمیت بسیاری دارد و خداوند در قرآن به پیامبر دستور می دهد از منافقان روی برتابد و می فرماید: «فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ؛ پس، از آنان روی

1- صحیح بخاری، ج 5، ص 2263، ح 5751.
2- مستدرک الوسائل، ج 12، ص 195، ح 13860.
3- صحیح مسلم، ج 8، ص 61.

برتاب». (نساء: 63)

رسول خدا صلی الله علیه و آله با رفتار و گفتار خود، وظیفه مؤمنان در رویارویی با اهل گناه را مشخص کرده است. البته باید توجه داشت کسانی که ندانسته اشتباهی می کنند، با اهل گناه متفاوتند و روش برخورد با آنان به گونه ای دیگر است.

امیرمؤمنان، علی علیه السلام، درباره وظیفه مؤمنان می فرماید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله به ما دستور داد با افراد گناهکار، با چهره ای درهم کشیده روبه رو شویم».(1)

رویارویی با گناهکار با چهره ای ناراحت، سبب نزدیکی به خداوند است و کمترین وظیفه ما نشان دادن ناراحتی در برخورد با گناهکاران است . پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

با نفرت از گناهکاران، به خدای متعال نزدیک شوید و با این افراد با ترش رویی برخورد کنید و با خشم گرفتن بر آنان، خشنودی خدا را بجویید و با دوری کردن از آنها، به خدا نزدیک شوید.(2)

یکی از شیوه های اصلاحی پیامبر گرامی اسلام در برابر یارانِ خطاکارش، اظهار ناراحتی از رفتار آنان بود. برای نمونه، هیچ خصلتی نزد پیامبر، ناپسندتر از دروغ نبود. هرگاه شخصی نزد آن حضرت دروغ می گفت، رفتار پیامبر با او به سرعت تغییر می کرد تا اینکه وی از دروغش توبه می کرد.(3)

1- اصول کافی، ج 5، ص 59، ح 10.
2- کنزالعمال، ج 3، ص 65، ح 5518.
3- سنن الکبری، ج 1، ص 196.

یا) تشویق فرد معترض

یکی از راه های احقاق حق، اعتراض است. پیامبر خدا فرد معترض را به گرفتن حق خویش تشویق می کرد و همواره با رفتار عملی خود نشان می داد دفاع از حق، از هر کاری مهم تر است.

نقل است مردی بادیه نشین از پیامبر طلب داشت. نزد آن حضرت آمد و از ایشان خواست بدهی اش را بپردازد و بر خواسته اش پافشاری کرد و با خشم به حضرت گفت: رهایت نمی کنم تا پولم را بدهی. اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله او را از این برخورد زشت نهی کردند و به وی گفتند: وای بر تو، می دانی با چه کسی سخن می گویی؟! مرد گفت: من حقم را می خواهم. پیامبر به اصحابش فرمود: «چرا صاحب حق را یاری نمی کنید؟» سپس کسی را نزد خوله، دختر قیس فرستاد و فرمود: «به خوله بگو اگر خرما داری، به ما قرض بده تا در فصل خرما قرض تو را باز گردانیم!» خوله پذیرفت و مقداری خرما به عنوان قرض به پیامبر داد. آن حضرت، خرما را به بادیه نشین داد و سپس وی را به غذا دعوت کرد. مرد پس از خوردن غذا به پیامبر گفت: حق مرا به طور کامل پرداختی، خدا حق تو را به طور کامل بپردازد! رسول گرامی اسلام با خرسندی از برخورد شجاعانه مرد بادیه نشین در گرفتن حقش، فرمود:

اینان برگزیدگان امت من هستند. همانا امتی که فرد ضعیف در آن نتواند حق خویش را بدون لکنت زبان باز پس گیرد، هرگز به قداست و پاکی نخواهد رسید.(1)

1- محمد بن یزید قزوینی ابن ماجه، سنن ابن ماجه، بیروت، دارالفکر، ج 2، ص 810، ح 2426.

پیامبر خدا انسان های معترض را «برگزیدگان امت» می نامد؛ زیرا چنین افرادی می توانند حق خود را بگیرند. در روایت دیگری آمده است پس از اینکه مرد بیابان گرد از پیامبر سپاس گزاری کرد، حضرت به او فرمود: «یارانم از برخورد تند تو ناراحت شدند. فردا به مسجد بیا و همین سخنان را در میان عموم مردم تکرار کن.» مرد پذیرفت و فردا که به مسجد آمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «این مرد دیروز در خانه ام از من سپاس گزاری کرد. آیا چنین نیست؟ !» و مرد به علامت تأیید، سر تکان داد. (1)

اکنون به شیوه نهی از منکر پیامبر توجه کنید! آن حضرت حتی از آن مرد نمی خواهد در حضور جمع برخیزد، بلکه فقط به تأیید او بسنده می کند. چنین برخوردی را با برخورد کسانی که خطاکار را مجبور می کنند به خطای خود در میان جمع اقرار و خود را خوار کند، مقایسه کنید؛ کدام روش مناسب تر است و نتیجه بهتری دارد؟

در روایت دیگری آمده است شخصی از پیامبر خدا طلب داشت و برای گرفتن طلبش درشتی می کرد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در برابر وی سکوت کرد، ولی اصحاب حضرت برآشفتند و خواستند او را ادب کنند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چه کارش دارید؟! بگذارید صاحب حق حرف خود را بزند.» آن گاه دستور داد حق او را بهتر از آنچه می خواست، بپردازند.(2)

1- امتاع الاسماع، ج 2، ص 235.
2- نک: صحیح البخاری، ج 3، ص 116.

یب) اعتراض عمومی

یب) اعتراض عمومی

اعتراض عمومی، راه کار دیگری برای نهی از منکر است و مردم برای مقابله با زشتی ها حق دارند به صورت گروهی اعتراض کنند. از امام باقر علیه السلام نقل می کنند:

روزی مردی نزد پیامبر آمد و از آزار همسایه خود شکایت کرد. حضرت او را به صبر سفارش کرد. چند روز گذشت و مرد بار دیگر نزد پیامبر آمد و حضرت دوباره او را به صبر دعوت کرد. او رفت و برای بار سوم نزد پیامبر آمد و شکایت کرد. این بار حضرت فرمود: «روز جمعه که مردم برای نماز جمعه به مسجد می روند، لوازم خود را از خانه بیرون بریز و در محل دید مردم قرار بده و وقتی از تو پرسیدند چرا اسباب خانه خود را اینجا گذاشتی، آنان را از ستم و آزار همسایه خود آگاه کن. فرد به این دستور عمل کرد. آن گاه همسایه اش نزد وی آمد و گفت: به منزل خود بازگرد! خدا را شاهد می گیرم که دیگر تو را نیازارم.(1)

با توجه به این ماجرا و روایت های دیگر، بیشتر راهکارهای رسول خدا صلی الله علیه و آله با لطف و مدارا همراه بوده است، مگر زمانی که مدارا سودی نمی بخشید و برای حل مشکل، به تندی و جدیت نیاز می شد.

یج) اقتدار

یج) اقتدار

توانایی و قدرت، از پایه های اصلی باز داشتن از زشتی هاست. گناهکاران با نادیده گرفتن خدا، احساس قدرت می کنند و لازم است قدرتی برتر، در

1- اصول کافی، ج 2، ص 668، ح 13.

برابر قدرت نمایی آنان بایستد. از سویی برای نهادینه شدن نیکی ها نیز به اقتدار نیاز است تا با کمک آن، موانع خوبی از سر راه زیبادوستان برداشته شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، دریای لطف و مهربانی بود، ولی با وجود مهربانی و رأفت بسیار، هیچ گاه توانایی و اقتدارش را از دست نداد. پیامبر کمتر اعمال قدرت می کرد، ولی ابهت خدایی ایشان، گستاخان را به فروتنی وامی داشت. نمونه های اقتدار پیامبر در فصل «نظارت نهادی» و سخت گیری در بیت المال خواهد آمد. ازاین رو، در اینجا فقط نمونه ای از اقتدار پیامبر خدا پیش از هجرت را بازگو می کنیم.

ابن شهرآشوب، دانشمند شیعی قرن 14، می نویسد:

أبوجهل، دشمن سرسخت رسول خدا صلی الله علیه و آله، آرزو می کرد زمانی بیاید که محمد به او نیاز پیدا کند تا او را مسخره کند. از قضا روزی وی از غریبی که به مکه آمده بود، شتری خرید و از دادن حق فروشنده خودداری کرد. فروشنده به قریش پناهنده شد و آنان برای مسخره کردن غریبه، او را نزد پیامبر فرستادند و گفتند: اگر محمد واسطه شود، ابوجهل می پذیرد و پول تو را می دهد. غریبه به پیامبر خدا پناه برد. حضرت با او نزد ابوجهل آمد و فرمود: «ای ابوجهل، برخیز و حق این مرد را بده!» ابوجهل برخاست و به سرعت حق او را ادا کرد.(1)

بدین ترتیب، قاطعیت رسول خدا صلی الله علیه و آله که با ابهت خدایی اش آمیخته بود، چنان ابوجهل را ترساند که نتوانست سخن پیامبر را نادیده بگیرد و به سرعت حق مرد غریبه را به وی داد. دوستان ابوجهل با دیدن رفتارش، او را سرزنش کردند. وی در دفاع از کار خود سخنانی گفت که دوستانش با شنیدن این

1- ابن شهرآشوب، مناقب آل ابی طالب، نجف اشرف، المکتبه الحیدریه، 1376ه . ق، ج 1، ص 112.

سخنان، او را مسخره کردند و نام او را که پیش از این ابوالحکم بود، ابوجهل نهادند.

ید) قیام

ید) قیام

اسلام و منکر، آشتی ناپذیرند و همه شیوه های بیان شده، به منظور زدودن منکر از جامعه بود تا خوبی ها در جامعه اسلامی ترویج و نهادینه شود. آخرین راهکار اسلام، مبارزه با فاسدانی است که با خوبی ها در ستیزند و زشتی ها را در جامعه گسترش می دهند. اسلام، گسترش فساد در جامعه را برنمی تابد و چنانچه راه دیگری جز مبارزه نباشد، برای ریشه کن کردن فساد، آن را برمی گزینند. نمونه ای از بزرگ ترین فسادها، وجود حاکم ستمگر است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله برترین جهاد را سخن عادلانه ای می داند که در برابر پیشوای ستمگر گفته شود(1) و مبارزه با فرمانروایان ستمگر را واجب می داند. آن حضرت در این باره می فرماید:

به زودی پیشوایانی بر شما حاکم می شوند که ارزاق شما را در اختیار می گیرند، به شما دروغ می گویند و با شما رفتار بد و ناپسندی دارند. از شما خشنود نمی شوند، مگر آنکه کارهای زشت آنان را نیکو شمارید و دروغشان را تصدیق کنید. پس تا به حق راضی اند، آن را به آنان بدهید و اگر از آن (حق) فراتر رفتند، هرکس در این راه کشته شود، شهید است.(2)

رسول خدا صلی الله علیه و آله در آینده نگری های خود خبر داد، زمانی فرامی رسد که حاکمان و قرآن رودرروی هم قرار می گیرند و با یکدیگر پیکار می کنند. آن

1- کنز العمال، ج 3، ص 78، ح 5576.
2- کنز العمال، ج 6، ص 67، ح 14876.

حضرت به مسلمانان سفارش می کند در این شرایط، از آموزه های قرآن پیروی کنند و در برابر ستمگران همچون یاران حضرت عیسی علیه السلام باشند که آنان را با اره تکه تکه کردند و بر چوبه دار آویختند، ولی همچنان بر عقیده خود ثابت قدم ماندند. پیامبر گرامی اسلام در این باره می فرماید:

مَوْتٌ فی طاعَهٍ خَیْرٌ مِن حیاهٍ فی مَعْصِیَهٍ.(1)

مردن در راه اطاعت (خدا)، بهتر از زندگی در معصیت است.

امام حسین علیه السلام نیز هنگامی که با حُرّ روبه رو شد، به حدیثی از پیامبر خدا استناد کرد و ایستادگی در برابر سلطان ستمگری را که حلال خدا را حرام می کند و پیمان الهی را می شکند و با سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله مخالفت می کند، واجب می شمرد.(2)

در مکتب اهل بیت علیهم السلام، خشنودی به حکومت ستمگر، سبب خروج از دین اسلام خواهد شد(3) و چنانچه زمینه های قیام عمومی فراهم باشد، باید علیه ستم به پاخاست و اگر امکان قیام فراهم نبود، اظهار نارضایتی، وظیفه عمومی مسلمانان است.

تأکید و سفارش فراوان اسلام و امامان معصوم علیهم السلام به ایستادگی در برابر ستمگر و حتی جان باختن در این مبارزه، بیانگر آن است که منکری بالاتر از ستم وجود ندارد و در مقابل، معروفی بالاتر از عدالت نیست.

1- الدرالمنثور، ج 2، ص 301.
2- تاریخ طبری، ج 7، ص 300.
3- وسائل الشیعه، ج 16، ص 153، ح 21223.

همه خوبی ها در پرتو عدالت حاصل خواهد شد و ستم، منشأ همه زشتی هاست. آنان که گناه می کنند، به خدا و خویشتن ستم می کنند و جان خود را از امنیت و حمایت حق دور می سازند و در آشفتگی و سرگردانی به سر می برند.

3. شیوه های گفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

اشاره

3. شیوه های گفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخنی زیبا می فرماید:

چون آدمی صبح کند، همه اندام ها در برابر زبان کرنش می کنند و [با خواهش و التماس] می گویند: تقوای الهی را درباره ما رعایت کن؛ زیرا ما به تو بستگی داریم: اگر راست باشی، راست هستیم و اگر کج شوی، ما نیز کج می شویم.(1)

این سخن پیامبر، نقش محوری زبان را در خوبی و بدی نشان می دهد. کنترل زبان یا استفاده درست از آن، سبب سالم سازی شخص و اجتماع خواهد شد. پیامبر بزرگوار اسلام، شیوایی زبان را سرمایه آدمی می دانست(2) و خود، از این سرمایه زیبا استفاده کرده و مجموعه ای گران بها از شیوه های گفتاری خود در زمینه امر به معروف و نهی از منکر را برای ما به یادگار گذاشته است که در این مجال، شیوه های گفتاری آن حضرت را بررسی می کنیم:

1- میزان الحکمه، ج 11، ص 5312، ح 18173.
2- میزان الحکمه، ج 11، ص 5312، ح 18173.

الف) پند بجا

زیباترین پند و اندرزها اگر بجا نباشد، مؤثر نیست و نتیجه ای معکوس خواهد داد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، نخست فرصت ها را بررسی می کرد و به تناسب مخاطب، زمان، موقعیت مکانی و اهمیت موضوع، یارانش را به صورت عمومی یا خصوصی پند می داد. نقل است روزی آن حضرت از کنار جمعی می گذشت که در حال بلند کردن سنگی بودند. جلو رفت و از آنها پرسید: «این چه کاری است؟» آنها گفتند: می خواهیم بدانیم کدام یک از ما قوی تر و تواناتر است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا شما را به قوی ترین شما خبر ندهم؟» گفتند: ما را آگاه ساز ای رسول خدا! پیامبر فرمود:

محکم ترین و قوی ترین شما کسی است که چون خشنود شود، خشنودی اش او را به گناه نکشاند؛ چون خشم کند، از حق بیرون نرود و چون قدرت و حکومت یابد، به چیزی که حق نیست، اقدام نکند.(1)

شیوه رسول خدا صلی الله علیه و آله در برابر بدعت ها، تذکر عمومی به همه مسلمانان بود. آن حضرت نخست با رفتار خویش توجه همگان را جلب می کرد و سپس سخن خود را شفاف و رسا برای آنها بیان می فرمود.(2) آن حضرت وقتی با شخصی گناهکار روبه رو می شد، وی را به صورت عمومی پند می داد و با این عمل از او می خواست گناهان خود را پنهان دارد و می فرمود: «اگر گناهانتان

1- معانی الاخبار، ص 366، ح 1.

2- نک: تهذیب الاحکام، ج 3، ص 69، ح 226.

برای ما آشکار شود، مجازات الهی را درباره گناهکار اجرا خواهیم کرد.»(1) البته در برخی موارد نیز به صورت خصوصی افراد را پند می داد و به آنان سفارش می کرد گناهانشان را پنهان سازند.(2)

در حقیقت، رسول گرامی اسلام با سفارش به پنهان کردن گناهان، از انتشار زشتی ها جلوگیری و اصحاب خویش را به خطاپوشی تشویق می کرد و برای گسترش این امر از هر فرصتی بهره می گرفت.(3)

پیامبر خدا از هر فرصتی برای تبلیغ معروف استفاده می کرد و چنانچه شخصی خواهان اندرز بود، او را با پندی نیکو راهنمایی می کرد. روزی بادیه نشینی نزد آن حضرت آمد و گفت: راه های (احکام) اسلام بر من بسیار است. نکته ای را بگویید که به همان چنگ زنم! پیامبر فرمود: «همواره زبانت را با یاد خدا خرّم و تازه گردان».(4)

در حقیقت، رسول اکرم صلی الله علیه و آله چون پزشکی ماهر، برای بیمارش بهترین دارو را تجویز می کند تا با رعایت آن، در زمره بهترین مسلمانان درآید.

ب) پند رسا؛ تذکر مستقیم

ب) پند رسا؛ تذکر مستقیم

خداوند در آیه ای از قرآن می فرماید:

1- نک: مالک بن انس، الموطأ، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1406ه . ق، چ 1، ج 2، ص 169.
2- مالک بن انس، الموطأ، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1406ه . ق، چ 1، ج 2، ص 166.
3- میزان الحکمه، ج 9، ص 4454، ح 15494.
4- سنن ابن ماجه، ج 2، ص 1246، ح 3793.

فَأعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَ قُلْ لَهُمْ فی أنْفُسِهِمْ قَوْلاً بَلیغا. (نساء: 63)

پس، از آنان روی برتاب، و[لی] پندشان ده و با آنها سخنی رسا بگو که در دلشان [مؤثر]افتد.

تذکر زبانی، وظیفه عمومی همه مسلمانان در امر به معروف و نهی از منکر است و اگر این فرهنگ همگانی شود، آمار گناهان به شدت کاهش می یابد و عطر پاک خوبی در جامعه پراکنده می شود، ولی کوتاهی دین مداران، عرصه را برای جولان ناپاکان جامعه فراهم کرده است و امروزه تذکر زبانی، کاری بسیار دشوار به شمار می رود. البته برای شکستن جو ناپاکان، باید حرکت عمومی تذکر زبانی آغاز شود و تذکر چند نفر محدود، فقط برای پاداش اخروی آنان سودمند است و جامعه از پند ایشان سودی نخواهد برد. رسول خدا صلی الله علیه و آله توانست فرهنگ بی توجهی به منکر را زشت جلوه دهد و فرهنگ منکرزدایی را گسترش دهد. آن حضرت از همان دوران کودکی تذکر دادن مستقیم به خطاکاران را وظیفه خود می دانست، به گونه ای که در کودکی برای عوض کردن لباسش هنگام استراحت، به عمویش ابوطالب فرمود: «عمو جان، صورتت را برگردان تا لباسم را در آورم و به بستر روم!»(1) این تذکر کودکانه ولی زیبا، چنان برای ابوطالب شیرین و اثرگذار بود که آن را برای برادرش عباس نیز تعریف کرد.

در تذکرهای پیامبر گرامی اسلام دو عنصر رسایی و مؤثر بودن نهفته است.

1- بحارالانوار، ج 15، ص 360.

برای نمونه، روزی آن حضرت مردی از طایفه «فهد» را دید که غلام خود را می زد و غلام نیز به خدا پناه می برد، ولی آن مرد همچنان به کتک زدن ادامه می داد. ناگاه چشم غلام به پیامبر افتاد و گفت: به محمد صلی الله علیه و آله پناه می برم! مرد غلام را رها کرد و دیگر وی را کتک نزد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آن گاه که به خدا پناه می برد، تو او را می زدی، ولی وقتی به محمد پناه آورد، از او دست برداشتی! کسی که به خدا پناهنده شود، از کسی که به محمد پناهنده شود، سزاوارتر است به پناه یافتن!» مرد گفت: او را برای رضای خدا آزاد کردم! حضرت فرمود: «سوگند به کسی که مرا به رسالت فرستاد! اگر آن عمل خود را با این کار جبران نمی کردی، به رو در آتش می افتادی».(1)

در روایتی دیگر آمده است، روزی ابوذر مردی را به دلیل سیاه بودنش سرزنش کرد و گفت: ای پسر زن سیاه! (چون مادر او کنیزی سیاه چهره بود) رسول خدا صلی الله علیه و آله شنید و فرمود: «ای ابوذر! او را به مادرش سرزنش می کنی؟!» ابوذر سر و صورت خود را از شرم و به نشانه توبه به خاک مالید تا آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله از او راضی شد.(2)

این دو روایت میزان اثرگذاری سخن پیامبر را به خوبی نشان می دهد. ابوذر، یار نیکوی پیامبر، پیشانی بر خاک می ساید تا نشان دهد اهل غرور نیست، بلکه از روی بی توجهی و فراموشی سخن نادرست گفته است و پیامبر

1- بحارالانوار، ج 74، ص 143، ح 15.
2- بحارالانوار، ج 22، ص 411، ح 28.

نیز عذر او را می پذیرد و از او خشنود می شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله در برابر غیبت، بخل و دیگر زشتی ها، با تذکر رسا و بجای خود، یارانش را آگاه و از ورود آنان به عرصه گناه جلوگیری می کرد.(1)

ج) پند هنرمندانه

ج) پند هنرمندانه

استفاده از بیان هنری و تصویرسازی «زیبایی ها» و «زشتی ها»، از روش های گفتاری رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. جابر بن عبداللّه انصاری، شیوه پیامبر در معرفی دنیا را چنین بازگو می کند:

پیامبر خدا از یکی از مناطق بالادست مدینه به بازار آمد و در حالی که مردم او را در میان گرفته بودند، بر لاشه بزغاله گوش بریده ای گذشت. آن را برداشت و گوشش را گرفت و فرمود: «کدام یک از شما دوست دارد که این، به یک درهم از آنِ او باشد؟» گفتند: به هیچ مبلغی دوست نداریم مال ما باشد. با آن چه کنیم؟! پیامبر فرمود: «دوست دارید به طور [رایگان] از آن شما باشد؟» گفتند: به خدا سوگند، اگر زنده نیز بود، چون گوش بریده است، معیوب بود [و آن را نمی خواستیم]، چه رسد به اینکه مرده است! حضرت رسول فرمود: «فَوَاللّهِ لَلدُّنْیا اَهْوَنُ عَلیَ اللّهِ مِنْ هذا عَلَیْکُمْ؛ به خدا سوگند که دنیا در نزد خدا، بی ارزش تر از این [لاشه] در نزد شماست».(2)

1- نک: میزان الحکمه، ج 9، ص 4468، ح 15532؛ سلیمان بن احمد طبرانی،المعجم الکبیر، قاهره، مکتبه ابن تیمیه، چ 2، ج 17، ص 340.
2- صحیح مسلم، ج 4، ص 211.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برای نشان دادن ویژگی های دنیا از تمثیل های گوناگونی استفاده کرده و دنیا را به مار، سُم لاشه، خوراک، دام و تله و مانند آن تشبیه کرده است که هر یک ظرافت ویژه خود را دارد.

رسول گرامی اسلام گاه منکری را می دید، ولی خطاکار را به گونه ای آگاه می کرد که زشتی رفتارش را دریابد. برای نمونه، روزی آن حضرت گروهی را دید که برهنه استحمام می کردند، بدون اینکه لنگی بسته باشند. پس ایستاد و با صدایی رسا فرمود: «چرا برای خدا تعظیمی قائل نمی شوید.»(1) در حقیقت، پیامبر با این سخن به آنان فهماند که رفتار آنان، کوچک شمردن خداوند است و آنان که خدا را باعظمت می دانند، همواره خود را در محضر او و نگاه خدا را ناظر خود می بینند. ازاین رو، از خدا شرم می کنند.

باور به روز واپسین، مهر و عدالت را گسترش و فراموشی قیامت، گناهان را افزایش می دهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای آنکه نزدیکی قیامت را به مردم گوشزد کند، صدایش را بلند می کرد و صورتش سرخ می شد و با نشان دادن دو انگشت در کنار هم می فرمود: «[فاصله زمانی میان] برانگیخته شدن من و قیامت، مانند این دو انگشت است».(2)

در حقیقت پیامبر از فراز و فرود صدا، رنگ چهره و حرکات انگشت دست استفاده می کند تا درستی و نزدیکی قیامت را برای مردم بازگو می کند.

1- عبدالرزاق صنعانی، المصنف، المجلس الاعلمی، ج 1، ص 286، ح 1102.
2- بحارالانوار، ج 16، ص 256، ح 6.

بی تردید، تجسم آن صحنه برای ما چندان آسان نیست، ولی برای آنان که در مجلس پیامبر حضور داشتند، بسیار اثرگذار بوده است.

بی شک کوچک شمردن گناه، سبب پدید آمدن گناهان بزرگ تر خواهد شد و اگر فرد به مبارزه با گناهان خود نپردازد، از گناهان کبیره شکست خواهد خورد. نقل است روزی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در بیابانی خشک منزل کرد و به اصحاب فرمود هیزم بیاورند. اصحاب گفتند: یا رسول اللّٰه ! چیزی در این زمین نیست. حضرت فرمود: «هرکس آنچه می تواند، بیاورد !» اصحاب پراکنده شدند و هرکس مقداری هیزم آورد و در برابر آن حضرت قرار دارد. آن گاه پیامبر فرمود: «گناه، این چنین جمع می شود ! بترسید از گناهانی که به نظر کوچک می آیند، وقتی که همه آنها جمع و نوشته شوند».(1)

د) تبیین علت

د) تبیین علت

شناخت دلایل آموزه های دینی، از دیرباز برای مسلمانان اهمیت داشته است. از همین رو، برخی یاران ائمه علیهم السلام کتاب هایی در چرایی احکام دینی نگاشته اند.(2) شیخ صدوق، دانشمند شیعی قرن چهارم، در کتاب علل الشرایع خود، برخی از احادیث پیشوایان دینی را گرد آورده است تا حکمت مسائل دینی را نشان دهد.

1- اصول کافی، ج 2، ص 288، ح 3.

2- مانند: کتاب علل الحدیث، نوشته احمد بن محمد بن خالد؛ کتاب العلل، نوشته علی بن حسن بن علی الفضال و کتاب العلل، نوشته احمد بن محمد بن الحسین القمی: رجال النجاشی، صص 76، 89 و 257.

تبیین درست یک حقیقت دینی، در بسیاری از موارد ما را از امر و نهی بی نیاز می کند؛ زیرا آدمی به ریشه های امرها و نهی های الهی پی می برد و خود، دست از کار ناشایست برمی دارد. البته مقصود ما از تبیین درست، کشف علت حقیقی دستورهای شرعی نیست؛ زیرا آموزه های دینی، تعبدی است و انسان خداباور به همه آنها ایمان دارد؛ هر چند تبیین صحیح، بر ایمان او هم خواهد افزود.

رسول گرامی اسلام، گاه تذکر خود را با دلیل آن بیان می کرد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

روزی پیامبر بر عایشه وارد شد. خرده نانی بر روی زمین دید که نزدیک بود پای مال شود. حضرت آن را از زمین برداشت و خورد و فرمود: «ای حمیرا! نعمتی که رفت، به زودی برنمی گردد. قدر آن را بدان و مراعات همسایگی آن را بکن».(1)

در برخی موارد نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله با رفتار عملی به دیگران تذکر می داد و دلیل آن را نیز تبیین می کرد.

ه_) گفتار نرم

ه_) گفتار نرم

خداوند در آیه ای از قرآن می فرماید:

اذْهَبا إلی فِرْعَوْنَ إنَّهُ طَغی فَقُولا لَهُ قَوْلاً لَیِّنا لَعَلَّهُ یَتَذَکَّرُ أوْ یَخْشی. (طه: 43 و 44)

به سوی فرعون روید که او به سرکشی برخاسته است و با او سخنی نرم گویید، شاید پند پذیرد یا بترسد.

1- اصول کافی، ج 6، ص 300، ح 6 .

سفارش خداوند به نرم گویی در برابر فرعون، بیانگر اثرگذاری ژرف سخن نرم است؛ زیرا فرعون، مظهر سرکشی است، ولی ممکن است سخن نرم در وی مؤثر افتد و پند گیرد یا دست کم بترسد و از توطئه چینی دست بردارد. گفتنی است نرم گفتن با سست گفتن، متفاوت است. برخی مفسران «قول لیّن» را صدا کردن فرعون با کنیه اش دانسته اند که نشانه احترام است. به هر ترتیب، انسان موفق کسی است که محکم ترین سخنان را با نرم ترین واژه ها درهم آمیزد و گفته خود را ثابت کند.(1)

شیوه سخن گفتن رسول خدا صلی الله علیه و آله که از هرگونه درشتی دور بود، سبب شد،مردم بدون هیچ هراسی پرسش های گوناگون خود را از پیامبر بزرگوار بپرسند و آن حضرت نیز به زیبایی به آنها پاسخ گوید. برای مثال، ابوامامه می گوید:

روزی جوانی نزد پیامبر آمد و گفت: ای پیامبر! اجازه بده زنا کنم! مردم به سویش هجوم آوردند و کتکش زدند و گفتند: ساکت شو! پیامبر فرمود: «او را نزدیک بیاورید!» جوان به پیامبر نزدیک شد و نشست. رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: «آیا این عمل را برای مادرت می پسندی؟» جوان گفت: نه به خدا! جانم به فدایت! حضرت رسول فرمود: «مردم نیز این عمل را برای مادران خود نمی پسندند.» [سپس] فرمود: «آیا این عمل را برای دخترت می پسندی؟» جوان گفت: نه به خدا، ای پیامبر خدا، جانم فدایت! پیامبر فرمود: «مردم نیز این عمل را برای دختران خود نمی پسندند.» [سپس]رسول گرامی اسلام فرمود: «آیا این عمل را برای خواهرت می پسندی؟» جوان پاسخ منفی داد. پیامبر فرمود: «مردم نیز این عمل را برای خواهران خود

1- کنز العمال، ج 3، ص 72، ح 5550 .

نمی پسندند... .» آن گاه پیامبر خدا، دستش را بر سر آن جوان نهاد و فرمود: «بار خدایا ! گناهش را ببخش و دلش را پاکیزه گردان و به وی پاک دامنی ده !». از آن پس، آن جوان هرگز سراغ کار [خلاف]نرفت.(1)

و) تذکر اشاره ای

و) تذکر اشاره ای

یکی از روش های گفتاری رسول خدا صلی الله علیه و آله، پوشیده و با اشاره سخن گفتن بود.این شیوه آن گاه کاربرد دارد که شخص مقابل، از استعداد خوبی برخوردار باشد و با همان اشاره راه خود را بیابد. در این صورت، آبروی وی نیز حفظ خواهد شد؛ زیرا اشتباه او آشکارا بیان نشده است.

نقل است، روزی یکی از اصحاب پیامبر خدا که فقیر و پریشان حال بود، به اصرار همسرش خدمت آن حضرت آمد تا از ایشان کمکی دریافت کند. پیامبر تا او را دید، فرمود: «هرکه از ما چیزی بخواهد، به او می دهیم و هرکس خود را بی نیاز کند، خداوند او را بی نیاز می کند.» مرد با شنیدن این سخن پیامبر به خانه بازگشت و ماجرا را به همسرش گفت. زن گفت: پیامبر، انسان است و از حال و نیت تو خبر ندارد. برو و او را از نیازت آگاه کن ! مرد بازگشت و دوباره همان جمله را از پیامبر شنید و تا سه بار این ماجرا تکرار شد. سرانجام مرد به دنبال کاری رفت و به تدریج ثروتی اندوخت. آن گاه نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و شرح حال خود را باز گفت. پیامبر فرمود: «به تو گفته بودم هرکس از ما چیزی بخواهد، به او می دهیم، ولی هرکه نخواهد و خودداری

1- مسند ابن حنبل، ج 5، ص 256.

کند، خدا او را بی نیاز می گرداند».(1)

در حقیقت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با این روش، او را از زشتی گدایی آگاه کرد و روح بی نیازی، عزت نفس و بزرگ منشی را به عنوان صفتی معروف و زیبا در وجودش نهادینه ساخت.

ز) معرفی جای گزین

ز) معرفی جای گزین

یکی از مشکلات و موانع نهی از منکر، به بن بست رسیدن فرد خطاکار است؛ زیرا فرد خطاپیشه مدت ها با رفتاری ناپسند مأنوس شده و اینک، برای بازداشتن او از زشتی ها، به راهکاری نیاز است تا جای گزین انس پیشین شود. با اندکی بررسی می توان برخی از این راهکارهای جای گزین را در سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله دید. بر این اساس، می توان در کنار زدودن زشتی ها، به فکر جای گزین بود. البته یافتن جای گزین باید با معیارهای آگاهانه صورت گیرد و نمی توان به هر بهانه، ارزش های اسلامی را فراموش کرد و خواست زمانه را به عنوان دین پذیرفت.

نقل است روزی بلال، صحابی و مؤذن پیامبر خدا، برای آن حضرت خرمای برنی آورد. پیامبر فرمود: «از کجا آورده ای؟» بلال گفت: خرمای نامرغوبی داشتیم، هر دو پیمانه خرما را در برابر یک پیمانه خرمای خوب عوض کردم. پیامبر فرمود: «این کار، همان رباست. این کار را نکن، ولی اگر خواستی

1- اصول کافی، ج 2، ص 139، ح 7.

خرمای خوبی بخری، نخست در معامله ای خرمای بد را بفروش و سپس با معامله ای دیگر، خرمای خوب بخر».(1)

در روایتی دیگر آمده است پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به مردی که برای عبادت به بالای کوه رفته و ترک دنیا کرده بود، تذکر داد آن کار را رها کند و سپس فرمود: «همانا صبر شما در برخی امور و دستورهای اسلام، از عبادت چهل سالتان بهتر است.»(2) و با این تذکر به او فهماند برای تقرب به بارگاه الهی، زندگی در میان جمع و صبر کردن، بهترین جای گزین رهبانیت و گوشه گیری از خلق است.

ح) یادآوری زیبایی ها

ح) یادآوری زیبایی ها

هر انحرافی نشانه بی دینی نیست، بلکه تکرار برخی لغزش ها به انحراف می انجامد. یادآوری زیبایی ها و پاداش اخروی ترک گناه، راهکار خوبی برای زدودن غبار غفلت از جان آدمی است؛ زیرا انسان با این روش، به دورانی بازمی گردد که برایش آشنا و لذت بخش است. بنابراین، اگر کودک و نوجوان در دوران طراوت و شادابی، لذت انس با قرآن و آموزه های اهل بیت علیهم السلام را چشیده باشند و پس از آن بر اثر شرایط اجتماعی، راه نادرستی را برگزینند، به توبه و بازگشتشان امید بیشتری است و با تابیدن نور مقدسات به دلشان، میل

1- صحیح بخاری، ج 3، صص 64 و 65.
2- محجه البیضاء، ج 4، ص 7.

به آموزه های دینی در وجودشان زنده می شود.

نقل است پیامبر گرامی اسلام در روز عید قربان، فضل بن عباس را پشت سر خود سوار کرد. در میان راه به مردم برخورد و برای پاسخ گویی به پرسش هایشان ایستاد. زنی زیبا از قبیله «خَثْعَم» نزد پیامبر آمد تا از ایشان سؤالی کند. فضل از زیبایی زن خوشش آمد، به گونه ای که پیوسته به وی نگاه می کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله متوجه شد و به فضل نگریست، ولی وی همچنان به زن نگاه می کرد. آن گاه حضرت با دست خود، چانه فضل را گرفت و صورتش را به طرف دیگر چرخاند.(1)

همچنین، نقل شده است وقتی پیامبر از پاسخ به پرسش ها فارغ شد، به فضل فرمود:

آیا نمی دانی این روزها، روزهای ویژه ای هستند که هیچ مردی در این روزها چشم و زبان و دست خود را [از حرام] باز نمی دارد، مگر آنکه خداوند همانند پاداش حج سال آینده را برایش می نویسد.(2)

در برخی دیگر از کتاب های حدیثی، زمان این ماجرا شب یا روز عرفه بیان شده و سخن پیامبر را نیز چنین گزارش کرده اند: «همانا امروز روزی است که هرکه چشم و زبانش را نگه دارد، آمرزیده می شود».(3)

1- صحیح بخاری، ج 5، ص 2300، ح 5874 .
2- مستدرک الوسائل، ج 2، ص 8.
3- نک: مسند احمد، ج 1، ص 356؛ معجم الکبیر، ج 21، ص 179 و ج 18، ص 289.

آنچه در گزارش های گوناگون آمده است، تذکر پیامبر به ایام ویژه و پاداش ترک گناه در این ایام است که بسیار فراتر از لذت آنی گناه است.

ط) مناظره

ط) مناظره

«معروف» و «منکر»، همیشه امری ساده و شناخته شده نیست، بلکه ممکن است بر اثر مرور زمان «معروفی» منکر و «منکری» معروف دانسته شود. در این شرایط، وظیفه دانشمندان دینی است که با محوریت قرآن، حقیقت «معروف» و «منکر» را به مردم بشناسانند و طبیعی است که برخی خطاکاران با استدلال های خود، در برابر آنان ایستادگی می کنند. برای مثال، «قمه زدن» در عزای سالار شهیدان «معروف» است یا «منکر»، دروغ مصلحتی «معروف» است یا «منکر»؟ بی تردید، این مباحث به گفت وگویی آگاهانه نیاز دارد تا «معروف» بازشناخته شود. برای نمونه، ممکن است برای برخی این سؤال پیش آید که آیا می توان در امور دینی مناظره کرد یا دین، از بحث و جدل نهی کرده است؟ نقل است همین پرسش نزد امام صادق علیه السلام مطرح شد و برخی گفتند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه از آن نهی کرده اند، ولی امام صادق علیه السلام فرمود: «به طور مطلق نهی نشده است، بلکه مسلمان از جدال غیرنیکو نهی شده است. آیا سخن خدا را نشنیده اید که می فرماید: «وَ لا تُجادِلُوا أَهْلَ الْکِتابِ إلاّ بِالَّتی هِیَ أَحْسَنُ». (عنکبوت: 46)

مردی با شنیدن سخن امام صادق علیه السلام برخاست و گفت: ای پسر رسول خدا! آیا پیامبر، خود، جدال نکرد؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله هر چه خواهی بیندیش، ولی گمان مخالفت با خدا به او مبر، مگر خدا

به او امر نکرد: «وَ جادِلْهُمْ بِالَّتی هِیَ أحْسَنُ». (نحل: 125)

حضرت امام صادق علیه السلام در ادامه می افزاید: «پدرم امام باقر علیه السلام از جدم امام سجاد علیه السلام و او از حسین بن علی و او از پدرش امیر مؤمنان، علی علیه السلام، نقل کرده است که روزی پیروان پنج دین (یهودیان، نصرانیان، دهریان، دوگانه پرستان و مشرکان عرب) نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله جمع شدند. پیامبر با آنها به مناظره طولانی پرداخت».

سپس امام صادق علیه السلام به بیان سخنان آنان و پاسخ های پیامبر پرداخت و در پایان فرمود: «سوگند به آن که پیامبر را برانگیخت، سه روز بیش نگذشت. آن گروه که بیست و پنج نفر بودند، خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسیدند و اسلام آوردند».(1)

4. رابطه شیوه های رفتاری و گفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

4. رابطه شیوه های رفتاری و گفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

با بررسی شیوه های رفتاری و گفتاری رسول خدا صلی الله علیه و آله، همسانی این دو شیوه نمایان می شود و البته شاید مهم ترین عامل موفقیت پیامبر خدا در گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، همسانی سخن و رفتار ایشان بود. مردم می دانستند رسول خدا صلی الله علیه و آله راه پیش رو را زودتر پیموده است. ازاین رو، با آسودگی خیال در آن راه گام می گذاشتند. برای نمونه، اگر پیامبر به دیگران تذکر می داد، انتقاد و نظر دیگران را نیز با اشتیاق می شنید و سخن نیکو را می پذیرفت.

1- امر به معروف و نهی از منکر: دو فریضه برتر، ص 98.

نقل است روزی عبداللّه بن أبی امیّه، برادر ام سلمه، یکی از همسران پیامبر برای استقبال از رسول خدا صلی الله علیه و آله از مکه خارج شد و به محضر آن حضرت رسید و سلام کرد. پیامبر پاسخ سلامش را نداد و به او توجهی نکرد. ام سلمه واسطه شد. سپس پیامبر فرمود: «ای ام سلمه! برادر تو به گونه ای مرا تکذیب کرد که هیچ کس با من این گونه رفتار نکرد. او پیش از هجرت به من گفت: تا از زمین چشمه ای برای ما نجوشانی، هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد...».(1) ام سلمه گفت: پدر و مادرم فدایت ای رسول خدا! آیا شما نفرمودید اسلام آوردن، [گناهان و کفر] پیشین را محو و نابود می کند؟ پس رسول اکرم صلی الله علیه و آله شفاعت ام سلمه درباره برادرش و اسلام آوردن او را پذیرفت.(2) در این ماجرا، ام سلمه به سخن خود حضرت استناد می کند و پیامبر نیز تذکر نیکوی او را می پذیرد.

اصحاب رسول اکرم صلی الله علیه و آله، احترام به حدود الهی و پافشاری بر حق را از رفتار آن حضرت آموختند. نقل است در یکی از نبردها، ابن جثامه، یکی از صحابه پیامبر بر فردی از دشمن حمله کرد. سرباز دشمن که ترسیده بود، گفت: من مسلمانم. ابن جثامه توجهی نکرد و او را از پای در آورد. پس از این ماجرا طایفه سرباز کشته شده که مسلمان شده بودند، نزد پیامبر آمدند و گفتند: ای رسول خدا! ابن جثامه، دوست ما را در حالی که مسلمان شده بود، کشت.

1- نک: اسراء: 90_93.
2- بحارالانوار، ج 21، ص 114.

پیامبر خدا از ابن جثامه پرسید: «پس از آنکه گفت مسلمانم، او را کشتی؟» ابن جثامه گفت: ای رسول خدا! به خاطر پناه جستن این سخن را گفت. حضرت فرمود: «دلش را شکافتی و این نکته را فهمیدی...؟» سپس افزود: «من به کتاب خدا حکم می کنم. برای قصاص بنشین!» که خانواده مقتول با گرفتن دو برابر دیه، از قصاص چشم پوشیدند. در این ماجرا شدت حق مداری رسول خدا آشکارا مشهود است.

استاد مطهری رحمه الله، گسترش امر به معروف و نهی از منکر را نتیجه الگوی عملی می دانست و بر این باور بود که پیشتازی پیامبر اسلام در همه زمینه ها، عامل موفقیت آن بزرگوار بوده است. در کتاب حماسه حسینی می خوانیم:

شما اگر بخواهید به شکل غیرمستقیم امر به معروف بکنید، یکی از راه های آن این است که خودتان صالح و باتقوا باشید، خودتان اهل عمل و تقوا باشید. وقتی خودتان این طور بودید، مجسمه ای خواهید بود از امر به معروف و نهی از منکر. هیچ چیز، بشر را بیشتر از عمل تحت تأثیر قرار نمی دهد... . انبیا و اولیا تنها تئوری و فرضیه ندارند، عمل هم دارند. آنچه می گویند، اول عمل می کنند، حتی این طور نیست که اول بگویند، بعد عمل کنند. اول عمل می کنند، بعد می گویند... . هر مصلحی اول باید صالح باشد تا بتواند مصلح باشد... . پیغمبر اسلام اگر در آنچه دستور می داد، اول خود پیش قدم نبود، محال بود دیگران [از او] پیروی کنند.(1)

1- نک: مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج 2، صص 106 _ 108.

5. رابطه حکومت و نظارت همگانی

5. رابطه حکومت و نظارت همگانی

حکومت و نظارت همگانی در مکتب اسلام، رابطه ای دو سویه دارند. از یک سو برای گسترش امر به معروف و نهی از منکر در برخی موارد، وجود حکومتی قدرتمند ضروری است و از دیگر سو نظارت همگانی باید حکومت و مسئولان را مهار کند تا سرکشی نکنند که در زندگانی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله هر دو رابطه تبیین شده است. برای نمونه، در زمان حیات آن حضرت، مردی به نام خزوم دخترش را به نکاح مردی درآورد. دختر که از رفتار پدر ناراضی بود، خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و شکایت کرد و پیامبر ازدواج را باطل اعلام کرد.(1)

در این حادثه، پیامبر اسلام از قدرت خود بهره برد و نظر پدر برای تزویج دختر را باطل و رد کرد و اگر قدرت آن حضرت نبود، فقط به سفارش و نصیحت بسنده می شد.

کتاب ارزشمند کافی، از کتاب های چهارگانه اصلی شیعه، بابی با عنوان «ما أمر النبی بالنصیحه لأئمه المسلمین» دارد که مضمون آن خیرخواهی برای رهبران مسلمان است. از آن جا که همگان در این مفهوم هم داستان نیستند، فقط به بیان نمونه هایی می پردازیم که نظارت مردم بر حکومت را تبیین می کند. پیامبر بزرگوار اسلام دراین باره می فرماید:

1- 1.محمدرضا تویسرکانی، الگوی برتر،تهران،آرام دل،1382،چ1، ص 279.

سه چیز است که قلب بنده مسلمان به آنها خیانت نمی کند: پاکیزه کردن عمل برای خدا، نصیحت و خیرخواهی برای رهبران مسلمان و شرکت همیشگی در اجتماعات آنان.(1)

در سخنی دیگر از پیامبر، خیرخواهی برای دیگر مسلمانان،(2) وظیفه ای همگانی است. ازاین رو، باید رهبر و مسئولان جامعه اسلامی را نیز برای زدودن کاستی هایشان یاری داد. دین پژوه عصر مشروطیت، مرحوم آیت اللّه نائینی، از دانشمندانی بود که نصیحت را به معنای خیرخواهی برای حاکم اسلامی لازم می دانست. ایشان معتقد بود:

اصل محاسبه و مراقبه آحاد ملت در صدر اسلام، به قدری مستحکم بود که مردم مسلمان، در جهت اعتراض به استفاده خلیفه از حله یمانی، در پاسخ فرمان جهاد او، فریاد «لا سمعا و لا طاعةً» سر دادند و به او اعلام کردند «با شمشیر جلوی انحرافت را خواهیم گرفت».(3)

البته نصیحت کردن حاکم اسلامی شرایطی ویژه دارد و هرگونه اعتراض را نمی توان به عنوان نصیحت پذیرفت، بلکه اخلاص، رعایت جایگاه، تذکر خصوصی در مرحله نخست، آگاهی ناصح، روش درست و پرهیز از عیب جویی، از جمله شرایط نصیحت حاکم مسلمانان است.

1- بحارالانوار، ج 2، ص 148.
2- صحیح مسلم، ج 1، ص 54؛ مستدرک الوسائل، ج13،ص298،ح15407.
3- نائینی، تنبیه الامه و تنزیه المله، تحقیق: سیدجواد ورعی، قم، بوستان کتاب، 1382، صص 49 و 50.

فصل سوم: نظارت رسمی نهادی

اشاره

فصل سوم: نظارت رسمی نهادی

هم چنان که گذشت، رسول خدا صلی الله علیه و آله شخص معتمدی را همواره همراه لشکرهای اعزامی می فرستاد تا عملکرد فرمانده را به آن حضرت گزارش کند و نیز از مردم درباره آنچه در جامعه رخ می داد، پرس وجو می کرد. نظارت پیامبر بسیار دقیق و موشکافانه بود. آن حضرت پس از باخبر شدن از ماجرا به بررسی می پرداخت و نظر خود را آشکارا بیان می کرد. در برخی موارد نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله با سرکشی به بازار، نبض اقتصادی دولت و چگونگی دادوستد را کنترل و دستورهای لازم برای تنظیم بازار را صادر می کرد. در حقیقت، نظارت رسول خدا صلی الله علیه و آله با اقدامات عملی متناسب با آن، همراه بود. اینک برخی از گزارش های نظارتی پیامبر را بررسی می کنیم.

1. نظارت بر بازار

اشاره

1. نظارت بر بازار

ماهیت بازار و ارزش ثروت، نزد بیشتر مردم، سبب وسوسه های شیطانی است و برای افزودن سود و پرهیز از زیان مالی، هرگونه راه نامشروعی، زیبا جلوه می کند و اگر نظارت درونی نباشد، کمتر کسی می تواند از این گرداب رهایی یابد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله با گسترش نظارت همگانی و برانگیختن نظارت درونی توانست تا حدودی بازاریان را کنترل کند. البته وضع اقتصادی زمان پیامبر نیز

چندان مطلوب نبود، ولی برخی در همان جامعه، وضع مالی مناسبی داشتند و گروهی دیگر حتی خرمای روزانه خود را از راه کمک های مردمی تأمین می کردند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این شرایط مالی، نسبت به فریب کاری بازاریان، احتکار کالا و اختلال در تجارت سالم، نظارتی پی گیر داشت.

الف) فریب کاری بازاریان

الف) فریب کاری بازاریان

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از بازار مدینه عبور می کرد. جنسی را در مغازه ای دید و فرمود: «طعام (گندم) نیکویی داری، قیمت آن چند است؟» در همین حال، خدای عزوجل به او وحی کرد: «زیر آن جنس را نیز ببین!» پیامبر جنس را زیر و رو کرد و جنس پستی بیرون آورد و فرمود: «تو در حق مسلمانان خیانت و غش (فریب) می کنی؟!»(1)

همچنین، نقل است روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله فروشنده ای را دید که جنس خوب و بد را به هم آمیخته بود. از وی پرسید: «چرا این کار را کردی؟» گفت: می خواستم خرج شود. پیامبر فرمود: «هر کدام را جداگانه بفروش! در دین ما فریب نیست».(2)

در زمان حیات پیامبر گرامی اسلام، عده ای نیز قصد فریب آن حضرت را داشتند. برای نمونه، پیامبر در یکی از بازرسی های خود، داخل انبوهی از گندم

1- اصول کافی، ج 5، ص 161، ح 7.
2- کنز العمال، ج 4، ص 159، ح 9974.

دست برد و دریافت گندم های زیری مرطوب است. به فروشنده فرمود: «گندم ها چرا رطوبت دارد؟» فروشنده که گویی به فریب کاری عادت کرده بود، گفت: رطوبت باران است که از آسمان به آن رسیده. پیامبر خدا در پاسخ فرمود: «چرا گندم های باران خورده را روی گندم ها نگذاشتی تا مردم ببینند. هر که دیگران را فریب دهد، از ما نیست».(1)

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فریب کاران بازاری را به یهودیان تشبیه کرده است؛(2) زیرا یهودیان بیش از همه در فکر اغفال و خیانت مسلمانان بودند. چنین تشبیهی با توجه به پیشینه مسلمانان از دشمنی یهود با اسلام، نوعی ترور شخصیتی این گروه به شمار می رود.

ب) محتکران

ب) محتکران

محتکران، اجناس مورد نیاز مردم را انبار می کنند تا خود، قیمت بازار را تعیین کنند و سود فراوانی از این راه به دست آورند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله هم خود به احتکار نظارت پی گیر داشت و هم نسبت به گزارش های مردمی واکنش نشان می داد. نقل است مردی به نام حکیم بن حزام در میان قریش بود که هرگاه حبوبات (گندم و...) وارد مدینه می شد، همه را یک جا می خرید. روزی پیامبر خدا بر او گذشت و فرمود: «ای حکیم از احتکار

1- سنن ترمذی، ج 2، ص 389، ح 1329.
2- من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 273، ح 3978.

کردن طعام بپرهیز !»(1) بی تردید، این دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله فقط پند و اندرز نبود، بلکه راهکار رئیس حکومت بود و رأی ایشان باید اجرا می شد.

راهکار عمومی دیگر پیامبر اسلام برای مبارزه با احتکار این بود که فرمان داد اجناس محتکران به داخل بازار آورده شود و در برابر دید عموم قرار گیرد.(2) امام صادق علیه السلام درباره نمونه ای از گزارش های مردمی به رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره احتکار کالا و واکنش ایشان می فرماید:

در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله طعام (گندم و حبوبات) نایاب شد. مسلمانان خدمت پیامبر آمدند و گفتند: فقط فلان شخص طعام دارد و در بازار نایاب شده است. پیامبر فرمان داد همه آن اجناس فروخته شود و پس از حمد و ثنای خدا فرمود: «فلانی ! مسلمانان می گویند طعام نایاب شده است، مگر مقداری که نزد توست. طعامت را بیرون بیاور و هرگونه می خواهی بفروش و حبس نکن».(3)

همان گونه که در این روایت ها آمده است، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در زمینه مبارزه با احتکار، فقط فرمان فروختن کالا را می داد و تعیین قیمت برعهده فروشنده بود. البته آوردن جنس به بازار، وظیفه حاکم است و او باید مراقب کمبود نیازمندی های مردم باشد.

ج) اختلال در نظام بازار

ج) اختلال در نظام بازار

1- مستدرک الوسائل، ج 13، ص 277، ح 15344.
2- وسائل الشیعه، ج 17، ص 429، ح22917.
3- وسائل الشیعه، ج 17، ص 429، ح 22916.

در زمان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، گروهی از مردم پیش از آمدن کاروان تجارتی، به بیرون شهر می رفتند تا جنس را ارزان تر و بهتر خریداری کنند. همین کار سبب می شد کالای مورد نیاز مردم به بازارهای شهر وارد نشود و کسانی که برای استقبال کاروان به بیرون شهر رفته بودند، آن کالاها را با قیمت بیشتری به فروش برسانند. ازاین رو، پیامبر شخصی را مأمور کرد تا از فروختن جنس پیش از رسیدن به شهر، خودداری و کاروان تجارتی را به محل ویژه داخل شهر راهنمایی کند.(1)

رسول خدا صلی الله علیه و آله با ممنوعیت فروش کالا در خارج از شهر، فرصت تجاری یکسانی در اختیار همگان قرار می داد و از انباشت کالا نیز خودداری می کرد.

2. نظارت بر لشکر

اشاره

2. نظارت بر لشکر

در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله، لشکریان از عمده ترین گروه هایی بودند که پیامبر آنها را به مأموریت های گوناگون می فرستاد و همواره گزارش های آنان به پیامبر می رسید و بر اساس همان خبرها تصمیم گیری می کرد. نمونه هایی از گزارش ناظران و واکنش پیامبر عبارتند از:

الف) پرداخت خسارت

الف) پرداخت خسارت

1- صحیح بخاری، ج 3، ص 20.

خالدبن ولید، برای دعوت گروهی از افراد قبیله «بنی خزیمه» به اسلام، رهسپار شد. مردم سلاح ها را کنار نهادند و از وی استقبال کردند، ولی خالد عده زیادی را کشت. چون خبر به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید، دستانش را به سوی آسمان بلند کرد و فرمود: «خدایا! من از رفتار خالد بیزاری می جویم.» سپس امام علی علیه السلام را فرا خواند و به ایشان دستور داد به سوی مردم داغدیده برود و سنت جاهلیت را زیر پا گذارد و دیه همه مقتولان را بپردازد و خسارت های وارده را جبران کند. امام علی علیه السلام به منطقه آمد و پس از پرداخت خسارت فرمود: «آیا خسارت مالی یا جانی دیگری مانده است که پرداخت نکرده باشم ؟» وقتی آنها پاسخ منفی دادند، حضرت علی علیه السلام باقی مانده پول ها را نیز تقسیم کرد و به خدمت رسول گرامی اسلامبازگشت و گزارش کار را برای آن حضرت بازگو کرد. پیامبرفرمود: «[کارت را] درست و نیکو انجام دادی.» سپس رو به قبله ایستاد و دستانش را بلند کرد و فرمود: «بارالها! من از آنچه خالد بن ولید به جای آورد بیزاری می جویم». (1)

ب) سخت گیری در بیت المال

ب) سخت گیری در بیت المال

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در حفظ بیت المال بسیار سخت گیر و دقیق بود. نقل است درجنگ صفین، غنایم فراوانی به دست مسلمانان افتاد. (بیست و چهار

1- تاریخ طبری، ج 2، ص 341.

هزار شتر، چهل هزار گوسفند و چهار هزار اوقیه نقره، از جمله آنهاست.) (1) عقیل بن ابی طالب، سوزنی را بدون اجازه با خود برد. ناگهان شنید منادی ندا می دهد هر کس از غنایم چیزی برده است، حتی نخ و سوزنی برگرداند. وی سوزن را برگرداند. حضرت آن را گرفت و کنار دیگر غنایم گذاشت. آن گاه در کنار شتری ایستاد، از پشم شتر اندکی کند، آن را میان دو انگشت خود قرار داد و به مردم فرمود: «من از غنایم، حتی از این پشم فقط یک پنجم سهم دارم. خیانت، بر خیانت کار عار و ننگ و آتش است». (2)

در حکایتی دیگر آمده است، رسول خدا صلی الله علیه و آله در بالای جنازه یکی از یارانش که در جنگ کشته شده بود و همگان او را بهشتی می دانستند، ایستاد و با خشم فرمود: «نه هرگز! سوگند به خداوندی که جان محمد در دست اوست! روپوش او اکنون وی را در میان آتش شعله ور خود می سوزاند؛ زیرا آن روپوش را از بیت المال مسلمانان (بدون مقررات و اجازه موازین نظامی و رهبری) از روی خیانت برداشته و آن لباس را هم اکنون پوشیده است.» یکی از مسلمانان، هنگامی که این سخن را شنید و فهمید که خیانت به بیت المال چه کیفر سختی دارد، به شدت تحت تأثیر قرار گرفت و به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: من دو عدد بند کفش را برخلاف مقررات از بیت المال برداشته ام. آیا همین مقدار نیز بازخواست و کیفر دارد؟ پیامبر در پاسخ فرمود: «آری،

1- طبقات الکبری، ج 2، ص 326.

2- ابن هشام الحمیری، السیره النبویه، قاهره، مکتبه محمد علی صبیح، 1383ه . ق، ج 4، ص 929.

به اندازه همین مقدار برای تو آتش دوزخ فراهم شده است».(1)

ج) توجه به مصالح عمومی

ج) توجه به مصالح عمومی

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در هنگام اعزام نیرو نیز به مصالح عمومی توجه داشت و به دلیل اهمیت جنگ، از توجه به این امر مهم غافل نمی شد. معاذ جهنی می گوید:

با پیامبر خدا در نبردی شرکت کردیم. سربازان در کاروان سراهای میان راه بیش از اندازه جا گرفتند و جا را برای دیگر مسافران تنگ کردند و راه را بستند، به گونه ای که عبور و مرور مختل شد. پیامبر منادی را فرستاد تا اعلام کند: کسی که راه را ببندد یا جایی را اشغال کند، از پاداش جهاد بهره مند نمی شود.(2)

راهکارهای دقیق رسول خدا صلی الله علیه و آله، بیانگر نظارت فراگیر حضرت در همه امور زیردستان است، به گونه ای که نحوه استقرار لشکریان در استراحت گاه های میان راهی نیز به نظر ایشان مهم می نماید و در همان مدت اندک نیز نباید مصالح عمومی نادیده گرفته شود.

د) رعایت عواطف انسانی

د) رعایت عواطف انسانی

رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره بر امور لشکریان خود نظارت می کرد تا عواطف انسانی ایشان آسیب نبیند. ازاین رو، برخی رسوم قدیمی عرب مانند قطعه قطعه

1- ابن هشام الحمیری، السیره النبویه، قاهره، مکتبه محمد علی صبیح، 1383ه . ق، ج 3، ص 802.
2- سنن ابی داوود، ج 1، ص 592.

کردن دشمنان را ممنوع اعلام کرد و برای آزادی اسیران، راه های گوناگونی پیشنهاد داد. برای مثال، در روز فتح مکه، سعد بن عباده، رئیس انصار، به ابوسفیان گفت: «الیوم یوم الملحمه الیوم تستحل الحرمه؛ امروز روز کشتن مردان و اسیری زنان و ذلت قریش است.» ابوسفیان خود را به پیامبر رساند و کلام سعد را نقل کرد و گفت: تو از همه مردم بهتر و نیکوتری و رحمت تو بیشتر است. پیامبر خدا که هراس ابوسفیان را دیده بود، رو به مردم کرد و فرمود: «امروز روز رحمت و روزی است که خداوند قریش را عزیز کرد.» آن گاه سعد را از فرماندهی سپاه مسلمانان بر کنار کرد و پرچم سپاه را از او گرفت.(1)

3. نظارت بر کارگزاران مالی

اشاره

3. نظارت بر کارگزاران مالی

یکی از مواردی که پیامبر افزون بر نظارت، به حساب رسی دقیق درباره آن می پرداخت، کار مأموران جمع آوری مالیات بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر کار آنان نظارت می کرد و چنانچه کوتاهی یا خطایی در کار آنها می دید، با آنها بسیار تند برخورد می کرد.

نقل است رسول خدا صلی الله علیه و آله در سال نهم هجری، ابن اللیثیه را برای گردآوری زکات به سوی طایفه «بنی سلیم» فرستاد. پس از بازگشت، پیامبر او را برای حساب رسی فراخواند. او گفت: این زکات اموال شماست و این نیز

1- مجمع البیان، ج 10، ص 557.

هدیه ای است که به من داده اند. پیامبر به او فرمود: «اگر راست می گویی، چرا در خانه پدرت ننشستی تا برایت هدیه بیاورند.» سپس خطبه ای خواند و این موضوع را برای عموم آشکار کرد و پس از حمد و ستایش خداوند فرمود: «من مردی را برای کاری می فرستم، ولی او می آید و می گوید: این اموال شماست و این هم هدیه ای است که به من داده اند. پس اگر راست می گوید، چرا در خانه پدر و مادرش نمی نشیند تا برایش هدیه بیاورند؟! به خدا سوگند! هیچ کس از زکات، به ناحق برنگیرد، مگر آنکه در روز قیامت آن را بر گردن خود داشته باشد».(1)

خلاصه سخن

خلاصه سخن

در این فرصت کوتاه، فقط نمونه هایی از نظارت رسمی رسول خدا صلی الله علیه و آله بررسی شد، ولی مقایسه این مطالب با فصل نظارت همگانی نشان می دهد، پیامبر خدا در برخورد و اصلاح عمومی بسیار آسان گیر بود و با نرمی و عطوفت رفتار می کرد، ولی در برابر خطاهای مسئولان و کارگزاران حکومتی بسیار سخت گیر و نکته سنج بود.

1- صحیح مسلم، ج 6، ص 11.

فصل چهارم: امر به معروف و رسانه

اشاره

فصل چهارم: امر به معروف و رسانه

حساس ترین موضوع این پژوهش، رابطه رسانه و موضوع نظارت همگانی است. حال این پرسش ها مطرح است که آیا رسانه در برابر این موضوع وظیفه ای دارد؟ آیا شیوه نظارتی رسول خدا صلی الله علیه و آله امروزه نیز سودمند و کاربردی است؟ شیوه های کاربردی کردن آن در رسانه چگونه است؟ و پرسش های بسیار دیگر.

برای پاسخ دادن به این پرسش ها به پژوهش های تخصصی نیاز است؛ یعنی از یک سو باید رسانه شناخته شود و از دگر سو گزاره های دینی مناسب انتخاب شوند؛ زیرا سخن یک سویه، فقط ارزش نصیحت و سفارش دارد و آنانی که از این تذکر روی برمی تابند، همیشه بی دلیل نیستند.

در این نوشتار فقط به پاسخ های کلی و در برخی موارد نمونه های کوچک اشاره می کنیم و سخن تخصصی، با نشست های مستمر میان رشته ای امکان پذیر است.

در پاسخ پرسش نخست باید گفت امر به معروف، واجب شرعی است و مسئولان رسانه نیز به حکم مسلمان بودن وظیفه دارند از این واجب دینی پاسداری کنند و بنابر فتوای رهبر معظم انقلاب برای گسترش آن بکوشند.

دومین پرسش، پاسخی عملی دارد؛ یعنی شیوه نظارتی پیامبر اسلام برای ما کاربردی است. همان گونه که در فصل اول به پژوهش های مایکل کوک اشاره کردیم، جهان امروز، از نبودن نظارت همگانی رنج می برد و تنها آیینی که دستور نظارت همگانی دارد، دین اسلام و فرهنگ بالنده امر به معروف و نهی از منکر است.

برای تبیین پاسخ علمی به این پرسش نیز تحقیقات میدانی در جوامع غربی و جوامع دینی و بررسی پی آمدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر اهمیت دارد. چنانچه تهیه کننده و کارگردان معتقدی بتواند با تهیه گزارش های مستند و خبری، پی آمدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر را نشان دهد، بسیار شایسته و مفید خواهد بود.

و اما پرسش سوم، شیوه های کاربردی کردن این امر در رسانه است. برای پاسخ به این پرسش به پاسخ مرحله ای نیازمندیم. در مرحله نخست، گسترش این شیوه در رسانه های گوناگون متفاوت است؛ زیرا برخی نمونه های اثرگذار را به دلیل حفظ حرمت عمومی نمی توان در رسانه عمومی منتشر کرد، ولی می توان در رسانه های اختصاصی یا برای برنامه سازان بازگو کرد.

مرحله دوم، چنانچه رسانه بخواهد شیوه های کاربردی رسول خدا صلی الله علیه و آله را رسانه ای کند، می تواند از شیوه های رفتاری آن حضرت در فصل دوم این تحقیق بهره گیرد و نمونه های رفتاری را به صورت نمایش های زیبا به تصویر کشد یا با ساختن کلیپ های مناسب، در فرصت های پربیننده ارائه کند.

مرحله سوم، نظریه پردازی درباره امر به معروف و رسانه است. براساس این نظریه، رسانه، خود، آمر به معروف و ناهی از منکر است. بنابراین، باید همه شرایط آمر و ناهی را دارا باشد و اگر چنین نیست، به سوی آن گام بردارد.

اگر رسانه ملی آمر به معروف باشد، باید معروف ها و منکرهای سطح جامعه را به خوبی بشناسد. برای نمونه، امروزه دروغ و ناسپاسی، دو منکر جامعه ما هستند. اگر بیماری و آفت جامعه درست تشخیص داده شود، درمان

آن آسان خواهد بود. بنابراین، تهیه فهرستی از ناشایستی های جامعه و اولویت بندی آنها بر اساس خطرهای پیش رو ضروری است.

نظریه رسانه آمر به معروف و ناهی از منکر، از رسانه می خواهد به نکته محوری سفارش پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله توجه داشته باشد. در سیره پیامبر خدا، به کارگیری شیوه معروف در گسترش امر به معروف ضروری است. بنابراین، پس از شناسایی معروف ها و منکرها باید شیوه شناسی کنیم. برای زدودن دروغ از جامعه، بازگو کردن احادیث لازم است، ولی کافی نیست و باید برنامه هایی تولید شود که خردسالان و کودکان در مرحله نخست، زشتی دروغ را دریابند و با تحقق این امر، تذکرهای خالصانه و کودکانه آنان، زمینه پذیرش بزرگسالان را فراهم خواهد کرد.

نکته محوری دیگر که در پیش فرض های ما در امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد، حرمت انتشار گناه است. بنابراین، نباید خطای گناهکار به گونه ای در رسانه بازگو شود که ترویج گناه باشد.

سخن دیگر توجه به ویژگی های رسانه است. یکی از عوامل جذب بیننده در سینما و سیما، جذابیت است. نادیده گرفتن این عامل، موجب زشت جلوه دادن امر به معروف می شود. بنابراین، باید برنامه هایی تهیه شود که بیننده بیشتری را تحت تأثیر قرار دهد. برای نمونه، اگر مجموعه های تلویزیونی پربیننده هستند، باید از این مجموعه ها برای گسترش فرهنگ امر به معروف استفاده کرد. البته القای غیرمستقیم بسیار بهتر و زیباتر است.

مجموعه «زیر تیغ»، از نمونه های زیبایی است که به خوبی زشتی خشم را به نمایش گذاشت. در روایت های اسلامی، خشم، مادر همه بدی ها معرفی شده

است، ولی چندین جلد کتاب نیز نمی توانست به خوبی این مجموعه، حقیقت خشم و پی آمد آن را نمایش دهد. ارزش های نیکوی دیگری چون جوان مردی، کمک به ستم دیدگان، پرهیز از سخن نابجا و مانند آن نیز می تواند در مجموعه های تلویزیونی مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، برای حل همه مشکلات بزرگ جامعه می توان چنین مجموعه هایی تهیه کرد.

آمر به معروف و ناهی از منکر، باید همان گونه رفتار و عمل کند که خود، امر و نهی می کند و اگر رسانه را به عنوان آمر و ناهی در نظر بگیریم، هم افق بودن رسانه و آنچه می گوید، ضروری است. برای نمونه، وقتی در رسانه از متن یک سخنرانی استفاده می شود که در ارزش قناعت سخن می گوید و بلافاصله پانزده دقیقه پیام بازرگانی پخش می شود و در آن پیامی مانند «سلام سلام مادرجون، چی پخته ای برامون، برای شما فسنجون، اون یکی مرغ بریون، تو فر برا بچه ها گذاشته ام چند پیتزا» پخش می شود، به راستی کدام یک مؤثرتر است؟ در این موارد، مخاطب سردرگم، تناقض گویی رسانه را چگونه تحلیل کند؟!

با توجه به این امر، رسانه می تواند برای پخش پیام های بازرگانی معیارهای خود را افزایش دهد. برای مثال، از پخش کالاهای زیان بار و تجمل گرا بپرهیزد یا برای زدودن دروغ از جامعه، نخست از خود شروع کند و فقط به پخش تمجیدهای مردم نپردازد.

راهکار دیگر رسانه برای گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، مناظره های علمی دقیق و جنجالی با دو گرایش مخالف است؛ زیرا دین اسلام چنان استوار و محکم است که مطرح شدن اشکالات، خللی در آن ایجاد

نمی کند و شاید بتوان چرایی بحث امر به معروف و رسانه را در یک مناظره جذاب به نمایش درآورد. دانشمند دین پژوهی که از ارزش های امر به معروف دفاع می کند، در کنار دانشمندی که پیچیدگی جامعه امروز را مانع گسترش فرهنگ امر به معروف می داند، گفت وگو می کنند و آنچه مهم تر است، دیدن عملی پی آمد گفت وگویی کارشناسانه است. اگر پژوهشگر نتیجه عملی تحقیقات خود را ببیند، بی تردید بر پژوهش خود می افزاید و با مطالعه آسیب های آن، راهکارهای جای گزین را پیشنهاد می کند.

در سیره ارزشمند پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، به نکوداشت ارزش ها اهمیت ویژه ای داده شده است که متأسفانه در برنامه های رسانه به این موضوع، بسیار محدود پرداخته شده است و برنامه سازی در این زمینه فقط به چند برنامه ویژه مانند «چهره های ماندگار» خلاصه می شود، در حالی که برای فرهنگ شدن این مسائل به کار مداوم نیاز است. برای نمونه، ارزش کار، امروزه به ضدارزش تبدیل شده است، به گونه ای که کار نکردن و شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت، نوعی هنر و زرنگی به شمار می رود. بنابراین، فرهنگ کار باید در جامعه به ارزش تبدیل شود و کم کاری، زشت و ناپسند شمرده شود. در فرهنگ مردمی که کار، ارزش باشد، دیر رفتن به سر کار و زود برگشتن، ناپسند و گناه است. حال آیا در فرهنگ ما چنین است؟

رسانه با برنامه ریزی درازمدت می تواند جایگاه مشاغلی چون پرستاری، خانه داری، آموزگاری، کارگری و کشاورزی را بسیار بالاتر از بازیگری معرفی کند. در این صورت، بازیگرانی ارزشمندند که در حرفه خود کارآمد باشند، نه بر اساس جذابیت های چهره، هنرمند معرفی شوند.

آفت رسانه در زمینه امر به معروف و نهی از منکر، وجود بازیگرانی است که با ظاهر شدن در محافلی غیرشرعی و غیراخلاقی، چهره نیک رسانه ای خود را تخریب می کنند. مسئولان رسانه، با پیروی از رسول خدا صلی الله علیه و آله باید با زیردستان خطاکار به شدت برخورد کنند و فقط به تذکر و نصیحت بسنده نکنند. پیام آور مهربانی ها در برابر همه مسلمانان، آسان گیر و با زیردستان و کارگزارانش مهربان، ولی سخت گیر بود تا جایگاه اسلام را نشان دهد.

آفت دیگر رسانه، به کارگیری کارشناسان مذهبی متوسط یا در برخی موارد ضعیف است. برای رسانه ای کردن فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر پس از مشورت با کارشناسان مذهبی متوسط، باید نتیجه را به کارشناسان خبره عرضه کرد تا زیبایی معروف در جامعه نمایان شود. برای نمونه، در یک سلسله برنامه های منظم، خرافه زدایی از مراسم مذهبی هدف مند می شود، ولی با پخش مجموعه «صاحب دلان»، خواب و رؤیا اعتباری چون تفکر می یابد و انسان مؤمن مجموعه، به گونه ای رفتار می کند که گویا کودنی و زیربار حرف دیگران رفتن، ارزشمند است.

نکته پایانی

نکته پایانی

کارگردانان و تهیه کنندگان باید با مبانی دینی آشنا باشند. مراد از مبانی دینی، گذراندن دروس معارف اسلامی نیست، بلکه کارگردان موفق مسلمان، کسی است که مبانی دینی را به خوبی شناخته و پای بندی به مبانی دین، در برنامه های او نمایان باشد. برای نمونه، گزارش های شهید سیدمرتضی آوینی را با گزارش های گروه جنگ سیما مقایسه کنید. هنوز صدای گزارشگران رسانه ملی در ایام دفاع مقدس که خبر تصرف سرزمین دشمن و تعداد کشتگان عراقی را با نشاط و افتخار بیان می کردند، در گوشمان هست، در حالی که در هیچ یک از گزارش های شهید آوینی، تصویری از فتح خاک و جنازه دشمن دیده نمی شود؛ زیرا وی بر اساس مبانی خود، فتح سرزمین و بیان شمار کشته شدگان سپاه دشمن را افتخار نمی دانست. شهید آوینی، در جلوه های دفاع مقدس، زیبایی های ایثار، مهرورزی، نشاط ماندگار و صلابت ایمان را به تصویر کشیده که این رویکرد، کار او را ماندگار ساخت. راهش پررهرو باد.

خلاصه سخن

خلاصه سخن

رسانه می تواند در کوتاه مدت، مجموعه های زیبایی را بر اساس شیوه های رفتاری و گفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله تهیه کند و در دراز مدت، به عنوان آمر به معروف و ناهی از منکر، به صورت تدریجی، منکر را شناسایی کند و زشتی آن

را به گونه ای غیرمستقیم به مردم نشان دهد.

کتاب در یک نگاه

کتاب در یک نگاه

نظارت، نگاهی دقیق و برنامه ریزی شده به صورت آگاهانه و عامدانه است و نگاه تصادفی بر فعالیت های یک مجموعه را نمی توان نظارت نامید.

وظیفه ناظر، مقایسه «بایدها» با «هست ها»، «مطلوب ها» با «موجودها» و «پیش بینی ها» با «عملکردها»ست.

کار با برنامه، نیازمند نظارت است؛ زیرا خطا در انسان و ابزار، امری پذیرفتنی است.

در سیره و گفتار پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، نظارت الهی، نظارت وجدانی، نظارت نهادی و نظارت همگانی برای پویایی جامعه ضروری است.

یکی از ویژگی های اسلام، نظارت درونی و خودکنترلی است که مؤثرترین گونه نظارتی است.

نظارت همگانی یا امر به معروف و نهی از منکر، راهکار زیبایی است که همه مردم بدون آنکه به حریم خصوصی یکدیگر وارد شوند، نسبت به رفتار بیرونی همدیگر حساس هستند.

امر به معروف، کنشی برای گسترش «نیکی ها» و نهی از منکر، واکنشی در برابر «زشتی ها» است.

نهی از منکر نشانه دین داری و خردمندی است.

خوشی دائمی، در پرتو امر به معروف و نهی از منکر است و ترک آن، از بین رفتن نعمت ها و چیرگی بدان بر خوبان را در پی دارد.

ترس، دنیادوستی و مستی نادانی، از موانع گسترش امر به معروف و نهی از منکر است.

شیوه صحیح، تبیین قلمروها، منکرستیزی و گزینش ناظران دقیق، از قواعد کلی نظارت همگانی است.

کوشش و هدف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تنها ساختن جامعه ای «عاری از زشتی ها» نبود، بلکه افق دید آن حضرت جامعه ای سرشار از خوبی ها بود.

بسترسازی مناسب، تشویق و تنبیه، نکوداشت ارزش ها، آسان گیری، دل سوزی، کناره گیری، بی اعتنایی و تشویق معترض، از جمله شیوه های رفتاری رسول خدا در گسترش «نیکی ها» و بازداشتن از «بدی ها» بود.

فرصت شناسی تذکر، پند رسا، تذکر هنرمندانه، تبیین علت، گفتار نرم و تذکر اشاره ای، نمونه هایی از شیوه های گفتاری رسول خدا صلی الله علیه و آله در امر به معروف و نهی از منکر بود.

آسان گیری در برابر اشتباه های مردم عادی و سخت گیری در برابر خطای نزدیکان و کارگزاران نیز از دیگر شیوه های رفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در امر و نهی بود.

کتاب نامه

* قرآن

* نهج البلاغه

1. آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصرعربی فارسی، تهران، نشر نی، چاپ اول، 1379.

2. آقا پیروز، علی و دیگران، مدیریت در اسلام، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، بی تا.

3. ابن الأثیر، النهایه فی غریب الحدیث (5 جلد)، قم، مؤسسه اسماعیلیان، 1364.

4. ابن الاخوه، محمد بن محمد بن احمد القرشی، معالم القربه فی احکام الحسبه، قاهره، مکتبه المتنبی، بی تا.

5. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب (3 جلد)، نجف اشرف، المکتبه الحیدریه، 1376ه . ق.

6. ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه (2 جلد)، بیروت، دارالفکر، بی تا.

7. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب (15 جلد)، قم، نشر أدب الحوزه، 1405 ه . ق.

8. ابوداوود، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داوود (4 جلد)، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، 1410ه . ق.

9. احمد بن حنبل، مسند، بیروت، دار صادر، چاپ اول، بی تا.

10. احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغه (6 جلد)، قم، مکتبه الاعلام الإسلامی، چاپ اول، 1404ه . ق.

11. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول (3 جلد)، قم، دارالحدیث، چاپ اول، 1419 ه_ . ق.

12. اسلامی، سیدحسن، امر به معروف و نهی از منکر، قم، نشر خرّم، چاپ اول، 1375.

13. اصفهانی، راغب، مفردات غریب القرآن (1 جلد)، دفتر نشر الکتاب، چاپ دوم، 1404ه_ . ق.

14. اعتصامی، پروین، دیوان کامل، به کوشش: رضا ابوطالب، انتشارات پیری، تهران، چاپ اول، 1371.

15. بخاری، محمد بن اسماعیل، الادب المفرد، بیروت، موسسه الکتب الثقافیه، چاپ سوم، 1409 ه . ق.

16. بخاری، محمدبن اسماعیل، صحیح بخاری (8 جلد)، بیروت، دارالفکر، 1401 ه . ق.

17. بیهقی، احمد بن الحسین، سنن الکبری (10 جلد)، بیروت، دارالفکر، بی تا.

18. تویسرکانی، محمدرضا، الگوی برتر، تهران، آرام دل، 1382.

19. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه (6 جلد) ترجمه: احمد بن عبدالغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین، 1407ه . ق.

20. حاکم نیشابوری، محمد بن محمد، المستدرک علی الصحیحین، (4 جلد)، بیروت، دارالمعرفه، 1406ه . ق.

21. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه (30 جلد)، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، چاپ دوم، 1414ه . ق.

22. حرانی، حسن بن علی بن شعبه، تحف العقول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم.

23. حلبی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه فی سیره الامین المأمون (3جلد)، بیروت، دارالمعرفه، 1400ه . ق.

24. حمیری، ابن هشام، السیره النبویه (4 جلد)، قاهره، مکتبه محمد علی صبیح، 1383ه . ق.

25. حمیری، عبداللّه بن جعفر، قرب الاسناد، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، چاپ اول، 1413ه . ق.

26. دارقطنی، علی بن عمر، سنن الدار قطنی، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، 1417 ه . ق.

27. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، 1373.

28. راوندی، قطب الدین، النوادر، قم، دارالحدیث، چاپ اول، 1377.

29. سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه: سیدجعفر شهیدی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ چهارم، 1372.

30. سیوطی، عبدالرحمان بن أبی بکر، الدر المنثور (8 جلد)، بیروت، دارالفکر، 1414ه_ . ق.

31. شوشتری، نوراللّه بن شریف الدین، احقاق الحق (33 جلد)، قم، مکتبه آیت اللّه مرعشی نجفی، بی تا.

32. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بابویه، معانی الاخبار (1 جلد)، قم، انتشارات اسلامی، 1361.

33. صنعانی، عبدالرزاق، المصنف عبدالرزاق (11 جلد)، المجلس الاعلمی، بی تا.

34. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر (25 جلد)، قاهره، مکتبه ابن تیمیه، چاپ دوم،

بی تا.

35. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، منشورات الشریف الرضی، چاپ ششم، 1392 ه . ق.

36. ______________________________، مجمع البیان فی تفسیر القرآن (10 جلد)، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، 1415ه . ق.

37. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری (8 جلد)، بیروت، مؤسسه الاعلمی، بی تا.

38. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام (10 جلد)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، 1365.

39. فراهیدی، خلیل، العین (8 جلد)، قم، دارالهجره، چاپ دوم، 1409ه_ . ق.

40. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، المحجه البیضاء (8 جلد در 4 مجلد)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1415ه . ق .

41. قرطبی، محمد بن احمد انصاری، الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قرطبی) (20 جلد)، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، 1405ه . ق.

42. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی (8 جلد)، ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1367 ه . ق .

43. کوفی، ابن ابی شیبه، المصنف، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، 1409ه . ق.

44. مالک بن انس، الموطأ (2 جلد)، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، 1406ه . ق.

45. مایکل کوک، امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی، ترجمه: احمد نمایی، بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ اول، 1384.

46. متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال (16 جلد)، بیروت، دارالمعرفه، 1400ه . ق.

47. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعه لدرر أخبار الائمه الاطهار (110 جلد)، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1403 ه . ق .

48. محمد بن سعد، الطبقات الکبری (8 جلد)، بیروت، دار صادر، بی تا.

49. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه (15 جلد)، قم، دارالحدیث، 1377.

50. مدنی بجستانی، محمود، امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه برتر در سیره معصومین، قم، نشر معروف، چاپ دوم، 1376.

51. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی (3 جلد)، تهران، صدرا، چاپ بیستم، 1375.

52. مقریزی، تقی الدین احمد بن علی، امتاع الاسماع (14 جلد)، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، 1420ه . ق.

53. منذری، زکی الدین عبدالعظیم بن عبدالقوی، الترغیب و الترهیب (4 جلد)، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم، 1388ه . ق.

54. «فلسفه نظارت»، منصورنژاد، محمد، فصل نامه حکومت اسلامی، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، سال نهم، شماره سوم، پاییز 1383، شماره پیاپی 33.

55. موسوی خمینی، روح اللّه، صحیفه نور (21 جلد)، تهران، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول.

56. ______________________________، تحریر الوسیله (2 جلد)، قم، مؤسسه نشر اسلامی، 1363.

57. نائینی، تنبیه الامه و تنزیه المله، تحقیق: سیدجواد ورعی، قم، بوستان کتاب، 1382.

58. نمیری، عمر بن شبه، تاریخ المدینه (4 جلد)، قم، دارالفکر، بی تا.

59. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل (18 جلد)، بیروت، مؤسسه آل البیت، چاپ اول، 1408 ه . ق.

60. نووی، محیی الدین یحیی بن شرف، صحیح مسلم بشرح النووی (18 جلد)، بیروت، دار الکتاب العربی، 1407ه . ق.

61. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم (8 جلد)، بیروت، دارالفکر، بی تا.

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109